

**امتحان نهایی فارسی دوازدهم**

همونطور که می‌دونید درس فارسی ۳، مهم‌ترین درس در ترمیم معدل و امتحان نهایی هست و بین دروس عمومی، بیشترین تأثیر مستقیم رو در نتیجه کنکور شما داره.

امتحان فارسی از بخش‌های مختلفی تشکیل شده که در ادامه برای شما توضیح دادیم و بارم‌بندی هر بخش رو می‌تونید در جدول زیر مشاهده کنید:

| نمره | قلمروها     |
|------|-------------|
| ۷    | قلمرو زبانی |
| ۵    | قلمرو ادبی  |
| ۸    | قلمرو فکری  |
| ۲۰   | جمع         |

(۱) قلمرو زبانی:

از سه بخش تشکیل شده که به شرح زیر است:

(الف) از بخش لغت یک نمره سوال طرح می‌شه که باید به واژه‌نامه آخر کتاب کاملاً مسلط باشید.

(ب) از بخش املا دو نمره سوال طرح می‌شه که اگر به واژه‌نامه مسلط باشید، با یه تیر دو نشون می‌زنین.

(ج) از بخش دستور هم چهار نمره سوال طرح می‌شه که مرور سریع قلمروهای زبانی کتاب می‌تونه خیلی کمک‌کننده باشه و البته خلاصه دستور و نمونه سوالاتی که برای شما آماده کردیم هم می‌تونه آمادگی شما رو چند برابر کنه.

(۲) قلمرو ادبی:

از بخش ادبی هم کلاً پنج نمره سوال طرح می‌شه که ریز بارم اون به شرح زیر هست:

(الف) مهم‌ترین قسمت قلمرو ادبی، بخش مربوط به آرایه‌های ادبی هست که سه نمره ازش سوال طراحی میشه. در این بخش براتون یه درس‌نامه مختصر آماده کردیم که می‌تونه برای شما خیلی مفید باشه و همچنین نمونه سوالات سال‌های قبل رو براتون دسته‌بندی کردیم تا یه مرور تند و سریع در این قسمت داشته باشید.

(ب) از قسمت تاریخ ادبیات هم معمولاً یک نمره در آزمون سوال میاد که اتفاقاً بسیار ساده هست چون مباحث سنگین تاریخ ادبیات تقریباً از کتاب درسی حذف شدن.

(ج) از بخش حفظ شعر هم یک نمره سوال طرح می‌شه. نکته مهم این بخش اینه که در امتحان خرداد حفظ شعر از کل کتاب هست اما در امتحانات شهریور و دی‌ماه، معمولاً فقط از ترم دوم میاد. (شکوه چشمان تو صفحه ۹۶ / ای میهن صفحه ۱۱۷)

(۳) قلمرو فکری:

سوالات این بخش به دو دسته کلی تقسیم میشن:

(الف) معنی و مفهوم ابیات و عبارات؛ که از این قسمت چهار نمره سوال طراحی میشه (عیناً از کتاب درسی میاد). سوالات این قسمت معمولاً تکراری هستن! پس شدیداً توصیه می‌کنیم که از مرور سوالات سال‌های قبل غافل نشین.

(ب) درک مطلب، که از این قسمت هم چهار نمره سوال مطرح میشه. سوالات این بخش معمولاً از قلمروهای فکری کتاب درسی انتخاب میشه. قطعاً تسلط بر سوالات سال‌های قبل موفقیت شما رو تضمین می‌کنه، در عین حال انتظار حدود یک تا دو نمره سوال چالشی و جدید رو هم همیشه داشت.

| ردیف                      | سوالات                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                     | نمره |
|---------------------------|--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|------|
| الف) قلمرو زبانی (۷ نمره) |                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                            |      |
| ۱                         | در کدام بیت، واژه‌ای به معنای «بی‌بهره از معنویت» به کار رفته است؟<br>الف) بده گرمی دل افسرده‌ام را<br>ب) تو قلب فسرده زمینی<br>از درد ورم نموده یک چند                                                                                                                                                                                                                                                                                    | ۰/۲۵ |
| ۲                         | از میان واژه‌های زیر، معادل معنایی «دل از علایق بریدن» و «آغاز» را بیابید.<br>ابدیت، تجرید، پویدن، قدوم، تفرید، آستانه                                                                                                                                                                                                                                                                                                                     | ۰/۵  |
| ۳                         | واژه «اندیشه» به کدام معنا نیامده است؟<br>(۱) ترس (۲) یقین (۳) اضطراب (۴) اندوه                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                            | ۰/۲۵ |
| ۴                         | غلط‌های املائی و نگارشی عبارات زیر را اصلاح نمایید.<br>الف) همچنان که می‌توانست او، اگر می‌خواست، / کان کمند شست خمّ خویش بگشاید / و بیاندازد به بالا، ...<br>ب) از بیم عقرب جراره دموکراسی به مار قاشیه حکومت سرهنگ‌ها پناه برد.                                                                                                                                                                                                          | ۱    |
| ۵                         | در گروه کلمه‌های زیر، دو مورد نادرستی املائی وجود دارد؛ درست هر یک را بنویسید.<br>بیت‌الحزن و ماتمکده - چریغ آفتاب - جناغ و قفسه سینه - روزه و مراسم سوگواری - حول و ترسناک - ابا و امتناع                                                                                                                                                                                                                                                 | ۰/۵  |
| ۶                         | در هریک از موارد زیر، املائی درست را از داخل کمانک برگزینید.<br>الف) جزیره‌های کوچک و بزرگ مثل وصله‌های رنگارنگ بر (طیلسان / تیلسان) آبی مدیترانه دوخته شده است.<br>ب) نهالی چند در هنگام ورود خویش در باغ (قرس / غرس) کرده بود.                                                                                                                                                                                                           | ۰/۵  |
| ۷                         | با توجه به عبارت شعری زیر به پرسش‌ها پاسخ دهید:<br>قصه است این، قصه، آری قصه درد است / شعر نیست، / این عیار مهر و کین مرد و نامرد است ...<br>الف) چند ترکیب اضافی در این عبارت دیده می‌شود؟<br>ب) یک قید بیابید.<br>ج) در این عبارت چند ضمیر به کار رفته است؟<br>د) چند نوع نقش تبعی در این عبارت دیده می‌شود؟                                                                                                                             | ۱    |
| ۸                         | در کدام گزینه، الگوی «نهاد + مفعول + مسند + فعل» در هر دو عبارت، دیده می‌شود؟<br>الف) آتشی در باطن جوانان است که دانش خویش برتر از دانش پیران دانند.<br>ب) بر احوال من بگریست پنداشت که شوری یا فساد انگیزته‌ام.<br>ج) نباید به ذم و مدح ایشان التفات نمود و نکوهش و ستایش ایشان لایق محو و اثبات پنداشت.<br>د) عشق لایزالی، دل را در ولایت‌های خود می‌گرداند تا جایی ساکن شود و سکون یابد.<br>(۱) الف - ب (۲) ج - د (۳) ب - د (۴) الف - ج | ۰/۵  |
| ۹                         | تفاوت معنایی فعل «ساخت» را در دو عبارت زیر، بررسی کنید:<br>الف) استاد موسیقی، آهنگ زیبایی ساخت.<br>ب) او با ناملایمات زندگی ساخت.                                                                                                                                                                                                                                                                                                          | ۰/۵  |

| ردیف                    | سوالات                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                            | نمره                                      |            |          |     |                                        |                                    |   |                                     |                                           |   |                               |                              |   |                                 |                             |    |                                      |                                     |  |
|-------------------------|---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-------------------------------------------|------------|----------|-----|----------------------------------------|------------------------------------|---|-------------------------------------|-------------------------------------------|---|-------------------------------|------------------------------|---|---------------------------------|-----------------------------|----|--------------------------------------|-------------------------------------|--|
| ۱۰                      | هر یک از موارد ستون «ب» با کدام بیت در ستون «الف» مرتبط است؟ (در ستون «الف» یک بیت اضافی است).                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                    | ۱                                         |            |          |     |                                        |                                    |   |                                     |                                           |   |                               |                              |   |                                 |                             |    |                                      |                                     |  |
|                         | <table><tr><th>ردیف</th><th>ستون «الف»</th><th>ستون «ب»</th></tr><tr><td>الف</td><td>به تشویش قیامت در که یار از یار بگریزد</td><td>محب از خاک برخیزد محبت همچنان دارد</td></tr><tr><td>ب</td><td>که شاهی کاردشیر بابکان بود</td><td>به چُستی پیشوای چابکان بود</td></tr><tr><td>ج</td><td>طمع کرده بودم که کرمان خورم</td><td>که ناگه بخوردند کرمان سرم</td></tr><tr><td>د</td><td>بنازم به بزم محبت که آن جا</td><td>گدایی به شاهی مقابل نشیند</td></tr><tr><td>هـ</td><td>در عهد لیلی این همه مجنون نبوده‌اند</td><td>وین فتنه برنخاست که در روزگار اوست</td></tr></table>                     | ردیف                                      | ستون «الف» | ستون «ب» | الف | به تشویش قیامت در که یار از یار بگریزد | محب از خاک برخیزد محبت همچنان دارد | ب | که شاهی کاردشیر بابکان بود          | به چُستی پیشوای چابکان بود                | ج | طمع کرده بودم که کرمان خورم   | که ناگه بخوردند کرمان سرم    | د | بنازم به بزم محبت که آن جا      | گدایی به شاهی مقابل نشیند   | هـ | در عهد لیلی این همه مجنون نبوده‌اند  | وین فتنه برنخاست که در روزگار اوست  |  |
| ردیف                    | ستون «الف»                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                        | ستون «ب»                                  |            |          |     |                                        |                                    |   |                                     |                                           |   |                               |                              |   |                                 |                             |    |                                      |                                     |  |
| الف                     | به تشویش قیامت در که یار از یار بگریزد                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                            | محب از خاک برخیزد محبت همچنان دارد        |            |          |     |                                        |                                    |   |                                     |                                           |   |                               |                              |   |                                 |                             |    |                                      |                                     |  |
| ب                       | که شاهی کاردشیر بابکان بود                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                        | به چُستی پیشوای چابکان بود                |            |          |     |                                        |                                    |   |                                     |                                           |   |                               |                              |   |                                 |                             |    |                                      |                                     |  |
| ج                       | طمع کرده بودم که کرمان خورم                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                       | که ناگه بخوردند کرمان سرم                 |            |          |     |                                        |                                    |   |                                     |                                           |   |                               |                              |   |                                 |                             |    |                                      |                                     |  |
| د                       | بنازم به بزم محبت که آن جا                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                        | گدایی به شاهی مقابل نشیند                 |            |          |     |                                        |                                    |   |                                     |                                           |   |                               |                              |   |                                 |                             |    |                                      |                                     |  |
| هـ                      | در عهد لیلی این همه مجنون نبوده‌اند                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                               | وین فتنه برنخاست که در روزگار اوست        |            |          |     |                                        |                                    |   |                                     |                                           |   |                               |                              |   |                                 |                             |    |                                      |                                     |  |
| ۱۱                      | در کدام عبارت، شیوهٔ بلاغی به کار رفته است؟<br>الف) درست گویی عشق آباد کوچکی است و چنان که می‌گویند، هم بر انگارهٔ عشق آبادش ساخته‌اند.<br>ب) «این عالم، خانهٔ خداست؛ چراغ وی ماه است و فرش وی زمین است.»                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                         | ۰/۲۵                                      |            |          |     |                                        |                                    |   |                                     |                                           |   |                               |                              |   |                                 |                             |    |                                      |                                     |  |
| ۱۲                      | نقش صحیح واژهٔ مشخص‌شده را از درون کمانک پیدا کنید.<br>الف) <u>ظالم</u> شود فقیر چو نرمی به در بری<br>ب) دل زد در <u>وصال</u> تو دائم که ضایع است<br>گرگ است گوسفند چو بیند حشیش را (نهاد – مسند)<br>رنجی که آن ضعیف درین باب می‌برد (متمم – مضاف‌الیه)                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                           | ۰/۵                                       |            |          |     |                                        |                                    |   |                                     |                                           |   |                               |                              |   |                                 |                             |    |                                      |                                     |  |
| ۱۳                      | در کدام بیت وابستهٔ وابسته به کار رفته‌است؟<br>الف) ز ما بریدن یاران، بدیع نیست که ما را<br>ب) شمع را هرگاه گردد گرد سر پروانه‌ای<br>به تیغ هجر بریدند ناف روز ولادت<br>بی پر و بالی ز آتش بیشتر سوزد مرا                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                         | ۰/۲۵                                      |            |          |     |                                        |                                    |   |                                     |                                           |   |                               |                              |   |                                 |                             |    |                                      |                                     |  |
| (ب) قلمرو ادبی (۵ نمره) |                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                   |                                           |            |          |     |                                        |                                    |   |                                     |                                           |   |                               |                              |   |                                 |                             |    |                                      |                                     |  |
| ۱۴                      | در هر یک از موارد زیر آرایهٔ درست را از داخل کمانک انتخاب کنید.<br>الف) از فشار قبر بر گوشش حدیثی خورده‌است<br>ب) در عزای کوهکن هر نوبهار از بی‌کسی<br>هر که را در هم نیفشرده است درد احتیاج (ایهام – تشبیه)<br>چاک سازد لاله چندین پیرهن در کوهسار (پارادوکس – حسن تعلیل)                                                                                                                                                                                                                                                                                                                        | ۰/۵                                       |            |          |     |                                        |                                    |   |                                     |                                           |   |                               |                              |   |                                 |                             |    |                                      |                                     |  |
| ۱۵                      | آرایه‌های مشخص شده در ستون دوم در کدام یک از ابیات ستون اول دیده می‌شود؟ (یک بیت در ستون اول اضافی است).                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                          | ۱                                         |            |          |     |                                        |                                    |   |                                     |                                           |   |                               |                              |   |                                 |                             |    |                                      |                                     |  |
|                         | <table><tr><th colspan="2">ستون اول</th><th>ستون دوم</th></tr><tr><td>الف</td><td>کشت دروغ بار حقیقت نمی‌دهد</td><td>این خشک رود چشمهٔ حیوان نمی‌شود</td></tr><tr><td>ب</td><td>برق عالم‌سوز را تسخیر کردن مشکل است</td><td>چون شود صائب به افسون مانع از رفتن تو را؟</td></tr><tr><td>ج</td><td>مجنون و پَریشان توام دستم گیر</td><td>سرگشته و حیران توام دستم گیر</td></tr><tr><td>د</td><td>سحر به کشتنم از در درآمدی سرمست</td><td>مگو نداشت اثر آه صبحگاهی من</td></tr><tr><td>هـ</td><td>گر بدین شیوه کند، چشم تو مردم را مست</td><td>نتوان گفت، که در دور تو، هشیاری هست</td></tr></table> | ستون اول                                  |            | ستون دوم | الف | کشت دروغ بار حقیقت نمی‌دهد             | این خشک رود چشمهٔ حیوان نمی‌شود    | ب | برق عالم‌سوز را تسخیر کردن مشکل است | چون شود صائب به افسون مانع از رفتن تو را؟ | ج | مجنون و پَریشان توام دستم گیر | سرگشته و حیران توام دستم گیر | د | سحر به کشتنم از در درآمدی سرمست | مگو نداشت اثر آه صبحگاهی من | هـ | گر بدین شیوه کند، چشم تو مردم را مست | نتوان گفت، که در دور تو، هشیاری هست |  |
| ستون اول                |                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                   | ستون دوم                                  |            |          |     |                                        |                                    |   |                                     |                                           |   |                               |                              |   |                                 |                             |    |                                      |                                     |  |
| الف                     | کشت دروغ بار حقیقت نمی‌دهد                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                        | این خشک رود چشمهٔ حیوان نمی‌شود           |            |          |     |                                        |                                    |   |                                     |                                           |   |                               |                              |   |                                 |                             |    |                                      |                                     |  |
| ب                       | برق عالم‌سوز را تسخیر کردن مشکل است                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                               | چون شود صائب به افسون مانع از رفتن تو را؟ |            |          |     |                                        |                                    |   |                                     |                                           |   |                               |                              |   |                                 |                             |    |                                      |                                     |  |
| ج                       | مجنون و پَریشان توام دستم گیر                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                     | سرگشته و حیران توام دستم گیر              |            |          |     |                                        |                                    |   |                                     |                                           |   |                               |                              |   |                                 |                             |    |                                      |                                     |  |
| د                       | سحر به کشتنم از در درآمدی سرمست                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                   | مگو نداشت اثر آه صبحگاهی من               |            |          |     |                                        |                                    |   |                                     |                                           |   |                               |                              |   |                                 |                             |    |                                      |                                     |  |
| هـ                      | گر بدین شیوه کند، چشم تو مردم را مست                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                              | نتوان گفت، که در دور تو، هشیاری هست       |            |          |     |                                        |                                    |   |                                     |                                           |   |                               |                              |   |                                 |                             |    |                                      |                                     |  |
| ۱۶                      | کدام بیت دارای آرایهٔ «حسن تعلیل» است؟<br>الف) فنا گردد به فکر ذات حق هر کس که می‌افتد<br>ب) گویی دلت چرا نشد از هجر من غمین<br>از آن دریای بی ساحل شناور بر نمی‌گردد<br>آن قدر تنگ شد که در او جای غم نماند                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                      | ۰/۲۵                                      |            |          |     |                                        |                                    |   |                                     |                                           |   |                               |                              |   |                                 |                             |    |                                      |                                     |  |

| ردیف                   | سوالات                                                                                                                                                                                                                                                                                                                         | نمره |
|------------------------|--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|------|
| ۱۷                     | درباره تلمیح بیت زیر، توضیح دهید.<br>ز یزدان دان نه از ارکان که کوتاه دیدگی باشد<br>که خطی کز خرد خیزد تو آن را از بنان بینی                                                                                                                                                                                                   | ۰/۵  |
| ۱۸                     | با توجه به ابیات زیر، به پرسش‌های داده شده، پاسخ دهید.<br>هر سال چو نو بهار خرم      بیدار شود ز خواب نوشین<br>تا باز کند به روی عالم      دیباجه خاطرات شیرین<br>از لاله دهد به سبزه زیور      ای دوست مرا به خاطر آور<br>الف) آرایه «حس آمیزی» چند بار در ابیات بالا به کار رفته است؟<br>ب) در بیت سوم، «مشبه» را مشخص کنید. | ۰/۵  |
| ۱۹                     | در بیت زیر، معنای مجازی واژه «دست» چیست؟<br>از دست و زبان که بر آید      کز عهده شکرش به در آید                                                                                                                                                                                                                                | ۰/۲۵ |
| ۲۰                     | کتاب «قصه‌های دوشنبه» اثر «آلفونس دوده» را ..... به فارسی ترجمه کرد.                                                                                                                                                                                                                                                           | ۰/۲۵ |
| ۲۱                     | نام صاحب هر یک از آثار داده شده را بنویسید.<br>الف) قصه شیرین فرهاد:      ب) سانتاماریا:                                                                                                                                                                                                                                       | ۰/۵  |
| ۲۲                     | به غزل‌هایی که محتوای آن‌ها بیشتر مسائل سیاسی و اجتماعی است، ..... می‌گویند.                                                                                                                                                                                                                                                   | ۰/۲۵ |
| ۲۳                     | هر یک از ابیات زیر را به درستی کامل کنید.<br>الف) .....<br>خورشید رفته است سر شب سراغ ماه<br>ب) تنیده یاد تو در تار و پودم، میهن ای میهن!<br>.....                                                                                                                                                                             | ۱    |
| ج) قلمرو فکری (۸ نمره) |                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                |      |
| ۲۴                     | مفهوم «همت» در بیت زیر در کدام بیت دیده می‌شود؟<br>«همت بدرقه راه کن ای طایر قدس / که دراز است ره مقصد و من نو سفرم»<br>الف) به دانش بزرگ و به همت بلند<br>ب) سالک راه به منزل برسد آخر کار<br>بازو دلیر و به دل هوشمند<br>همت پیر طریقت اگرش همراه است                                                                        | ۰/۵  |
| ۲۵                     | مفهوم عبارت «حیات از عشق می‌شناس و ممات بی عشق می‌یاب» در کدام گزینه دیده می‌شود؟<br>الف) حیات با تو خوشست و ممات با تو خوشست      گهیم همچو شکر بفسران گهی بگداز<br>ب) هر آن کسی که در این حلقه نیست زنده به عشق      بر او نمرده به فتوای من نماز کنید                                                                       | ۰/۵  |
| ۲۶                     | با توجه به ادبیات پایداری، مفهوم مشترک دو بیت زیر را بنویسید.<br>الف) جامه‌ای کاو نشود غرقه به خون بهر وطن      بدر آن جامه که ننگ تن و کم از کفن است<br>ب) بهر وطن گذشتم از سود خویش و بالله      گر قصد جان نماید شادم به جان سپاری                                                                                          | ۰/۵  |
| ۲۷                     | با توجه به بیت زیر، رفتار سرنوشت با آزادگان چگونه است؟<br>«ضربت گردون دون آزادگان را خسته کرد<br>کو دل آزاده‌ای کز تیغ او مجروح نیست»                                                                                                                                                                                          | ۰/۵  |
| ۲۸                     | مفهوم کلی مصراع دوم بیت زیر را بنویسید.<br>«گفت: می بسیار خوردی، زان چنین بی خود شدی<br>گفت: ای بیهوده گو، حرف کم و بسیار نیست»                                                                                                                                                                                                | ۰/۵  |

| ردیف     | سوالات                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                            | نمره                                                                             |  |          |     |                                |                                   |   |                            |                           |   |                            |                                |   |                                 |                                    |  |  |                    |   |
|----------|---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|----------------------------------------------------------------------------------|--|----------|-----|--------------------------------|-----------------------------------|---|----------------------------|---------------------------|---|----------------------------|--------------------------------|---|---------------------------------|------------------------------------|--|--|--------------------|---|
| ۲۹       | <p>هر یک از بیت‌های زیر با کدام یک از وادی‌های عرفانی داخل کمانک تناسب دارد؟</p> <p>الف) هر یکی بینا شود بر قدر خویش باز یابد در حقیقت صدر خویش (معرفت - استغنا)</p> <p>ب) مال اینجا بایست انداختن ملک اینجا بایست درباختن (طلب - فقر و فنا)</p>                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                  | ۰/۵                                                                              |  |          |     |                                |                                   |   |                            |                           |   |                            |                                |   |                                 |                                    |  |  |                    |   |
| ۳۰       | <p>هر یک از بیت‌های ردیف «اول»، با کدام یک از مفاهیم ردیف «دوم»، متناسب است؟ آن‌ها را به هم ربط دهید.</p> <table border="1"> <thead> <tr> <th colspan="2">ردیف اول</th><th>ردیف دوم</th></tr> </thead> <tbody> <tr> <td>الف</td><td>آیین طریق از نفس پیر مغان یافت</td><td>آن خضر که فرخنده پی‌اش نام نهادند</td></tr> <tr> <td>ب</td><td>گلّه ما را گله از گرگ نیست</td><td>این همه بیداد شبان می کند</td></tr> <tr> <td>ج</td><td>بگفتا دل ز مهرش کی کنی پاک</td><td>بگفت آن گه که باشم خفته در خاک</td></tr> <tr> <td>د</td><td>کاووس کیانی که کی‌اش نام نهادند</td><td>کی بود؟ کجا بود؟ کی‌اش نام نهادند؟</td></tr> <tr> <td></td><td></td><td>از ماست که بر ماست</td></tr> </tbody> </table> | ردیف اول                                                                         |  | ردیف دوم | الف | آیین طریق از نفس پیر مغان یافت | آن خضر که فرخنده پی‌اش نام نهادند | ب | گلّه ما را گله از گرگ نیست | این همه بیداد شبان می کند | ج | بگفتا دل ز مهرش کی کنی پاک | بگفت آن گه که باشم خفته در خاک | د | کاووس کیانی که کی‌اش نام نهادند | کی بود؟ کجا بود؟ کی‌اش نام نهادند؟ |  |  | از ماست که بر ماست | ۱ |
| ردیف اول |                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                   | ردیف دوم                                                                         |  |          |     |                                |                                   |   |                            |                           |   |                            |                                |   |                                 |                                    |  |  |                    |   |
| الف      | آیین طریق از نفس پیر مغان یافت                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                    | آن خضر که فرخنده پی‌اش نام نهادند                                                |  |          |     |                                |                                   |   |                            |                           |   |                            |                                |   |                                 |                                    |  |  |                    |   |
| ب        | گلّه ما را گله از گرگ نیست                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                        | این همه بیداد شبان می کند                                                        |  |          |     |                                |                                   |   |                            |                           |   |                            |                                |   |                                 |                                    |  |  |                    |   |
| ج        | بگفتا دل ز مهرش کی کنی پاک                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                        | بگفت آن گه که باشم خفته در خاک                                                   |  |          |     |                                |                                   |   |                            |                           |   |                            |                                |   |                                 |                                    |  |  |                    |   |
| د        | کاووس کیانی که کی‌اش نام نهادند                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                   | کی بود؟ کجا بود؟ کی‌اش نام نهادند؟                                               |  |          |     |                                |                                   |   |                            |                           |   |                            |                                |   |                                 |                                    |  |  |                    |   |
|          |                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                   | از ماست که بر ماست                                                               |  |          |     |                                |                                   |   |                            |                           |   |                            |                                |   |                                 |                                    |  |  |                    |   |
| ۳۱       | <p>معنی هریک از ابیات و عبارات زیر را به نثر روان بنویسید.</p> <p>الف) آسمان، تفرّجگاه مردم کویر است.</p> <p>ب) محبّت چون به غایت رسد آن را عشق خوانند.</p> <p>ج) دیروز در غربت باغ من بودم و یک چمن داغ.</p> <p>د) یک روز دنیایی به روم چشم داشت و از آن چشم می زد.</p> <p>ه) بگرای چو ازدهای گرز</p> <p>و) در دفتر زمانه فتد نامش از قلم هر ملّتی که مردم صاحب قلم نداشت</p> <p>ز) پرده ناموس بندگان به گناه فاحش ندرد و وظیفه روزی به خطای منکر نبرد.</p>                                                                                                                                                                                                                                      | <p>۰/۲۵</p> <p>۰/۲۵</p> <p>۰/۵</p> <p>۰/۵</p> <p>۰/۵</p> <p>۰/۲۵</p> <p>۱/۲۵</p> |  |          |     |                                |                                   |   |                            |                           |   |                            |                                |   |                                 |                                    |  |  |                    |   |
|          | موفق باشید                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                        | ۲۰                                                                               |  |          |     |                                |                                   |   |                            |                           |   |                            |                                |   |                                 |                                    |  |  |                    |   |

| ردیف                             | پاسخبرگ                                                                                                                                                                                                                                                                                                                 | نمره  |     |                    |       |               |       |                  |       |                      |       |   |
|----------------------------------|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-------|-----|--------------------|-------|---------------|-------|------------------|-------|----------------------|-------|---|
| <b>الف) قلمرو زبانی (۷ نمره)</b> |                                                                                                                                                                                                                                                                                                                         |       |     |                    |       |               |       |                  |       |                      |       |   |
| ۱                                | .....                                                                                                                                                                                                                                                                                                                   | ۰/۲۵  |     |                    |       |               |       |                  |       |                      |       |   |
| ۲                                | دل از علایق بریدن: ..... آغاز: .....                                                                                                                                                                                                                                                                                    | ۰/۵   |     |                    |       |               |       |                  |       |                      |       |   |
| ۳                                | .....                                                                                                                                                                                                                                                                                                                   | ۰/۲۵  |     |                    |       |               |       |                  |       |                      |       |   |
| ۴                                | الف) .....<br>ب) .....                                                                                                                                                                                                                                                                                                  | ۱     |     |                    |       |               |       |                  |       |                      |       |   |
| ۵                                | .....                                                                                                                                                                                                                                                                                                                   | ۰/۵   |     |                    |       |               |       |                  |       |                      |       |   |
| ۶                                | الف) .....<br>ب) .....                                                                                                                                                                                                                                                                                                  | ۰/۵   |     |                    |       |               |       |                  |       |                      |       |   |
| ۷                                | الف) .....<br>ب) .....<br>ج) .....<br>د) .....                                                                                                                                                                                                                                                                          | ۱     |     |                    |       |               |       |                  |       |                      |       |   |
| ۸                                | .....                                                                                                                                                                                                                                                                                                                   | ۰/۵   |     |                    |       |               |       |                  |       |                      |       |   |
| ۹                                | الف) .....<br>ب) .....                                                                                                                                                                                                                                                                                                  | ۰/۵   |     |                    |       |               |       |                  |       |                      |       |   |
| ۱۰                               | <table border="1"> <thead> <tr> <th>آرایه</th> <th>بیت</th> </tr> </thead> <tbody> <tr> <td>«ان» در معنای نسبت</td> <td>.....</td> </tr> <tr> <td>فعل ماضی بعید</td> <td>.....</td> </tr> <tr> <td>یک واژه دو تلفظی</td> <td>.....</td> </tr> <tr> <td>متمم با دو حرف اضافه</td> <td>.....</td> </tr> </tbody> </table> | آرایه | بیت | «ان» در معنای نسبت | ..... | فعل ماضی بعید | ..... | یک واژه دو تلفظی | ..... | متمم با دو حرف اضافه | ..... | ۱ |
| آرایه                            | بیت                                                                                                                                                                                                                                                                                                                     |       |     |                    |       |               |       |                  |       |                      |       |   |
| «ان» در معنای نسبت               | .....                                                                                                                                                                                                                                                                                                                   |       |     |                    |       |               |       |                  |       |                      |       |   |
| فعل ماضی بعید                    | .....                                                                                                                                                                                                                                                                                                                   |       |     |                    |       |               |       |                  |       |                      |       |   |
| یک واژه دو تلفظی                 | .....                                                                                                                                                                                                                                                                                                                   |       |     |                    |       |               |       |                  |       |                      |       |   |
| متمم با دو حرف اضافه             | .....                                                                                                                                                                                                                                                                                                                   |       |     |                    |       |               |       |                  |       |                      |       |   |
| ۱۱                               | .....                                                                                                                                                                                                                                                                                                                   | ۰/۲۵  |     |                    |       |               |       |                  |       |                      |       |   |
| ۱۲                               | الف) .....<br>ب) .....                                                                                                                                                                                                                                                                                                  | ۰/۵   |     |                    |       |               |       |                  |       |                      |       |   |
| ۱۳                               | .....                                                                                                                                                                                                                                                                                                                   | ۰/۲۵  |     |                    |       |               |       |                  |       |                      |       |   |
| <b>ب) قلمرو ادبی (۵ نمره)</b>    |                                                                                                                                                                                                                                                                                                                         |       |     |                    |       |               |       |                  |       |                      |       |   |
| ۱۴                               | الف) .....<br>ب) .....                                                                                                                                                                                                                                                                                                  | ۰/۵   |     |                    |       |               |       |                  |       |                      |       |   |
| ۱۵                               | <table border="1"> <thead> <tr> <th>آرایه</th> <th>بیت</th> </tr> </thead> <tbody> <tr> <td>اسلوب معادله</td> <td>.....</td> </tr> <tr> <td>پارادوکس</td> <td>.....</td> </tr> <tr> <td>ایهام</td> <td>.....</td> </tr> <tr> <td>تلمیح</td> <td>.....</td> </tr> </tbody> </table>                                      | آرایه | بیت | اسلوب معادله       | ..... | پارادوکس      | ..... | ایهام            | ..... | تلمیح                | ..... | ۱ |
| آرایه                            | بیت                                                                                                                                                                                                                                                                                                                     |       |     |                    |       |               |       |                  |       |                      |       |   |
| اسلوب معادله                     | .....                                                                                                                                                                                                                                                                                                                   |       |     |                    |       |               |       |                  |       |                      |       |   |
| پارادوکس                         | .....                                                                                                                                                                                                                                                                                                                   |       |     |                    |       |               |       |                  |       |                      |       |   |
| ایهام                            | .....                                                                                                                                                                                                                                                                                                                   |       |     |                    |       |               |       |                  |       |                      |       |   |
| تلمیح                            | .....                                                                                                                                                                                                                                                                                                                   |       |     |                    |       |               |       |                  |       |                      |       |   |
| ۱۶                               | .....                                                                                                                                                                                                                                                                                                                   | ۰/۲۵  |     |                    |       |               |       |                  |       |                      |       |   |
| ۱۷                               | .....<br>.....                                                                                                                                                                                                                                                                                                          | ۰/۵   |     |                    |       |               |       |                  |       |                      |       |   |
| ۱۸                               | الف) .....<br>ب) .....                                                                                                                                                                                                                                                                                                  | ۰/۵   |     |                    |       |               |       |                  |       |                      |       |   |



مدت امتحان: ۹۰ دقیقه

پایه دوازدهم دوره دوم متوسطه

پاسخبرگ امتحان نهایی درس: فارسی ۳

رشته: کلیه رشته‌ها

| ردیف                   | پاسخبرگ                                        | نمره |
|------------------------|------------------------------------------------|------|
| ۱۹                     | .....                                          | ۰/۲۵ |
| ۲۰                     | .....                                          | ۰/۲۵ |
| ۲۱                     | الف) .....<br>ب) .....                         | ۰/۵  |
| ۲۲                     | .....                                          | ۰/۲۵ |
| ۲۳                     | الف) .....<br>ب) .....                         | ۱    |
| ج) قلمرو فکری (۸ نمره) |                                                |      |
| ۲۴                     | .....                                          | ۰/۵  |
| ۲۵                     | .....                                          | ۰/۵  |
| ۲۶                     | .....                                          | ۰/۵  |
| ۲۷                     | .....                                          | ۰/۵  |
| ۲۸                     | .....                                          | ۰/۵  |
| ۲۹                     | الف) .....<br>ب) .....                         | ۰/۵  |
| ۳۰                     | الف) .....<br>ب) .....<br>ج) .....<br>د) ..... | ۱    |
| ۳۱                     | الف) .....                                     | ۰/۲۵ |
|                        | ب) .....                                       | ۰/۲۵ |
|                        | ج) .....                                       | ۰/۵  |
|                        | د) .....                                       | ۰/۵  |
|                        | ه) .....                                       | ۰/۵  |
|                        | و) .....                                       | ۰/۲۵ |
|                        | ز) .....                                       | ۱/۲۵ |
|                        | موفق باشید                                     | ۲۰   |

| ردیف                             | پاسخنامه                                                                                                                                                                                                                             | نمره |
|----------------------------------|--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|------|
| <b>الف) قلمرو زبانی (۷ نمره)</b> |                                                                                                                                                                                                                                      |      |
| ۱                                | الف                                                                                                                                                                                                                                  | ۰/۲۵ |
| ۲                                | دل از علایق بریدن: تفرید (۰/۲۵)<br>آغاز: آستانه (۰/۲۵)                                                                                                                                                                               | ۰/۵  |
| ۳                                | گزینه «۲» (۰/۲۵)<br>اندیشه: اندوه، ترس، اضطراب، فکر                                                                                                                                                                                  | ۰/۲۵ |
| ۴                                | الف) می‌خواست (۰/۲۵) - شصت (۰/۲۵) - بیندازد (۰/۲۵)<br>ب) غاشیه (۰/۲۵)                                                                                                                                                                | ۱    |
| ۵                                | روضة و مراسم سوگواری (۰/۲۵) - هول و ترسناک (۰/۲۵)                                                                                                                                                                                    | ۰/۵  |
| ۶                                | الف) طلیسان (۰/۲۵)<br>ب) غرس (۰/۲۵)                                                                                                                                                                                                  | ۰/۵  |
| ۷                                | الف) پنج ترکیب اضافی (۰/۲۵) (۱- قصه درد ۲- عیار مهر ۳- عیار کین ۴- مهر مرد ۵- کین نامرد)<br>ب) آری (۰/۲۵)<br>ج) دو ضمیر (۰/۲۵)<br>د) دو نوع (۰/۲۵) (تکرار و معطوف)                                                                   | ۱    |
| ۸                                | گزینه «۴» (۰/۵)                                                                                                                                                                                                                      | ۰/۵  |
| ۹                                | الف) «ساخت» در معنای «خلق کرد» و «به‌وجود آورد» به کار رفته است. (۰/۲۵)<br>ب) «ساخت» در معنای «مدارا کرد» به کار رفته است. (۰/۲۵)                                                                                                    | ۰/۵  |
| ۱۰                               | الف) «به تشویش در»: متمم با دو حرف اضافه (۰/۲۵)<br>ب) بابکان: نسبت (۰/۲۵)<br>ج) طمع کرده بودم: ماضی بعید (۰/۲۵)<br>هـ) روزگار: دوتلفظی (۰/۲۵)                                                                                        | ۱    |
| ۱۱                               | ب (۰/۲۵)<br>ماه چراغ وی (آن) و زمین فرش وی است.                                                                                                                                                                                      | ۰/۲۵ |
| ۱۲                               | الف) مسند (۰/۲۵) - فقیر ظالم می‌گردد.<br>ب) مضاف الیه (۰/۲۵) - در وصال تو را زد.                                                                                                                                                     | ۰/۵  |
| ۱۳                               | ب: (۰/۲۵) - گرد سر شمع بگردد.                                                                                                                                                                                                        | ۰/۲۵ |
| <b>ب) قلمرو ادبی (۵ نمره)</b>    |                                                                                                                                                                                                                                      |      |
| ۱۴                               | الف) تشبیه (۰/۲۵)<br>ب) حسن تعلیل (۰/۲۵)                                                                                                                                                                                             | ۰/۵  |
| ۱۵                               | الف) تلمیح (۰/۲۵)<br>ب) اسلوب معادله (۰/۲۵)<br>د) پارادوکس (۰/۲۵) اثر دعای صبحگاهی عاشق به جای این که مایه نجات او شود، اسباب مرگش را فراهم نمود.<br>هـ) ایهام (۰/۲۵) «دور» در دو معنا پذیرفتنی است: ۱- دوران و عهد ۲- گردش جام شراب | ۱    |
| ۱۶                               | ب (۰/۲۵)                                                                                                                                                                                                                             | ۰/۲۵ |
| ۱۷                               | تلمیح به آیه شریفه «لا حول و لا قوه الا بالله» یا «و ما رمیت اذ رمیت» دارد؛ یعنی هر کاری که انجام می‌دهیم در درجه اول مسبب اصلی آن عمل خداوند است.                                                                                   | ۰/۵  |

| ردیف                   | پاسخنامه                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                   | نمره                                              |
|------------------------|------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|---------------------------------------------------|
| ۱۸                     | الف) ۲ بار (۰/۲۵) - خواب نوشین، خاطرات شیرین (ب) لاله (۰/۲۵)                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                               | ۰/۵                                               |
| ۱۹                     | دست (قدرت و توان) (۰/۲۵)                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                   | ۰/۲۵                                              |
| ۲۰                     | عبدالحسین زرین کوب (۰/۲۵)                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                  | ۰/۲۵                                              |
| ۲۱                     | الف) احمد عربلو (۰/۲۵) (ب) سید مهدی شجاعی (۰/۲۵)                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                           | ۰/۵                                               |
| ۲۲                     | غزل‌های اجتماعی (۰/۲۵)                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                     | ۰/۲۵                                              |
| ۲۳                     | الف) ماه آمده به دیدن خورشید، صبح زود (۰/۵)<br>ب) بود لبریز از عشقت وجودم میهن ای میهن (۰/۵)                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                               | ۱                                                 |
| ج) قلمرو فکری (۸ نمره) |                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                            |                                                   |
| ۲۴                     | بیت «ب» (دعای خیر پیر در حق سالک)                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                          | ۰/۵                                               |
| ۲۵                     | بیت «ب» (بدون عشق بودن مساوی مرگ است.)                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                     | ۰/۵                                               |
| ۲۶                     | از جان گذشتن در راه وطن (جانفشانی در راه آزادی وطن)                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                        | ۰/۵                                               |
| ۲۷                     | روزگار و فلک، همه انسان‌های آزاده را مورد آسیب و رنجش قرار می‌دهد.                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                         | ۰/۵                                               |
| ۲۸                     | گناه، کم یا زیاد آن، هردو ناپسند است.                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                      | ۰/۵                                               |
| ۲۹                     | الف) معرفت (۰/۲۵) (ب) طلب (۰/۲۵)                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                           | ۰/۵                                               |
| ۳۰                     | الف) (۳) لزوم پیروی از پیر (۰/۲۵) (ب) (۵) از ماست که بر ماست (۰/۲۵)<br>ج) (۴) وفاداری (۰/۲۵) (د) (۱) زودگذر بودن مقامات دنیایی (۰/۲۵)                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                      | ۱                                                 |
| ۳۱                     | الف) آسمان استراحتگاه مردم کویر است. (۰/۲۵)<br>ب) محبت وقتی به نهایت برسد به آن عشق می‌گویند. (۰/۲۵)<br>ج) در دوران گذشته، در کشورم (۰/۲۵) درد و غم زیادی وجود داشت. ما با مصیبت‌های زیادی همراه بودیم. (۰/۲۵)<br>د) روزگاری همه مردم دنیا به ایتالیا (روم) توجه داشتند (۰/۲۵) و از آن بیم داشتند. (۰/۲۵)<br>ه) همانند اژدهای زهردار و سمی (۰/۲۵) حمله کن. (۰/۲۵)<br>و) در گذر روزگار، (۰/۲۵) ملتی که نویسنده و شاعر نداشته باشد، (۰/۲۵) فراموش می‌شود. (۰/۲۵)<br>ز) خداوند آبروی بندگان (۰/۲۵) را به خاطر گناه آشکار نمی‌برد (۰/۲۵) و روزی مقدر کسی (۰/۲۵) را به خاطر خطای زشت (۰/۲۵) قطع نمی‌کند. (۰/۲۵) | ۰/۲۵<br>۰/۲۵<br>۰/۵<br>۰/۵<br>۰/۵<br>۰/۲۵<br>۱/۲۵ |
| ۳۲                     | موفق باشید                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                 | ۲۰                                                |

قلمرو بانی (واژه نامه)

سؤالات امتحان نهایی دی ماه ۱۳۹۷ تا شهریور ۱۴۰۱

معنی واژه‌های مشخص شده را با توجه به شعر و نثر زیر بنویسید.

- ۱- تو نمایندهٔ فضلی تو سزاوار ثنایی (دی ماه ۱۳۹۷)
- ۲- احداث یک خاکریز دوجداره را تنها راه حل می‌دانست. (دی ماه ۱۳۹۷)
- ۳- مسلک مرغ گرفتار قفس هم چو من است. (خرداد ۱۳۹۸)
- ۴- بر طیلسان آبی مدیترانه دوخته شده است. (خرداد ۱۳۹۸)
- ۵- بگرای چو اژدهای گرز (شهریور ۱۳۹۸)
- ۶- خانه‌ای کاو شود از دست اجانب آباد (شهریور ۱۳۹۸)
- ۷- چشمهٔ آب سردی که در تموز سوزان کویر از دل یخچالی بزرگ بیرون می‌آید. (شهریور ۱۳۹۸)
- ۸- هر نفسی که فرو می‌رود ممد حیات است. (دی ماه ۱۳۹۸)
- ۹- در نفیرم مرد و زن نالیده‌اند. (دی ماه ۱۳۹۸ و خرداد ۱۳۹۹)
- ۱۰- تن ز جان و جان ز تن مستور نیست. (خرداد ۱۳۹۹)
- ۱۱- گفت: «والی از کجا در خانه خمار نیست؟» (خرداد ۱۳۹۹)
- ۱۲- دست انابت به امید اجابت (خرداد ۱۳۹۹)
- ۱۳- تخم خرمایی به تربیتش نخل باسق گشته (شهریور ۱۳۹۹ و شهریور ۱۴۰۰)
- ۱۴- بخروش چو شرزه شیر ارغند (شهریور ۱۳۹۹ و شهریور ۱۴۰۱)
- ۱۵- پروانه قوت از عشق آتش خورد. (شهریور ۱۳۹۹)
- ۱۶- آسمان تفرجگاه مردم کویر است. (شهریور ۱۳۹۹)
- ۱۷- در خبر است از سرور کاینات و صفوت آدمیان. (شهریور ۱۳۹۹)
- ۱۸- آب را تا باغستان و مزرعه مشایعت می‌کنند. (شهریور ۱۳۹۹)
- ۱۹- عاکفان کعبهٔ جلالش به تقصر عبادت معترف (دی ماه ۱۳۹۹)
- ۲۰- محبّت چون به غایت رسد، آن را عشق خوانند. (دی ماه ۱۳۹۹)
- ۲۱- چه نیکو گفت با جمشید دستور (خرداد ۱۴۰۰)
- ۲۲- لیک کس را دید جان دستور نیست (خرداد ۱۴۰۰)
- ۲۳- استادان در مدّرس‌های مدارس می‌نشستند. (خرداد ۱۴۰۰)
- ۲۴- همّت اگر سلسهٔ جنبان شود مور تواند که سلیمان شود (خرداد ۱۴۰۰)
- ۲۵- همّت از باد سحر می‌طلبم گر ببرد خبر از من به رفیقی که به طرف چمن است (خرداد ۱۴۰۰)
- ۲۶- ای عزیز، به خدا رسیدن، فرض است. (شهریور ۱۴۰۰)
- ۲۷- نتوان شبه تو گفتن که تو در وهم نیایی (دی ماه ۱۴۰۰)

پاسخ:

|                                                                                      |                                                                      |                                                 |
|--------------------------------------------------------------------------------------|----------------------------------------------------------------------|-------------------------------------------------|
| ۱- ستایش، سپاس<br>درس ملکا                                                           | ۲- ساخته<br>درس گنج حکمت ۲                                           | ۳- روش، طریق<br>درس سوم                         |
| ۴- نوعی ردا<br>درس هشتم                                                              | ۵- ویژگی نوعی مار سمی و خطرناک<br>درس پنجم                           | ۶- جمع اجنبی، بیگانگان<br>درس سوم               |
| ۷- ماه دهم از سال رومیان، تقریباً مطابق با تیرماه<br>سال شمسی؛ ماه گرما<br>درس نهم   | ۸- مددکننده، یاری دهنده<br>درس یکم                                   | ۹- فریاد و زاری به صدای بلند<br>درس ششم         |
| ۱۰- پوشیده، پنهان<br>درس ششم                                                         | ۱۱- می فروش<br>درس دوم                                               | ۱۲- بازگشت به سوی خدا، توبه، پشیمانی<br>درس یکم |
| ۱۳- بلند، بالیده<br>درس یکم                                                          | ۱۴- خشمگین و قهرآلود<br>درس پنجم                                     | ۱۵- خوراک، غذا<br>درس هفتم                      |
| ۱۶- گردشگاه، جای تفرج، تماشاگاه<br>درس نهم                                           | ۱۷- برگزیده، برگزیده از افراد بشر<br>درس یکم                         | ۱۸- همراهی کردن، بدرقه کردن<br>درس نهم          |
| ۱۹- جمع عاکف، کسانی که در مدتی معین در<br>مسجد بمانند و به عبادت پردازند.<br>درس یکم | ۲۰- نهایت، پایان<br>درس هفتم                                         | ۲۱- وزیر<br>درس ششم                             |
| ۲۲- اجازه<br>درس ششم                                                                 | ۲۳- محلی که در آن تدریس کنند؛<br>موضع درس گفتن<br>درس نهم            | ۲۴- اراده، قصد، عزم<br>درس سوم                  |
| ۲۵- کمک<br>درس سوم                                                                   | ۲۶- لازم، ضروری، آنچه خداوند بر<br>بندگان واجب کرده است.<br>درس هفتم | ۲۷- مانند، مثل، همسان<br>درس ملکا               |

۲۸- معنی واژه «دستور»، در بیت زیر با معنی آن در کدام گزینه یکسان است؟

- «چه نیکو گفت با جمشید دستور  
۱- گر ابدونک دستور باشد کنون  
۲- تن ز جان و جان ز تن مستور نیست  
۳- به دستور فرمود تا ساروان  
۴- بر مصطفی بهر رخصت دوید

پاسخ: ۳ - دستور: وزیر، مشاور (درس ششم - شهریور ۱۴۰۱)

۲۹- برای واژه مشخص شده یک «برابر معنایی» از بیت بعد از آن بیابید.

سریر ملک عطا داد کردگار تو را (شهریور ۱۳۹۹)

برکش ز سر این سپید معجر  
بنشین به یکی کبود اورند

پاسخ: اورند (درس پنجم)

۳۰- واژه «طاق» در جمله «دیوارهای کهن روم که هنوز طاق ضربی دروازه‌های آن باقی است» با همین واژه در کدام مصراع هم‌معنی است؟

الف) طاق پذیر است عشق، جفت نخواهد حریف

ب) چون ابروی معشوقان با طاق و رواق است

پاسخ: ب (درس هشتم - شهریور ۱۳۹۹)

۳۱- با توجه به موارد زیر، برای هریک از واژگان داخل جدول، یک «معادل یا برابر معنایی» بنویسید.

- ۱- همچو نی زهری و تریاقی که دید؟      همچو نی دمساز و مشتاقی که دید؟ (دی ماه ۱۳۹۷)
- ۲- سریر مُلک عطا داد کردگار تو را      به جای خویش دهد هرچه کردگار دهد (دی ماه ۱۴۰۰)
- ۳- همه عزّی و جلالی، همه علمی و یقینی      همه نوری و سُروری، همه جودی و جزایی (خرداد ۱۴۰۱)

| ردیف | معنا  | واژه معادل |
|------|-------|------------|
| ۱    | مونس  |            |
| ۲    | اورند |            |
| ۳    | شادی  |            |

پاسخ: ۱- دمساز (درس ششم) / ۲- سریر (درس پنجم) / ۳- سُور (درس ملکا)

۳۲- «معادل درست» توضیح زیر از داخل کمانک انتخاب کنید.

کمال توجه بنده به حق و یقین بر این که خداوند در همه احوال، عالم بر ضمیر اوست. (مراقبت / مکاشفت)  
پاسخ: مراقبت (درس یکم - خرداد ماه ۱۳۹۹)

۳۳- معنی واژه‌های مشخص شده را با توجه به شعر و نثر زیر بنویسید.

- ۱- همه حَضَر یک صدا تصدیق کردند که تَخَلّصی بس به جاست. (دی ماه ۱۳۹۷)
- ۲- مَعْبَر تمام شد و وارد محوطه پیش روی دشمن شدیم. (خرداد ماه ۱۳۹۸)
- ۳- همواره عشق قدیم را موضوع صحیفه شعر خود می‌گرداند. (خردادماه و دی ماه ۱۳۹۸)
- ۴- در آخر اتاق یکی از مردان معمر دهکده کتاب را بر روی زانو گشوده بود. (شهریور ۱۳۹۸)
- ۵- با حال استیصال پرسیدم: «پس چه خاکی به سرم بریزم؟» (شهریور ۱۳۹۸)
- ۶- بخند؛ زیرا خنده تو / برای دستان من، / شمشیری است آخته (شهریور ۱۳۹۸)
- ۷- شیر مردی باید این ره را شگرف (دی ماه ۱۳۹۸)
- ۸- کزین کوه آتش نیابم تپش (خرداد ماه ۱۳۹۹)
- ۹- هفت خوان را ... / آن هریوه خوب و پاک آیین روایت کرد (خرداد ۱۳۹۹)
- ۱۰- این عده قلیل بر بالای کوه، روشنایی خیره کننده‌ای دیدند. (خرداد ۱۳۹۹)
- ۱۱- پیش از آمد هرزمانی صد تعب (شهریور ۱۳۹۹ و خردادماه ۱۴۰۰)
- ۱۲- با صدایی مرتعش، لحنی رجز مانند و دردآلود خواند. (دی ماه ۱۳۹۹)
- ۱۳- دیدم توطئه ما دارد می‌ماسد. (خرداد ۱۴۰۰)
- ۱۴- که گفתי سمن داشت اندر کنار (خرداد ۱۴۰۰)
- ۱۵- جنگ بود این یا شکار آ یا / میزبانی بود یا تزویر. (خرداد ۱۴۰۰)
- ۱۶- یک دست ظرف و لوازم عاریه بگیریم. (خرداد ۱۴۰۰)
- ۱۷- گرم‌رو، سوزنده و سرکش بود. (خرداد ۱۴۰۰)
- ۱۸- چه چیزی می‌تواند سجایای ارزشمند تو را بازگو کند؟ (خرداد ۱۴۰۰)
- ۱۹- شیرمرد عرصه ناوردهای هول / پور زال زر ... (شهریور ماه ۱۴۰۰)
- ۲۰- دیدم ماشاء الله چشم بد دور، آقا و اترقیده‌اند. (شهریورماه ۱۴۰۰)
- ۲۱- شب عید نوروز بود و موقع ترفیع رتبه. (دی ماه ۱۴۰۰)
- ۲۲- من بیش از همه مُصر بودم در شنیدن حرف‌های شما. (دی ماه ۱۴۰۰)
- ۲۳- مرد نقال از صدایش ضجه می‌بارید. (شهریورماه ۱۴۰۰)

پاسخ:

|                                                                                       |                                                             |                                            |
|---------------------------------------------------------------------------------------|-------------------------------------------------------------|--------------------------------------------|
| ۱- آنان که در جایی یا مجلسی حضور دارند؛<br>حاضران<br>درس شانزدهم                      | ۲- محل عبور، گذرگاه<br>درس یازدهم                           | ۳- کتاب<br>درس هجدهم                       |
| ۴- سالخورده<br>درس یازدهم                                                             | ۵- ناچاری، درماندگی<br>درس شانزدهم                          | ۶- بیرون کشیده، برکشیده<br>درس هفدهم       |
| ۷- قوی، نیرومند<br>درس چهاردهم                                                        | ۸- اضطراب ناشی از گرمی و حرارت، گرمی و حرارت<br>درس دوازدهم | ۹- هروی، منسوب به هرات<br>درس سیزدهم       |
| ۱۰- کم، اندک<br>درس چهاردهم                                                           | ۱۱- رنج و سختی<br>درس چهاردهم                               | ۱۲- دارای ارتعاش، لرزنده<br>درس سیزدهم     |
| ۱۳- به انجام می‌رسد، به ثمر می‌رسد<br>درس شانزدهم                                     | ۱۴- نوعی درخت گل، یاسمن<br>درس دوازدهم                      | ۱۵- نیرنگ، دورویی، ریاکاری<br>درس سیزدهم   |
| ۱۶- آن چه از کسی برای رفع حاجتی بگیرند و پس از رفع نیاز آن را پس دهند.<br>درس شانزدهم | ۱۷- مشتاق، به شتاب رونده و چالاک، کوشا<br>درس چهاردهم       | ۱۸- جمع سحبه، خواها و عادت‌ها<br>درس هجدهم |
| ۱۹- نبرد<br>درس سیزدهم                                                                | ۲۰- تنزل کرده، پس روی کرده<br>درس شانزدهم                   | ۲۱- ارتقا یافتن، رتبه گرفتن<br>درس شانزدهم |
| ۲۲- اصرار کننده، پافشاری کننده<br>درس یازدهم                                          | ۲۳- ناله و فریاد با صدای بلند، شیون<br>درس سیزدهم           |                                            |

۲۴- باتوجه به عبارت زیر، برای واژه داخل جدول، یک «معادل یا برابر معنایی» بنویسید.

«من آن شب در آن موضع حاضر بودم و شما را چراغ فرا می‌داشتم و مادرت را اعانت می‌کردم.» (دی ماه ۱۳۹۷)

| معنا | واژه معادل |
|------|------------|
| یاری |            |

پاسخ: اعانت (گنج حکمت ۶)

۲۵- «معادل درست» توضیح زیر از داخل کمانک انتخاب کنید.

خالی شدن قلب سالک از آن چه جز خداست. (تجريد / اشتیاق) (خرداد ماه ۱۳۹۸)

پاسخ: تجريد (درس چهاردهم)

۲۶- برای واژه «حزین» یک مترادف و یک متضاد بنویسید. (دی ماه ۱۳۹۸)

پاسخ: مترادف: غم انگیز متضاد: شاد (درس یازدهم)

۲۷- متضاد واژه «یکرنگی» در کدام گزینه دیده می‌شود؟

(۱) که ناپیستی بگوید هیچ / بس که بی‌شرمانه و پست است این تزویر

(۲) ور بپرسی راست، گویم راست / قصه بی‌شک راست می‌گوید.

(۳) و صدای شوم و نامردانه‌اش در چاهسار گوش می‌پیچید.

(۴) خواه روز صلح و بسته مهر را پیمان / خواه روز جنگ و خورده بهر کین سوگند.

پاسخ: ۱ «تزویر» (کارگاه متن پژوهی درس سیزدهم - خرداد ماه ۱۳۹۸)

۲۸- جدول زیر را کامل کنید. (خرداد ماه ۱۳۹۸)

|      |        |        |
|------|--------|--------|
| واژه | هم آوا | مترادف |
| غربت |        |        |

پاسخ: هم آوا - قربت مترادف - بیگانگی، دوری، تنهایی (درس دهم)

۲۹- در بیت زیر، کدام واژه متضاد واژه «شاد» است؟ (شهریور ماه ۱۳۹۹)

«چو بشنید خسرو، از آن شاد گشت روانش ز اندیشه آزاد گشت»

پاسخ: متضاد - اندیشه (کارگاه متن پژوهی درس دوازدهم)

۳۰- معنی درست واژه مشخص شده را از داخل کمانک انتخاب کنید. (شهریور ماه ۱۳۹۹)

الف) دیروز در غربت باغ، من بودم و یک چمن داغ (تنهایی / نزدیکی)

ب) جنگ بود این یا شکار؟ آیا / میزبانی بود یا تزویر (خودستایی / نیرنگ)

پاسخ: الف) تنهایی (درس دهم) ب) نیرنگ (درس سیزدهم)

۳۱- برای واژه‌های «کتاب» و «تماشا» از میان واژه‌های زیر معادل معنایی بیابید.

فروغ، رواق، نظاره، پگاه، صحیفه، سروش

پاسخ: (کتاب: صحیفه - تماشا: نظاره) (دی ماه ۱۳۹۹)

۳۲- از بین واژه‌های زیر، یک برابر معنایی برای واژه‌های «آویزان» و «رنج» به ترتیب، بیابید.

طاق، رواق، تعب، کاهلی، معلق، سروش، تجرید

پاسخ: (آویزان: معلق - رنج: تعب) (دی ماه ۱۳۹۹)

۳۳- برای واژه مشخص شده، یک برابر معنایی بنویسید. (خردادماه ۱۴۰۱)

الف) اگر کوه آتش بود بسیرم. (خردادماه ۱۴۰۱)

ب) به عنوان ولیمه کباب غاز صحیحی بدهد. (خردادماه ۱۴۰۱)

پ) دستتان را بر چشم‌های درشتان، حمایل کرده بودید. (شهریور ۱۴۰۱)

پاسخ: الف - طی کنم، می‌پیمایم (درس دوازدهم)

ب - طعامی که در مهمانی و عروسی می‌دهند. (درس شانزدهم)

پ - نگه دارنده، محافظ (درس یازدهم)

۳۴- جمله «خالی شدن قلب سالک از آن چه جز خداست» در توضیح کدام اصطلاح عرفانی آمده است؟

الف) استغنا ب) اشتیاق پ) تجرید ت) تفرید

پاسخ: پ) تجرید (درس چهاردهم - شهریور ماه ۱۴۰۱)

۳۵- در کدام بیت، واژه‌ای هم‌معنی واژه «جبهه» به کار رفته است؟

الف) دلم را داغ عشقی بر جبین نه زبانم را بیانی آتشین ده

ب) الهی سینه‌ای ده آتش افروز در آن سینه دلی وان دل همه سوز

پاسخ: الف - جبین (درس نیایش - شهریور ماه ۱۴۰۱)

قلمرو زبانی (املا)

- ۱) گرینش املائی گروه‌های شش گانه  
« ع - ط / ت - ط / ث - س - ص / ح - ه / ذ - ز - ض - ظ / غ - ق »
- ۲) هر غلط املائی، غلط رسم‌الخطی نیست؛ اما هر غلط رسم‌الخطی، غلط املائی است.  
رسم‌الخط یعنی: برخواست، برخاست/هفته‌گی، هفتگی - آینده‌گان، آیندگان - بیانداخت، بینداخت - بیافتاد، بیفتاد - بیانگارد، بینگارد.  
(هر واژه ای با الف همراه با مصوت‌های کوتاه شروع شود و بخواهیم با پیشوند «ب/ن» بیاوریم؛  
الف (ا) حذف و تبدیل به مصوت بلند (ای) = ب + انداخت: بینداخت/ن + افزود: نیفزود

سؤالات نیمسال اول امتحان نهایی دی ماه ۱۳۹۷ تا شهریور ۱۴۰۱

- ۱- در هر یک از ابیات و عبارات زیر، کدام واژه داخل کمانک از نظر املائی درست است؟
  - ۱- برجسته ترین شاگرد (حوزه - حوضه) ادیب بزرگ بود. (دی ماه ۱۳۹۷)
  - ۲- گفت: از (بحر - بهر) غرامت جامه‌ات بیرون کنم. (خرداد ماه ۱۳۹۸ و خرداد ماه ۱۴۰۰)
  - ۳- واصفان حلیهٔ جمالش به تحیر (منصوب - منسوب) (خرداد ماه ۱۳۹۸ و خرداد ماه ۱۴۰۰)
  - ۴- چه باک از موج (بحر- بهر) آن را که نوح باشد کشتیبان؟ (خرداد ۱۳۹۹)
  - ۵- جزیره‌های کوچک و بزرگ مثل وصله‌های رنگارنگ بر (تیلسان - طیلسان) آبی مدیترانه دوخته شده است. (خرداد ۱۳۹۹ و دی ماه ۱۴۰۰)
  - ۶- تا واره‌ای از دم (سطوران - ستوران) (شهریور ۱۳۹۹ و شهریور ۱۴۰۰)
  - ۷- تن ز جان و جان ز تن (مسطور - مستور) نیست (دی ماه ۱۳۹۹)
  - ۸- پیرمرد از داخل (کاذیه - کازیة) روی میز، یک پاکت کهنه برداشت. (خرداد ۱۴۰۰)
  - ۹- همه از (بحر - بهر) تو سرگشته و فرمانبردار (دی ماه ۴۰۰)
  - ۱۰- چو عاجز گشت خسرو در جوابش  
نیامد بیش پرسیدن (ثوابش - صوابش) (شهریور ۱۴۰۱)

پاسخ:

  - ۱- حوزه / ۲- بهر / ۳- منسوب / ۴- بحر / ۵- طیلسان / ۶- ستوران / ۷- مستور / ۸- کازیة / ۹- بهر / ۱۰- صوابش
  - ۲- در متن زیر، واژه‌ای بیابید که دارای هم‌آوا باشد.
 

|                                 |                                           |
|---------------------------------|-------------------------------------------|
| الف) هرکسی از ظنّ خود شد یار من | از درون من نجست اسرار من (خرداد ماه ۱۴۰۱) |
| ب) از بهر تو صد بار ملامت بکشم  | گر بشکنم این عهد غرامت بکشم (شهریور ۱۴۰۱) |

پاسخ: الف) اسرار- اصرار      ب) بهر- بحر
  - ۳- در هر یک از موارد زیر، یک نادرستی املائی دیده می‌شود. شکل درست هر یک را بنویسید.
 

الف) پس عشق از بحر این معنی فرض راه آمد. (شهریور ۱۳۹۸)

ب) و آن باغ پر از گل‌های رنگین و معطر شعر و خیال در صوموم این عقل بی‌درد و بی‌دل پژمرد. (شهریور ۱۳۹۸)

پ) عصارةٔ تاکی به قدرت او شهد فایغ شد. (شهریور ۱۳۹۸)

ت) از بیم عقرب جرّارهٔ دموکراسی قرن بیستم، به مار قاشیةٔ حکومت سرهنگ‌ها پناه بردند. (دی ماه ۱۳۹۸)

ث) بگرای چو اژدهای گرزّه  
بخروش چو شرزه شیر ارقند (شهریور ۱۳۹۹)

ج) پیرمرد از داخل کاذیهٔ روی میز، یک پاکت کهنه را برداشت و حوالهٔ مخارج قریب شش ماه من را نوشت. (خردادماه ۱۴۰۱)

د) پس از عزیمت رضا شاه، همهٔ تبعیدی‌ها رها شدند و به ایل و اشیره بازگشتند. (خرداد ماه ۱۴۰۱)

ذ) هنگام چریق آفتاب کنار قنات حسنی در شهر سیرجان اتراق می‌کردیم. (دی ماه ۱۳۹۷ و شهریور ۱۴۰۱)

پاسخ:

الف - بهر/ ب - صوموم/ پ - فایق/ ت - غاشیه/ ث - ارغند/ ج - کازیة/ د - عشیره/ ذ - چریغ
  - ۴- در گروه کلمه‌های زیر، موارد نادرستی املائی دیده می‌شود؛ شکل درست هر یک را بنویسید.
    - ۱- سوء هاضمه - مسطور و پوشیده - مأوا و پناهگاه (خرداد ۱۳۹۸)
    - ۲- باثقی و بلند- فخر و مباحات - بساط تحویه - بی‌خردان سفله (خردادماه ۱۳۹۹)

۳- سپید معجر - تیلسان مدیترانه - رمق و توان - شیر ارقند - مزید و افزونی (دی ماه ۱۳۹۹)

۴- غرامت و توان - اطراق و درجایی ماندن - عساره تاک (شهریور ۱۴۰۰)

۵- زما و مرهم - زهر و تریاق - حوزه ادیب بزرگ (دی ماه ۱۴۰۰)

پاسخ:

۱- مستور / ۲- باسق - تهویه / ۳- طیلسان - ارغند / ۴- اتراق - عصاره / ۵- ضما

(سؤالات نیمسال دوم امتحان نهایی دی ماه ۱۳۹۷ تا شهریور ۱۴۰۱)

۱- درهر یک از ابیات و عبارات زیر، کدام واژه داخل کمانک از نظر املائی درست است؟

۱- تنها برای تعلیم گرفتن، (شبه - شیخ) شما را در تاریکی تعقیب می‌کردم. (دی ماه ۱۳۹۷)

۲- داشتم می‌گفتم، آن شب نیز (صورت - سورت) سرمای دی بیدادها می‌کرد. (دی ماه ۱۳۹۷)

۳- بزنی خودتان را به ناخوشی و بگوئید طبیب (غدقن - قدغن) کرده. (خردادماه ۱۳۹۸)

۴- صدایی که می‌آمد (هزین‌ترین - حزین‌ترین) و عاشقانه‌ترین صدایی بود که می‌آمد. (شهریور ماه ۱۳۹۸)

۵- سیلوش چنین گفت کای شهریار که دوزخ مرا زین سخن گشت (خار - خوار) (شهریورماه ۱۳۹۸ و خرداد ۱۳۹۹)

۶- خوان هفتم را /.../ آن (هریوه - حریوه) خوب و پاک آیین روایت کرد. (شهریورماه ۱۳۹۸)

۷- می‌دانید که من بیش از همه (مُسر/ مُصر) بودم در شنیدن حرف‌های شما. (خردادماه و شهریورماه ۱۳۹۹)

۸- غرق غباریم و (قربت - غربت) با من بیا سمت باران (شهریور ۱۳۹۹ و خرداد ۱۴۰۰)

۹- چه حقه ای به کاربرده که لباس من (غالب - قالب) بدنش درآمده است؟ (شهریور ۱۳۹۹)

۱۰- دیروز در (قربت - غربت) باغ، من بودم و یک چمن داغ (دی ماه ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰)

۱۱- از این تنگ (خوار- خار) است اگر بگذرم. (خرداد ۱۴۰۰)

۱۲- چو او را بدیدند (برخواست - برخاست) غو (شهریور ۱۴۰۰)

۱۳- آلا والله که امروز باید (ناهار - نهار) را با ما صرف کنی. (خردادماه ۱۴۰۱)

۱۴- شاهان باز شکاری را روی (شصت - شست) می‌نشانند و با خویشان به شکار می‌برند. (خردادماه ۱۴۰۱)

پاسخ:

۱- شبخ / ۲- سورت / ۳- قدغن / ۴- حزین ترین / ۵- خوار / ۶- هریوه / ۷- مُصر / ۸- غربت / ۹- قالب / ۱۰- غربت / ۱۱- خوار / ۱۲- برخاست / ۱۳- نهار

۱۴- شست

۲- درهر یک از موارد زیر، شکل درست واژه‌های نادرست املائی را بنویسید.

الف - اگر کوه آتش بود بسپریم / ازین تنگ خار است اگر بگذرم (دی ماه ۱۳۹۷)

ب - سیلوش چنین گفت کای شهریار / که دوزخ مرا زین سخن گشت خار (دی ماه ۱۳۹۸ و شهریور ۱۴۰۱)

پ - دیروز یک دست از لباس‌های نودوز خود را به انضمام مایحتوی از خانه بیرون انداخته‌ام. (دی ماه ۱۳۹۸)

پاسخ نامه:

الف - خوار/ ب - خوار/ پ - انضمام

۳- درهریک از موارد زیر، یک نادرستی املائی دیده می‌شود؛ شکل درست هریک را بنویسید.

الف) نمی‌پذیرفتید و طفره می‌رفتید ولی اسرارهای من بود که بوی التماس می‌داد و عاقبت شما را متقاعد کرد. (خرداد ۱۳۹۸)

ب) شیرمرد عرصه ناوردهای حول/ طعمه دام و دهان خوان هشام بود. (خرداد ۱۳۹۸ و خرداد ۱۴۰۰)

پ) همچنان که می‌توانست او، اگر می‌خواست،/ کان کمندِ شصتِ خمِ خویش بگشاید/ و بیاندازد به بالا،... (خرداد ۱۴۰۰)

ت) در کتل و گردنه سک دوحین شکم و روده مراحل مضق و بلع و هضم و تحلیل را پیموده است. (خرداد ۱۴۰۰)

ث) من هرچه تعارف می‌کنم تو بیشتر عبا و امتناع می‌ورزی. (خرداد ۱۴۰۰)

ت) فاصله بچه‌های بی حفاض، با خاکریز کمتر می‌شود. (خرداد ۱۴۰۰)

پاسخ:

الف - اصرار / ب - هول / پ - بیندازد / ت - مضغ / ث - ابا / ج - بی حفاظ

۴- باتوجه به معنی، واژه درست را انتخاب کنید.

الف) برای انتخاب راهبر و پیشوا قرعه زدند، ..... را قرعه به نام هدهد افتاد. (غذا - قضا)

ب) داشتم می گفتم آن شب نیز / ..... سرمای دی بیدادها می کرد. (سورت - صورت)

پاسخ: الف - قضا / ب - سورت

۵- در همه گزینه‌ها به جز گزینه ..... نادرستی املائی دیده می شود.

۱) بچه‌ها هم انگار از دست آن ذله شده بودند و تکبیر می گفتند.

۲) تنها و تنها برای تعلیم گرفتن، شبه شما را در میان تاریکی تعقیب می کرد.

۳) عمق گودال آن قدر نبود که بتواند جسته آدمی را در خود بگیرد.

۴) به سمت خاکریز می رفتند و آخرین رمغ هایشان را در آخرین فشنگ هایشان می ریختند.

پاسخ: گزینه ۱

املائی درست واژه‌های نادرست دیگر گزینه‌ها: شبیح - جته - رمق

۶- در گروه کلمه‌های زیر، موارد نادرستی املائی دیده می شود؛ شکل درست هریک را بنویسید.

الف) حریوه خوب و پاک آیین - غرض و نشاندن درخت (شهریور ۱۳۹۹)

ب) آذرم و حیا (خرداد ۱۴۰۰)

ج) چاه قدر ناجوانمردان (شهریور ۱۴۰۰)

د) تعلل و درنگ - صدکاروان حیون - حضار مجلس - بغولات و حبوبات - صورت سرمای دی (دی ماه ۱۴۰۰)

پاسخ: الف) هریوه - غرس ب) آزر م ج) غدر د) هیون - بقولات - سورت

۷- در همه گزینه‌ها به جز گزینه ..... نادرستی املائی دیده می شود.

۱) آخرین رمغ هایشان را در آخرین فشنگ هایشان می ریختند.

۲) آن شب نیز/ صورت سرمای دی، بیدادها می کرد.

۳) طاووس نیز چنین عذر آورد که من مرغی بهشتی ام.

۴) اما سیاوش که آذر م و حیا و پاکدامنی آموخته است، تن به گناه نمی سپارد.

پاسخ: گزینه ۳

املائی درست واژه‌های نادرست دیگر گزینه‌ها: رمق - سورت - آزر م

۸- در کدام گزینه غلط املائی دیده می شود؟

۱) نهالی چند در هنگام ورود خویش در باغ غرس کرده بود.

۲) کتاب را بر روی زانو گشوده بود و از پس عینک ستبر خویش در آن می نگریست.

۳) چنان می نمود که در چهار گوشه اتاق، درفش ملی ما را به احتراز درآورده باشند.

۴) قومی به اسارت دشمن درآید و مغلوب و مقهور گردد.

پاسخ: گزینه ۳ - اهتزاز

۹- در کدام گزینه غلط املائی وجود دارد؟

الف) مرد نقال از صدایش ضجه می بارید.

ب) گفتم: «د بگیر که این ناز شصت باشد.»

پاسخ: گزینه ب - شست

سؤالات نیمسال اول امتحان نهایی دی ماه ۱۳۹۷ تا شهریور ۱۴۰۱

قلمرو زبانی (دستور)

تعداد جمله:

- عبارت زیر چند جمله دارد؟

«لحظه عزیز و شورانگیزی بود؛ لحظه‌ای که هر سال از نخستین دم بهار، بی‌صبرانه چشم به راهش بودیم و تابستان وصال، امیدبخش و مهربان می‌آمد.»

پاسخ: ۳

#### شمارش تعداد جمله در کلام

(۱) هر فعل بیانگر یک جمله است.

(۲) حذف فعل به قرینه چه لفظی و چه معنوی در حکم یک جمله است.

(۳) هر شبه جمله (صوت / منادا) در حکم یک جمله است.

جمله مرکب یا غیر ساده [پایه یا هسته + پیرو یا وابسته]

حرف عطف - حرف ربط از نوع همپایگی - حرف ربط از نوع وابسته ساز:

- در عبارت زیر، یک حرف پیوند هم‌پایه ساز بیابید.

«برخی در همان نخستین منزل از پا درآمدند. بسیاری در دومین منزل به زاری زار جان سپردند اما آنان که همت یارشان بود، پیش‌تر می‌رفتند.»

پاسخ: اما

- نوع حرف «و» (ربط، عطف) را در هریک از مصراع‌های زیر مشخص کنید.

(الف) امروز می‌آید از باغ بوی بهار من و تو (ب) دیروز در غربت باغ من بودم و یک چمن داغ

پاسخ: (الف) من و تو (حرف عطف) (ب) .... من بودم و یک چمن: حرف ربط هم‌پایه ساز

- در نوشته زیر، یک پیوند وابسته ساز و یک پیوند هم‌پایه ساز مشخص کنید.

«می‌خواهم بدان جا روم که خداوند آن را سر حدّ دنیای خلقت قرار داده است و دیگر در آن ذی‌حیاتی نفس نمی‌کشد.»

پاسخ: پیوند وابسته ساز: که پیوند هم‌پایه ساز: و

- در هریک از جمله‌های مرکب زیر، جمله وابسته (پیرو) را مشخص کنید.

(الف) اگر امروز بیش‌تر از این به ما بخورانید، همین جا وبال جانت می‌گردیم.

(ب) جامه‌ای بود که درزی ازل به قامت زیبای جناب ایشان دوخته بود.

پاسخ: (الف) امروز بیش‌تر از این به ما بخورانید. (ب) درزی ازل به قامت زیبای جناب ایشان دوخته بود.

- در سروده زیر یک «پیوند وابسته ساز» و یک «پیوند هم‌پایه ساز» مشخص کنید.

آیا چیزی در مخیله آدمی می‌گنجد که قلم بتواند آن را بنگارد/ اما جان صادق من آن را برای تو ترسیم نکرده باشد؟

پاسخ: پیوند وابسته ساز: که پیوند هم‌پایه ساز: اما

- در جمله مرکب زیر، جمله هسته (پایه) و جمله وابسته (پیرو) را مشخص کنید.

«خودت بهتر می‌دانی که در این شب عیدی مالیه از چه قرار است.»

پاسخ: پایه: خودت بهتر می‌دانی پیرو: در این شب عیدی مالیه از چه قرار است.

- در کدام گزینه، جمله مرکب دیده می‌شود؟

(الف) بی‌اختیار در را باز کردم و این جوان نمک‌نشناس را بیرون انداختم.

(ب) از خوش مشربی و فضل و کمال او چیزها گفتند و نمره تلفن او را از من خواستند.

(ج) آقای مصطفی خیلی معذرت خواستند که بدون خداحافظی با آقایان رفتند.

(د) فوراً مسئله میهمانی و قرار با رفتا را با عیالم در میان گذاشتم.

پاسخ: ج

- در جمله مرکب زیر، جمله هسته (پایه) و جمله وابسته (پیرو) را مشخص کنید.

«من بعد از خواندن این مطلب متوجه شدم که دنیا عجیب فراموش کار است.»

پاسخ: پایه: من بعد از خواندن این مطلب متوجه شدم. پیرو: دنیا عجیب فراموشکار است.

- با توجه به نوشته زیر، درستی یا نادرستی هریک از موارد داده شده را تعیین کنید.

«دیدم چپ و راست مهمان‌ها دراز کشیده‌اند. گفتم: «آقای مصطفی خان خیلی معذرت خواستند که مجبور شدند بدون خداحافظی با آقایان بروند.»

الف) «و» در جمله «چپ و راست مهمان‌ها دراز کشیده‌اند» پیوند هم‌پایه‌ساز است. درست نادرست

ب) «که» در جمله ما قبل پایانی، پیوند وابسته‌ساز است. درست نادرست

پاسخ: الف) نادرست - حرف عطف است نه هم‌پایه‌ساز (ب) درست

### جمله غیر ساده یا مرکب

جملات از نظر استقلال معنایی به دو دسته تقسیم می‌شوند:

الف) معنایشان با آمدن یک فعل کامل می‌شود و شنونده، در انتظار باقی کلام نمی‌ماند. (= جمله ساده)

من در سال‌های دهه پنجاه به دنیا آمدم.

کتابم را روی میز جا گذاشتم.

ب) با آمدن یک فعل، معنای جمله کامل نیست و شنونده منتظر است تا ادامه خبر را در جمله بعدی بشنود. (= جمله مرکب یا غیر ساده) در واقع جملات مرکب، بیش از یک فعل دارند.

- مادرم گفت که امروز در خانه می‌ماند.

- اگر باران به کوهستان نیارد/ به سالی دجله گردد خشک رودی

توجه: هر جمله مرکب حداقل از یک جمله پایه (هسته) و یک یا چند جمله پیرو (وابسته) تشکیل می‌شود.

هیچ یک از جمله‌های «هسته» و «وابسته» به تنهایی مستقل نیستند. بلکه همراه هم معنای مستقلی پیدا می‌کنند.

جملات هسته (پایه) و وابسته (پیرو):

جمله وابسته، جمله‌ای است که بعد از «حرف ربط یا پیوند وابسته‌ساز» می‌آید.

بقیه جمله که پیوند وابسته ساز ندارد = جمله هسته خواهد بود.

- من بارها آموخته‌ام که شکست، مقدمه پیروزی است.

جمله «شکست، مقدمه پیروزی است» بعد از پیوند وابسته ساز «که» قرار گرفته است. (= جمله پیرو)

جمله قبل از حرف ربط نیز = جمله پایه.

- حروفی را که می‌توانند جمله مرکب بسازند، «حروف ربط یا پیوند وابسته ساز» می‌نامند.

این حروف عبارت‌اند از: که، زیرا و مترادف‌های آن (چون، چون‌که، برای این‌که، به سبب این‌که و...) مگر این‌که / اگر و مترادف‌های آن (چنانچه، به شرطی‌که و...)، اگرچه، تا (به شرطی‌که معنای مسافت و زمان نداشته باشد/صوت نباشد)، وقتی‌که و مترادف‌های آن (هنگامی‌که، هرگاه‌که،...) همان‌طور‌که و مترادف‌های آن (چنان‌که، تا این‌که...) و...

### چند نکته مهم:

۱) گاهی ممکن است «حرف ربط وابسته ساز» میان قسمت‌های جمله هسته جدایی بیندازد.

- دیروز در خیابان که به دنبال جای پارک ماشین می‌گشتم، چشمم به تابلوی عبور ممنوع خیابان افتاد.

جمله پیرو: «به دنبال جای پارک می‌گشتم.» و بقیه جمله: هسته است.

۲) گاهی در یک جمله مرکب، پیوند وابسته‌ساز (که / تا) حذف می‌شود. خصوصاً اگر جمله وابسته در توضیح و جواب جمله هسته باشد.

- گفتم غم تو دارم، گفتا غمت سرآید.

گفتم [که] غم تو دارم، گفتا [که] غمت سرآید.

۳) پیوندهای هم‌پایه‌ساز: هرگاه یکی از این حروف (و، هم، یا، ولی، اما، لیکن، بلکه، یا...یا، خواه...خواه، نه...نه...بلکه، هم...هم، نه...نه، چه...چه) میان دو جمله قرار بگیرد، جمله قبل و بعد از خود را هم‌پایه و هم‌ارزش می‌کند.

الف) اگر یکی از این پیوندهای هم‌پایه‌ساز، بعد از جمله ساده بیاید، جمله بعدی نیز ساده است.

ب) اگر در جملات مرکب، یکی از حروف ربط هم‌پایه‌ساز، بعد از جمله هسته یا وابسته قرار بگیرد، آن جمله را با جمله قبل هم‌پایه می‌کند.

یعنی اگر جمله قبل از حرف ربط هم‌پایه‌ساز، پیرو باشد، جمله بعد از حرف ربط هم‌پایه‌ساز نیز پیرو است. اگر جمله قبل از حرف ربط هم‌پایه‌ساز، پایه باشد، جمله بعد آن نیز پایه است.

- «آنگاه که بغض آسمان می‌ترکد و اشک در چشمان ابر حلقه می‌زند، صدای خنده گل، در فضای دشت می‌پیچد.»  
پیوند وابسته‌ساز جمله پیرو پیوند هم‌پایه‌ساز جمله پیرو جمله پایه

واو عطف: اگر واو بین دو کلمه قرار بگیرد که از نظر نوع و نقش همسان باشند، در این صورت، کلمه بعد از خود را با کلمه پیش از خود هم‌پایه و هم‌نقش می‌کند. این نوع واو را عطف می‌نامیم.

- «آن باغ پر از گل‌های رنگین و معطر شعر و خیال و الهام و احساس در سموم سرد این عقل بی‌درد و بی‌دل پژمرد.»

کلمات رنگین و معطر با واو عطف به هم معطوف شده‌اند. هر دو صفت‌اند و وابسته گل‌ها.

گل‌های رنگین، گل‌های معطر.

شعر و خیال و الهام و احساس نیز با واو عطف به هم معطوف شده و نقش‌های یکسان گرفته‌اند. همه آنها در نقش مضاف‌الیه گل‌ها. (گل‌های شعر، گل‌های خیال، گل‌های الهام، گل‌های احساس). بی‌درد و بی‌دل هم صفت‌هایی هستند که با واو عطف به هم معطوف شده و وابسته عقل هستند. نکته بسیار مهم: اگر «واو عطف» در یک ترکیب، میان یک صفت و اسم قرار بگیرد، اسم بعد از خود را با اسم قبل از آن صفت، هم‌پایه می‌سازد. گل‌های رنگین و برگ‌های سبز رنگ.

در این ترکیب، واو عطف میان رنگین و برگ‌ها قرار گرفته است. رنگین: صفت - برگ‌ها: اسم. بنابراین واو، ترکیب قبل از خود را به ترکیب بعد از خود عطف کرده است. پس گل‌ها و برگ‌ها به هم معطوف شده‌اند. نکته بسیار مهم: اگر «واو» عطف، در یک جمله میان دو اسم قرار بگیرد که از نظر نقش، همسان و هم‌پایه نیستند، «واو عطف» محسوب نمی‌شود بلکه آن واو، واو پیوند یا هم‌پایه ساز است.

- تن ز جان و جان ز تن مستور نیست      لیک کس را دید جان دستور نیست  
در این بیت «واو» میان (جان و جان) قرار گرفته است. جان اول، متمم و جان دوم نهاد است. از آنجایی که این دو واژه با هم از نظر نقش هم‌پایه نیستند، پس معلوم می‌شود که قسمتی از جمله اول حذف شده است. بنابراین «واو» میان دو جمله قرار گرفته و نه میان دو واژه. پس «واو عطف» نیست. واو ربط (پیوند): اگر «واو» میان دو جمله قرار بگیرد، دو جمله را به هم ربط می‌دهد و هم‌پایه می‌کند. - عشق، هرکسی را به خود راه ندهد و به همه‌جایی ماوا نکند و به هر دیده روی ننماید. «واو» میان جملات قرار گرفته است و جملات بعد از خود را به جمله قبلی پیوند داده است. پس حرف ربط یا پیوند است.

**شیوه بلاغی (غیر عادی) - شیوه عادی (غیر بلاغی):**

- مصراع: «جامه‌ای کاو نشود غرقه به خون بهر وطن» را از شیوه بلاغی به شیوه عادی برگردانید.

پاسخ: جامه‌ای کاو بهر وطن غرقه به خون نشود.

- در همه بیت‌ها به جز گزینه ..... شیوه بلاغی دیده می‌شود.

- |                               |                            |
|-------------------------------|----------------------------|
| الف) همی داد مژده یکی را دگر  | که بخشود بر بی‌گنه دادگر   |
| ب) رخ شاه کاووس پر شرم دید    | سخن گفتنش با پسر نرم دید   |
| ج) که هر چند فرزند هست ارجمند | دل شاه از اندیشه یابد گزند |
| د) چنین است سوگند چرخ بلند    | که بر بی‌گناهان نیاید گزند |

پاسخ: ب

- بیت زیر به شیوه بلاغی سروده شده است؛ آن را به یک جمله عادی برگردانید.

«چون گشت زمین ز جور گردون      سرد و سیه و خموش و آوند»

پاسخ: زمین از جور گردن سرد و سیه و خموش و آوند گشت.

**شیوه بلاغی / عادی (= مرتب کردن بیت طبق زبان معیار)**

گاهی اجزای کلام، برای تأثیر بیشتر سخن در زبان ادبی، بنا بر تشخیص شاعر یا نویسنده جابه‌جا می‌شود؛ تا شیوایی و رسایی کلام بیشتر گردد. (= شیوه بلاغی) در صورتی که نهاد جمله در ابتدا و فعل در پایان قرار گیرد و سایر اجزای جمله مانند (متمم، مفعول و مسند) طبق زبان معیار در جایگاه معمول قرار می‌گیرد. (= شیوه عادی)

- الهی، ترسانم از بدی خود (مقدم شدن فعل «ترسانم» بر متمم «بدی»)

- به شکوفه‌ها به باران/ برسان سلام ما را (مقدم شدن متمم «شکوفه‌ها، باران» و مقدم شدن فعل امر «برسان» بر مفعول «سلام»)

زنده می‌کرد مرا دم‌به‌دم امید وصال (مقدم شدن مسند «زنده» و فعل بر مفعول (م=مرا) و آمدن نهاد «امید وصال» در پایان جمله)

**حذف و نه‌ع آن:**

- در مصراع: «امروز خورشید در دشت، آینه‌دار من و تو»:

الف) کدام واژه حذف شده است؟      ب) نوع حذف آن چیست؟

پاسخ: الف) فعل [است]      ب) به قرینه معنایی

- نوع حذف را در هریک از موارد زیر تعیین کنید.

الف) بنده همان به که ز تقصیر خویش      عذر به درگاه خدای آورد

ب) در هر نفسی دو نعمت موجود است و بر هر نعمتی شکری واجب.

پاسخ: الف) بنده همان به [است] به قرینه معنایی      ب) در پایان عبارت فعل [است] به قرینه لفظی

- در هریک از نمونه‌های زیر، کدام واژه حذف شده است؟ نوع حذف را بنویسید.

الف) چه حرف تازه‌ای برای گفتن مانده است یا چه چیز تازه‌ای برای نوشتن؟

ب) گر آتش دل نهفته داری سوزد جانت، به جانت سوگند

پاسخ: الف) در پایان بند [مانده است] به قرینه لفظی ب) در پایان بیت [می خورم] به قرینه معنایی

- در بیت «همه از بهر تو سرگشته و فرمان‌بردار شرط انصاف نباشد که تو فرمان‌نبری»

الف) کدام فعل حذف شده است؟ ب) نوع حذف را بنویسید.

پاسخ: الف) در پایان مصراع اول فعل [است] ب) به قرینه معنایی

- نوع «حذف» را در هریک از عبارات زیر، مشخص نمایید.

الف) زندگی، سخت آلوده است و انسان ماندن، سخت دشوار.

ب) تو نیز تیرانا، گشاده دستی و کرامت را از درختان میوه‌دار بیاموز.

پاسخ: الف) در پایان عبارت فعل [است] به قرینه لفظی ب) بعد از منادا(تیرانا): حذف به قرینه معنایی

### حذف و انواع آن

گاهی، کلمه یا کلماتی از جمله حذف می‌شوند، اما شنونده از طریق دیگر کلمات جمله، آن را در می‌یابد.

الف - حذف به قرینه لفظی

اگر در جمله، عیناً کلمه یا کلماتی را که حذف شده‌اند داشته باشیم و برای جلوگیری از تکرار در قسمت دیگر جمله، یا جمله بعد آن‌ها را بنویسیم، «حذف به قرینه لفظی» است. علامت حذف [ ]

- «خانه پر بود از اثاث، پر بود از لوازم بی‌مصرف، از همه چیزهایی که باید به سمساری می‌دادی.»

«خانه پر بود از اثاث، [ خانه ] پر بود از لوازم بی‌مصرف، [خانه] از همه چیزهایی [پر بود] که باید به سمساری می‌دادی.»

- از خانه که بیرون آمدم علی را دیدم. (حذف نهاد جدا " من " به دلیل وجود شناسه " م ")

- گیلهمرد گوشش به این حرف‌ها بدهکار نبود. [ گیلهمرد ] اصلاً جواب نمی‌داد.

- پرکاربردترین موارد حذف به قرینه لفظی :

۱- در جملات مرکب :

- هم تو می خواهی این ماجرا فیصله یابد هم ما می‌خواهیم. [این ماجرا فیصله یابد]

۲- حذف فعل کمکی در جمله‌ی هم‌پایه / مرکب (ناهم پایه)

- هرگز از دور زمان ننالیده‌ام و روی از گردش آسمان در هم نکشیده [ام]

۳- حذف شناسه امکان ندارد جز در متون گذشته و اگر هم صورت پذیرد به قرینه لفظی است.

- هریک خود را می‌کوشید [ند] / دام بر کردند و سر خویش گرفت [ند]

۴- حذف تمام اجزای جمله به جز نقطه‌ی اطلاع در جمله‌های پرسشی پاسخی.

(نقطه‌ی اطلاع = برجسته‌تر تلفظ کردن یک واژه از سایر واژه‌ها) مانند: کی؟ - کی؟ - نه - بله

- علی آمد. ← کی آمد؟ / علی آمد؟ ← بله آمد.

- ثم به کمک چه چیز مقاومت می‌کرد؟ به کمک ایمان خود

۵- در مواردی که شناسه‌ها از یک نوع نباشد.

- این مطلب را توضیح دادم و حسن نیز توضیح داد.

ب - حذف به قرینه معنایی

گاهی کلماتی از جمله حذف می‌شوند اما شنونده باتوجه به معنای کلام می‌تواند موارد حذف شده را بفهمد.

- به نام کردگار هفت افلاک که پیدا کرد آدم از کفی خاک

- به نام کردگار هفت افلاک [سخنم را آغاز می‌کنم] که پیدا کرد آدم از کفی خاک

نکته مهم: گاهی در جملات اسنادی مقایسه‌ای، فعل به قرینه معنوی حذف می‌شود.

- نیکو خو هزار بار بهتر از نیکو رو.

نیکو خو هزار بار بهتر [است] از نیکو رو.

- بفرمایید [بخورید]

- حمید از دوستش پرسید: از دوستان چه خبر [داری]؟

- پرکاربردترین موارد حذف به قرینه معنوی:

۱- شبه جمله‌ها (= صوت/ منادا) زه، زهی، دست مریزاد، مرحبا

- آتش [مسلمانان به دادم برسید]

۲- حذف فعل اسنادی در جمله‌ی مرکب (مسند = صفت برتر).

- هر چه ارزان‌تر [ است ] بهتر [است]

- چه بهتر [ است ] که شما این کار مهم را بر عهده بگیرید.

- از گرسنگی مردن، به [است] که به نان ...

توجه: فعل " باشد " را از نظر ویرایش زبانی بهتر است که استفاده نکنیم.

۳- حذف فعل در جملات استثنایی پرکاربرد.

مثال: به سلامت [ ] / بسیار خوب [است] / شکر خدا [نمایید] / به جان شما [قسم می خورم].

### درس نامه ترکیب اضافی - ترکیب وصفی

برای شناخت صحیح ترکیب اضافی از وصفی، به یکی از دو روش زیر عمل می‌کنیم:

(الف) به پایان کلمه اول «ی» نکره می‌افزاییم، اگر ترکیب معنادار شد، پس ترکیب ما وصفی است. چون مضاف معمولاً نکره نمی‌شود.

- رنگ آبی ( می‌توان به صورت رنگی آبی، آن را به کار برد.): ترکیب وصفی

- دفتر علی (نمی‌توانیم بگوییم: دفتری علی): ترکیب اضافی

(ب) کلمه دوم ترکیب را جمع می‌بندیم، اگر ترکیب معنای درستی داشته باشد، ترکیب اضافی است زیرا صفت‌ها جمع بسته نمی‌شوند.

- پرپرند: (می‌توانیم بگوییم: پر پرندگان. چون پرندگان جمع بسته می‌شود پس اسم است و نه صفت): ترکیب اضافی

- پرزیا (نمی‌توانیم زیبا را جمع ببندیم چون صفت است.): ترکیب وصفی

- تمرین: در بند زیر ترکیب‌های اضافی و وصفی را نشان دهید.

«به دشت که رسیدم، همه‌جا بوی دیگری می‌داد. اسب‌های رها در چمنزار دشت را دیدم، بوی رهایی می‌دادند. بوی آزادی. و چه سرمستی داشتند! دشتی از آزادی

پیش رویشان بود. چشم‌هایم را بستم و تا ته آن دشت پر از رهایی و آزادی دویدم.»

پاسخ: ترکیب‌های وصفی: بوی دیگر، اسب‌های رها، چه سرمستی، دشت پر از رهایی، دشت پر از آزادی

ترکیب‌های اضافی: چمنزار دشت، بوی رهایی، بوی آزادی، پیش رو، رویشان

- رنگ آبی و بنفش = رنگ آبی و رنگ بنفش. / دیوار و در آبی = دیوار آبی و در آبی

نکته مهم: واو عطف دو کلمه هم نوع و هم نقش را به هم می‌پیوندد.

- «دیوار گلی و حیاط آجری»؛ واو دو کلمه «دیوار» و «حیاط» را در یک نقش و جایگاه نشان می‌دهد.

نه گلی و حیاط را. زیرا «گلی» صفت است و حیاط: اسم. پس این دو کلمه هم‌پایه و هم‌جایگاه نیستند.

نکته مهم: گاهی در شعر یا نثر قدیم، جای صفت و موصوف عوض می‌شود و اصطلاحاً مقلوب می‌شوند.

- بگفت: او آن من شد زو مکن یاد بگفت: این، کی کند بیچاره فرهاد (فرهاد بیچاره)

- تو آتی که گفתי که رویین تنم بلند آسمان بر زمین بر زخم (آسمان بلند)

نکته بسیار مهم: صفت‌های مرکب را با ترکیب‌های وصفی مقلوب اشتباه نگیریم.

- «هر که که یکی از بندگان گنهکار پریشان روزگار، دست انابت به امید اجابت به درگاه حق جلّ و علا بردارد.»

پریشان روزگار یک صفت مرکب است و نه ترکیب وصفی مقلوب.

نوع ترکیب (اضافی/ وصفی)

- باتوجه به بیت‌های زیر، درستی یا نادرستی هریک از موارد داده شده را تعیین کنید.

تو مشت درشت روزگاری از گردش قرن‌ها پس افکند

زین بی‌خردان سفله بستان داد دل مردم خردمند

(الف) در گروه اسمی «مشت درشت روزگار»، واژه «مشت»، هسته است.

(ب) ترکیب «مردم خردمند»، وصفی و ترکیب «بی‌خردان سفله»، اضافی است.

پاسخ: (الف) درست (ب) نادرست (بی‌خردان سفله: وصفی)

- در بیت زیر، ترکیب‌های اضافی را پیدا کنید و بنویسید.

«زین بی‌خردان سفله بستان داد دل مردم خردمند»

- پاسخ: داد دل - دل مردم

- باتوجه به بیت‌های زیر، به پرسش‌های داده شده، پاسخ دهید.

«تو قلب فسرده زمینی از درد ورم نموده یک چند

بفکن ز پی این اساس تزویر بگسل ز پی این نژاد و پیوند»

(الف) نوع کدام‌یک از ترکیب‌های «قلب فسرده» و «قلب زمین»، اضافی است؟

(ب) یک ترکیب وصفی در بیت دوم بیابید و بنویسید.

پاسخ: (الف) قلب زمین (ب) این بی‌خردان/ بی‌خردان سفله/ مردم خردمند

نقش دستوری واژه در کلام

– نقش دستوری واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

الف) چون رود امیدوارم بی‌تابم و بی‌قرارم (ب) دیروز اگر سوخت ای دوست، غم برگ و بار من و تو

پاسخ: الف) مسند (ب) مضاف الیه

– نقش دستوری واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

«عشق حقیقی، دل و جان را پاک می‌گرداند.»

پاسخ: به ترتیب: نهاد – مسند

– نقش دستوری واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

الف) عشق حقیقی، دل و جان را پاک می‌گردان.

ب) سرانجام گفت ایمن از هر دوان نگردد مرا دل، نه روشن روان

ج) تا چشم بشر نبیندت روی بنهفته به ابر، چهر دل‌بند

پاسخ: الف) مفعول (ب) مسند (ج) مضاف الیه (روی ت)

– در بیت زیر، نقش دستوری ضمیر پیوسته «ش» را بنویسید.

چو بشنید خسرو از آن شاد گشت روانش ز اندیشه آزاد گشت

پاسخ: مضاف الیه

– الگوی ساخت همه گزینه‌ها به جز جمله گزینه ..... «نهاد + مفعول + مسند + فعل» است.

۱) عشق حقیقی، دل و جان را پاک می‌گرداند. ۲) محبت به غایت را عشق خوانند.

۳) برخی عاشق را دیوانه می‌پندارند. ۴) عشق از بهر این معنی فرض راه آمد.

پاسخ: ۴

– در هر یک از موارد زیر، نقش دستوری واژه مشخص شده را بنویسید.

الف) هرگز دلم برای کم و بیش غم نداشت. ب) پرندگان، جملگی مشتاق دیدار سیمرغ شدند.

پاسخ: الف) مفعول (ب) بدل

– در بیت زیر، نقش دستوری گروه‌های اسمی مشخص شده را بنویسید.

«هرکسی از ظن خود شد یار من از درون من نجست اسرار من»

پاسخ: به ترتیب: مسندی – مفعولی

– الگوی ساخت کدام جمله «نهاد + مفعول + مسند + فعل» است؟

۱) زیبایی محبوب تو چند روی بیش نیست.

۲) عشق جاودانی، همواره معشوق را جوان می‌بیند.

۳) در این سفر، ستارگان را با درخشندگی جاودان خود می‌بینم.

۴) عشق از بهر این معنی، فرض راه آمد.

پاسخ: ۲

– در نوشته زیر، نقش دستوری واژه‌های مشخص شده را تعیین کنید.

«پروانه قوت از عشق آتش خورد و همه جهان، آتش بیند.»

پاسخ: به ترتیب: مفعول – مسند

– هریک از الگوهای زیر، با کدام جمله در ردیف مقابل مطابقت دارد؟ (یک جمله اضافی است).

|     |                           |   |                                   |
|-----|---------------------------|---|-----------------------------------|
| الف | نهاد + مسند + فعل         | ۱ | برخی عاشق را دیوانه می‌پندارند.   |
| ب   | نهاد + مفعول + مسند + فعل | ۲ | مردم به او دهقان فداکار می‌گفتند. |
|     |                           | ۳ | عاشقان کشتگان معشوق‌اند.          |

پاسخ: الف=۳ ب=۱

– در همه گزینه‌ها به جز ..... جمله‌ای با الگوی «نهاد + مفعول + مسند + فعل» دیده می‌شود.

(۱) محبت چون به غایت رسید، آن را عشق خوانند.

(۲) به عشق نتوان رسیدن تا از معرفت و محبت دو پایه نردبان نسازد.

(۳) همواره عشق قدیم را موضوع صحیفه شعر خود می‌گرداند.

(۴) آتش عشق او را چنان گرداند که همه جهان، آتش بیند.

پاسخ: ۲

– نقش دستوری هریک از واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

«کز نیستان تا مرا ببریده‌اند در نفیرم مرد و زن نالیده‌اند»

پاسخ: به ترتیب: متمم – نهاد

– نقش دستوری واژه‌های مشخص شده را در جمله زیر، بنویسید.

«او بنده خود را عاشق خود کند، آن‌گاه بر بنده عاشق باشد و بنده را گوید: تو عاشق و محب مایی.»

پاسخ: به ترتیب: مسند – متمم (بنده را= به بنده)

### نقش‌های اصلی واژه در کلام

جمله در زبان فارسی از دو بخش نهاد و گزاره تشکیل شده‌اند.

نهاد: صاحب خبر (خبری که درباره جمله می‌دهیم/ کلمه یا گروهی از کلمات است که کاری انجام می‌دهد یا حالتی یا صفتی را به آن نسبت می‌دهیم).

گزاره: خبری است که درباره نهاد داده می‌شود.

– پرندگان، آواز شوق سر داده بودند. (صاحب خبر: پرندگان)

خبر مربوط به کارکرد نهاد «گزاره»: آواز شوق سر داده بودند.

هر گزاره، علاوه بر فعل، از گروه‌های مختلفی تشکیل شده است. این گروه‌ها شامل هسته و وابسته‌های آنها هستند و نقش‌های اصلی و تبعی جمله را به عهده دارند. این نقش‌ها عبارت‌اند از:

– نقش‌های اصلی: «مفعول، متمم فعل، مسند»

و نقش‌های دیگر که اصلی نیستند: «قید (جزئی از گزاره است و جنبه توضیحی دارد و جای آن در اول یا وسط جمله است)، منادا، صفت، مضاف الیه (= اسم یا ضمیری که بعد از اسم می‌آید)، و تبعی (معطوف، بدل، تکرار)»

– جمله عادی، ترتیب قرار گرفتن نقش‌ها در جمله به صورت: «نهاد + مفعول / مسند / متمم + فعل»

– شیوه بلاغی، اجزای جمله ممکن است جابه‌جا شوند.

**نهاد:**

نشانه نهاد در جمله، شناسه فعل (= شخص فعل) است.

تنها کلمه‌ای که جمع و مفرد بودن و شخص آن، بر روی شناسه (شخص فعل) تأثیرگذار است، فقط نهاد جمله است. اگر نهاد جمله، مفرد باشد، شناسه نیز مفرد است. اگر نهاد جمع باشد، شناسه نیز جمع می‌شود.

– برای شناختن نهاد ابتدا باید به سراغ فعل جمله برویم. سپس با روش: (چه چیز یا چه کس + فعل جمله؟)

– مفعول، کلمه یا گروهی از کلمات است که معمولاً با نشانه «را» بیاید.

– راه شناخت مفعول: چه کسی یا چه چیزی + را + فعل

– تا کجا می‌برد این نقش به دیوار مرا!

این نقش به دیوار + چه کسی + را + می‌برد؟ = مرا (= من): مفعول

**نکته مهم:**

– گاهی مفعول در قالب جمله می‌آید: کل جمله بعد از فعل‌های «گفت، پرسید، پاسخ داد، توضیح داد، درخواست کرد، خواست» مفعول هستند.

– گفت درین معرکه یکتا منم

– پزیشان می‌توانند به من کمک کنند.

– نکته بسیار مهم: فعل «دارد» و مشتقات آن همیشه مفعول می‌گیرند. حتی اگر با «را» همراه نشوند.

«من علاقه زیادی دارم. من مهارت دارم/ من شکایت داشتم/ من نیاز خواهم داشت»

- با توجه به مصدرهای (بردن - شکفتن - دیدن - دوختن)، فعل کدام یک به مفعول نیاز ندارد؟  
پاسخ: «شکفتن» - زیرا فعل آن با نهاد، یک جمله معنادار می‌سازد: «گل شکفت».

**مسند:**

اسم یا صفتی است که به نهاد نسبت داده می‌شود.

- برای شناخت «مسند» نیز باید ابتدا فعل جمله که اسنادی (است، بود، شد، گشت و گردید)

(درمعنی «شد» و مشتقات آنها = هست/نیست/خواهدبود/شود/می‌شود/ باشد) است، مورد بررسی قرار می‌دهیم.

- راه شناخت مسند: چه جور / چگونه + فعل اسنادی

- زندگی شیرین گشت. (چه جور / چگونه) گشت؟ شیرین

- (در جملاتی که فعل آنها اسنادی باشد و اجزای جمله سر جای خود قرار گرفته باشند، نزدیک‌ترین گروه اسمی به فعل «مسند» است.)

- آن اوایل سال‌های کودکی، هنوز پیوند ما با زادگاه روستایی‌مان برقرار بود.

- اگر جمله به شیوه بلاغی باشد، ابتدا آن را مرتب نموده، سپس به دنبال مسند می‌گردیم.

- گفت: در این معرکه یکتا منم. (مرتب شده جمله: گفت: من در این معرکه یکتام (هستم).)

چه جور / چگونه‌ام؟ پاسخ: «یکتا» = مسند جمله.

- گاهی کلمات پرسشی «چه/چی، که/کی، چقدر، چطور و چگونه» مسند جمله هستند.

این چیست؟ (چه است) / او کیست؟ (که است) / قیمت این لباس چقدر است؟ / حالتان چطور است؟ وضعیت یورو در این روزها چگونه است؟

- گاهی ممکن است، مسند جمله از یک گروه متممی درست شده باشد، در این صورت همان گروه متممی = مسند.

(متمم جانشین مسند است / متمم اسنادی) البته در این جا باید (متمم با حرف اضافه = مسند) باشند نه بدون حرف اضافه.

- جنس این پارچه از نخ است.

- گاهی درمتون گذشته، فعل «شد» در معنی «رفت» استفاده شده است. یا در متن‌های امروزی فعل «هست / است / نیست»

در معنی «وجود داشتن» یا فعل «گشت» در معنی «چرخیدن / جستجو کردن» به کار می‌رود، و افعال ذکر شده، دیگر اسنادی نیستند.

- ما به گرمابه شدیم. (= رفتیم) / - خواهرم برای پیدا کردن مدادش، همه خانه را گشت. (= چرخید)

- در این پرده نیلوفری کیست (= وجود دارد) کند با چو منی همسری؟

- جمله‌هایی با ساختار «نهاد + مفعول + مسند + فعل» (درس ۷ فارسی دوازدهم)

بعضی از فعل‌ها هستند که علاوه بر مفعول به جزء دیگری نیز نیاز دارند تا معنایشان کامل شود.

این جزء یا مسند است یا متمم و یا مفعول دوم.

برای شناخت این نقش‌ها از هم، باید به روش زیر عمل کنیم:

ابتدا فعل جمله را پیدا می‌کنیم. اگر فعل جمله، یکی از خانواده فعل‌های زیر باشد (البته این افعال به شرطی که معنای واقعی نداشته باشند و در معنی مجازی به کار

رفته باشند، جملاتی با مفعول و مسند می‌سازند)، باید در جمله به دنبال مسند بگردیم:

نوعی دیگر از فعل‌های اسنادی

۱- «گردانیدن» و فعل‌های هم معنی آن مثل: نمودن، ساختن، کردن.

۲- «نامیدن» و فعل‌های هم معنی آن مثل: خواندن، گفتن، صدا کردن / زدن.

۳- «شمردن» و فعل‌های هم معنی آن مثل: به شمار آوردن، به حساب آوردن.

۴- «پنداشتن» و فعل‌های هم معنی آن مثل: دیدن، دانستن، یافتن.

- برای شناخت مسند از بقیه نقش‌های جمله در این نوع جملات، باید به ترتیب به روش زیر عمل کنیم:

اول: مفعول جمله را پیدا می‌کنیم.

دوم: مفعول را نهاد قرار می‌دهیم.

و سوم: کلمه‌ای را که شک داریم مسند است یا خیر، بعد از نهاد قرار می‌دهیم.

چهارم: فعل «است» را به جمله اضافه می‌کنیم.

اگر جمله از نظر منطقی درست باشد، کلمه مورد نظر مسند است.

- من او را فردی آگاه می‌پنداشتم. (او مفعول جمله = نهاد) - آگاه: در مسند بودنش شک داریم، آن را بعد از نهاد جدید (= او) قرار می‌دهیم. = او آگاه است. چون

جمله از نظر منطقی درست است. پس «آگاه» در جمله بالا مسند است.

**دستور ساختاری و تأویل برخی از افعال در یافتن واژه‌ای در نقش مسند**

۱- «به نظر رسیدن، به نظر آمدن (= یک فعل مرکب استثنایی)، نمودن (هرگاه در معنی «به نظر رسیدن» به کار رود).»

مثال:

به نظر فرد مطمئنی (مسند) می‌آید.

او آدم شریفی (مسند) می‌نماید (= به نظر می‌رسد).

در آغاز همه چیز آسان (مسند) می‌نمود.

حرف‌های ما متناقض (مسند) به نظر رسید.

۲- سه فعل مرکب «نام داشتن»، «تشخیص دادن»، «اعلام کردن»

مثال:

دادگاه او را بی گناه (مسند) تشخیص داد.

پس از آزمایش‌های بسیار او را مبتلا به کم خونی (مسند) تشخیص دادند (دانستند، پنداشتند).

کالا برگ شماره چهارده را باطل (مسند) اعلام کردند.

سازمان حفاظت از محیط زیست این منطقه را پارک ملی (مسند) اعلام کرد (در نظر گرفت/ به شمار آورد).

او امیر (مسند) نام دارد.

این روستا حلیمه آباد (مسند) نام دارد.

اسکله معروف خارك اسکله T (مسند) نام دارد.

توجه: اگر «نام» نقش مفعولی بگیرد، دیگر مسند نداریم.

مثال: این شهر نام زیبایی (مفعول) دارد.

۳- «ماندن» = گذاشتن»

مثال:

تو تنها (مسند) نخواهی ماند. (ما تو را تنها نخواهیم گذاشت).

در خانه باز (مسند) مانده است (او در خانه را بازگذاشته است)

پدرم برای فروش خانه بلا تکلیف (مسند) مانده است (.... پدرم را برای فروش خانه بلا تکلیف گذاشته است).

نگاهم بی آشیانه (مسند) ماند (نگاهم را بی آشیانه گذاشتی)

۴- «گذاشتن»

مثال:

هرگز تو را تنها نخواهم گذاشت.

ما را از خودت بی خبر نگذار.

لطفا در را باز بگذار.

چرا ما را منتظر گذاشتی ؟

پدرت را دست تنها نگذار.

دخالت به موقع پلیس اقدام ربایندگان را بی نتیجه گذاشت.

۵- علاوه بر چهار فعل (۱- گرداندن و زنجیره آن ، ۲- پنداشتن و زنجیره آن ، ۳- نامیدن و زنجیره آن ، ۴- گذاشتن)

فعل های زیر هر گاه در معنی «پنداشتن یا به شمار آوردن» به کار روند، علاوه بر مفعول به مسند نیز نیاز دارند.

«در نظر گرفتن، فرض کردن، دانستن، دیدن، شناختن، یافتن»

مثال:

این دو خط را موازی (مسند) در نظر می گیریم (= می پنداریم).

ادعای شما را درست (مسند) فرض می کنیم (= می پنداریم / در نظر می گیریم).

حرفی را دست کم (مسند) نمی گیریم (=فرض نمی کنیم).

حرف های شما را نشنیده (مسند) می گیرم (=می پندارم / فرض می کنم).

نصف طول پیوند را شعاع کووالانسی (مسند) در نظر می گیریم (=به شمار می آوریم).

از دیر باز پزشکان پیش گیری را مؤثرتر از درمان (مسند) می دانستند (=به شمار می آوردند).

این دو زاویه را با هم برابر / برابر با هم (مسند) فرض می کنیم (=به شمار می آوریم).

همه تو را قهرمان واقعی (مسند) می دانند (=به شمار می آورند).

مردم این شهر او را آدم درست کاری (مسند) می شناسند (=به شمار می آورند).

چرا همه را ضعیف (مسند) می بینی ؟

او را فرد قابل اعتمادی (مسند) خواهی یافت (به شمار خواهی آورد / در نظر خواهی گرفت).

نکته حایز اهمیت:

(به شمار آورد / به حساب آورد) مترادف «پنداشت» هستند و جمله با مفعول و مسند می سازند.

در حالی که (به شمار رفت / به شمار آمد / محسوب شد) جمله با مسند می سازند.

ت) جمله با متمم و مسند: کاربرد چنین جمله هایی بسیار اندک است و تنها از فعل گویند و لقب داد در معنای «نامید» استفاده می شود.

مثال: به این آب ها خلیج فارس می گویند.

به او وکیل الرعایا لقب دادند.

متمم فعل:

- متمم، کلمه یا گروهی از کلمات است که معمولا بعد از یکی از حروف اضافه (از، به، با، در، برای، بدون، از بهر، به سبب / به جای / درباره / به عنوان / ....) می آید.

- آشنایی با نیما غنیمتی بود. ( نیما متمم اسم برای آشنایی)

- دانش آموز درس خوان تر از بقیه: (بقیه متمم صفت برای درس خوان تر.)

- حیف از عمرم که هدر رفت! (عمرم متمم شبه جمله برای حیف.)

- متمم فعل یا متمم اجباری (جهت تکمیل شدن معنای فعل به کار می رود).

- نهاد + متمم + فعل (ایرانیان به فرهنگ غنی خود می بالند).

- نهاد + مفعول + متمم + فعل (دوستم کتابش را به من داد).

- نهاد + متمم + مسند + فعل (به او دکتر می گفتم).

البته فقط فعل های مصدر گفتن و لقب دادن، می توانند این نوع از جملات با مسند و متمم را بسازند.

چگونگی تمایز قید با صفت و مسند

قیدها معمولا توضیحی نظیر مفهوم «حالت، زمان، مکان، تردید، یقین، تکرار و ..» را به جمله می افزاید.

در تعریقی دیگر، قید، مقدار صفت / مسند / فعل / قید دیگر را نشان می دهد و یا درباره فعل جمله یا کل موضوع توضیح می دهد و حذف آن نقصی در ساختار جمله

ایجاد نمی کند.

- امروز به کتابخانه ملی می روم.

- ز آتش هم کمی سوزنده تر شد

- طبیعت، زیبا آفریده شده است.
- اما صفت‌ها توضیحی درباره اسم می‌دهند.
- چهره زیبایی خود را مخفی نموده است.
- مسندها یکی از نقش‌های اصلی جمله با فعل اسنادی است و حذف آن، جمله را ناقص و نامکمل می‌نماید.
- طبیعت، زیبا است.

### ضمیر و نقش آن در جمله

- ۱- جایگاه ضمائر شخصی پیوسته یا متصل در شعر و نثر:
  - الف) به فعل می‌چسبند که در این صورت نقش «متممی» یا «مفعولی» دارند.
  - «جایگاه ضمیر مفعولی و متممی بعد از فعل یا نزدیک‌ترین کلمه به فعل است.»
  - «دیدمش خرم و خندان قدح باده به دست.»
  - نقش مفعولی = او را دیدم.
  - «گفتمش که بر در خانه نایست»
  - نقش متممی = به او گفتم.
  - ب) به اسم یا صفت می‌چسبند که نقش «مضاف‌الیه» دارند.
  - «دستم بگرفت و پا به پا برد - مادر مهربانم
  - ۲- جابه جایی ضمیر :
- غیر از موارد الف و ب در شماره ۱؛ قرار نگرفتن ضمیر در جایگاه اصلی خود و نشستن در جای دیگر، «جهش ضمیر / رقص ضمیر / جابه جایی ضمیر / جنبش ضمیر» نامیده می‌شود که در این صورت فقط نقش مضاف الیه را می‌پذیرد.
- گفتم ببینمش مگرم درد اشتیاق، ساکن شود، بدیدم و مشتاق‌تر شدم.
- ضمیر «م» به «مگر» چسبیده و «م» مضاف‌الیه اشتیاق است: مگر درد اشتیاقم.
- ای بی‌نشان محض، نشان از که جویمت؟ گم گشت در تو هر دو جهان از که جویمت؟ «عطار»
- گام اول: شناسایی ضمیر شخصی پیوسته: «ت» در (بجویمت مصراع اول و بجویمت مصراع دوم)
- گام دوم: تبدیل ضمیر شخصی پیوسته به معادل جدای آن: ت = تو
- گام سوم: بررسی می‌کنیم که ضمیر به فعل چسبیده است، پس، بعد از تو «را» قرار می‌دهیم.
- ای بی‌نشان محض نشان از که جویم تو را گم گشت در تو هر دو جهان، از که جویم تو را
- گام چهارم: حالا ببینیم در کدام مصراع جمله ساختار منطقی خود را پیدا کرده است؟ مصراع اول یا دوم؟
- پاسخ: در مصراع اول، جمله هنوز ساختار منطقی ندارد. هیچ فارسی زبانی، چنین جمله‌ای را به کار نمی‌برد.
- صورت صحیح جمله: «ای بی‌نشان محض، نشانت = نشان تو را از که جویم».
- یعنی ضمیر «ت» مضاف‌الیه است و باید بعد از اسم خود قرار بگیرد.
- و اقا جای ضمیر شخص پیوسته «ت» در مصراع دوم تغییر نکرده و جهشی صورت نگرفته است؛ نقش مفعول.

- در متن زیر، یک نقش تبعی «معطوف» و یک «بدل» بیابید.

«ما پرندگان را نیز پیشوا و شهریاری است. نامش سیمرغ است و در پس کوه قاف، بلندترین کوه برای زمین، بر درختی بلند، آشیان دارد.»

پاسخ: معطوف: شهریاری - بدل: پرندگان / بلندترین کوه روی زمین

- نوع «نقش‌های تبعی» مشخص شده را در متن «ما پرندگان را نیز پیشوا و شهریاری است. نامش سیمرغ است و در پس کوه قاف، بلندترین کوه روی زمین، بر درختی بلند آشیان دارد.» بنویسید.

پاسخ: به ترتیب: معطوف - بدل

- در نوشته زیر، یک «نقش تبعی» با ذکر «نوع» آن مشخص کنید.

«رم، پایتخت ایتالیا، شهری است قدیمی. دیوارهای قطور و باروهای دودخورده آن به زبان حال بازگو می‌کند که...»

پاسخ: پایتخت ایتالیا: بدل / باروهای دودخورده آن: معطوف

- در نوشته «رم، پایتخت ایتالیا، شهری است قدیمی با دیوارهای قطور و باروهای دودخورده»،

الف) کدام واژه نقش تبعی «معطوف» دارد؟ ب) گروه اسمی مشخص شده، دارای کدام نقش دستوری است؟

پاسخ: الف - باروهای دودخورده آن ب - بدل

- در جمله «سیمرغ در پس کوه قاف، بلندترین کوه روی زمین، آشیان دارد»، کدام گروه اسمی نقش تبعی دارد؟ نام آن را بنویسید.

پاسخ: بلندترین کوه روی زمین - بدل

### نقش تبعی

الف - بدل

هرگاه یک اسم یا گروه اسمی، پس از یک مکث و بدون نقش نمای اضافه، بعد از گروه اسمی دیگری قرار بگیرد و توضیحی درباره آن بدهد، بدل نام دارد. (توضیح دهندۀ واژه یا واژه های قبل از خود)

- توجه: بدل به تنهایی، نقش مستقلی نیست و تابع گروه اسمی است که آن را توضیح داده است.

- محمّد(ص)، آخرین فرستادۀ خدا، درباره حسن خلق، بسیار سفارش فرمودند.

گروه اسمی «آخرین فرستادۀ خدا» بدل نهاد (نهاد= محمّد «ص») محسوب می شود و با نهاد نقش مشترک می گیرد.

نکته مهم: اگر ضمیر مشترک (خود/خویش/خویشتن) پس از ضمیر شخصی جدا (من/تو/او/ما/شما/ایشان) بیاید، ضمیر مشترک، نقش بدلی می یابد.

- من خود به چشم خویشتن دیدم ..... / - تو خود ای شب جدایی چه شبی بدین درازی /

ب - معطوف

هرگاه بین دو واژه که از نظر نوع و نقش یکسان و هم پایه باشند، «واو» قرار بگیرد، کلمۀ بعد از «واو» به کلمۀ قبل از آن معطوف می شود.

معطوف از نظر نقش، استقلال ندارد و مثل بدل، تابع نقش گروه اسمی پیش از خودش است.

- مولانا مردی زردچهره و باریک اندام و لاغر بود.

کلمۀ لاغر با واو به باریک اندام معطوف شده است و کلمۀ باریک اندام به زردچهره. می بینیم که هر سه واژه از نظر نوع صفت هستند. بنابراین کلمات لاغر و باریک اندام معطوف به زردچهره شده اند.

و هر سه، صفت «مرد» هستند.

نکته مهم: گاهی ممکن است در یک متن به جای واو عطف از علامت ویرگول / حرف «یا» استفاده شود.

پ - تکرار

اگر قصد گوینده تأکید بر کلمه ای باشد، می تواند آن را در یک جمله تکرار کند. در این صورت واژه ای که تکرار شده، باید در نوع و نقش دستوری (نهادی/ مفعولی/

مسندی/ متممی) تابع واژه تکرار شده باشد. اگر از نظر نقش متفاوت باشند، تکرار محسوب نمی شود.

( تکرار نقطه مقابل حذف است و به قصد تأکید می آید.)

- در فقرۀ پیشین من مقصر بودم من. (تکرار نقش نهاد)

- در سرودۀ «رخش بی مانند، با هزارش یادبود خوب خوابیده است».

الف) در گروه اسمی «هزارش یادبود خوب»، هسته گروه اسمی را تعیین کنید.

ب) در گروه اسمی «رخش بی مانند»، نوع وابسته پسین را بنویسید.

پاسخ: الف - یادبود ب - صفت بیانی

- نمودار پیکانی گروه اسمی «دو تخته فرش» را رسم نمایید.

پاسخ: دو تخته فرش



- در هریک از گروه های اسمی زیر، نوع وابسته های پیشین و پسین مشخص شده را بنویسید.

الف) رخس رخشنده ب) آخرین اندیشه ها

پاسخ: الف) وابسته پسین: صفت بیانی (صفت فاعلی)

ب) وابسته پیشین: صفت شمارشی ترتیبی با پسوند مین

- در یک گروه اسمی، واژه «اسب» را با یک وابسته پیشین و یک وابسته پسین به کار ببرید.

پاسخ: چند اسب چابک

- نوع وابسته های پیشین و پسین را در گروه های اسمی مشخص شده بنویسید.

«کشته هرسو بر کف و دیواره های نیزه و خنجر»

پاسخ: هر: صفت مبهم (وابسته پیشین) ش: مضاف الیه (وابسته پسین)

### گروه اسمی

هسته و وابسته های پیشین و پسین

هر جمله از تعدادی گروه اسمی، فعلی و قیدی تشکیل می شود گروه های اسمی در جمله، نقش های نهادی، مسندی، مفعولی و متمم های قیدی را به عهده دارند.

با این توصیف، معلوم می شود که به تعداد نقش هایی که در جمله داریم - البته به جز قید و فعل که گروه های قیدی و فعلی تشکیل دهندۀ آنهاست - گروه اسمی هم داریم. یعنی اگر در جمله نهاد و متمم فعل و متمم قیدی (=حرف اضافه+ اسم: فعل به این متمم نیازی ندارد) و مفعول داریم، هر کدام از آنها یک گروه اسمی هستند.

- مدیر محترم دبیرستان در مراسم پایانی سال تحصیلی، جوایز ارزنده ای را به دانش آموزان ممتاز اهدا کرد.

گروه های اسمی تشکیل دهندۀ این جمله:

۱- گروه نهادی: مدیر محترم دبیرستان. ۲- گروه متمم قیدی: مراسم پایانی سال تحصیلی

۳- گروه مفعولی: جوايز ارزنده. ۴- گروه متممی: دانش‌آموزان ممتاز  
بنابراین به جز فعل، جمله از چهار نقش تشکیل شده است و هریک از این نقش‌ها را یک گروه اسمی بر عهده دارد. در هر گروه اسمی یک اسم یا ضمیر، هسته گروه است و نقش اصلی را بر عهده دارد به عبارتی، هسته گروه اسمی، همیشه یا اسم است و یا ضمیر.  
در یک گروه اسمی، ممکن است تعدادی وابسته نیز همراه هسته بیایند و توضیح بیشتری در مورد هسته بدهند. اگر این وابسته‌ها پیش از هسته قرار بگیرند، وابسته پیشین محسوب می‌شوند و اگر پس از هسته بیایند، به آنها وابسته‌های پسین می‌گویند.

#### هسته گروه اسمی:

هسته در یک گروه اسمی، معمولاً اولین کلمه (یا اسم) دارای کسره (نقش نمای اضافه) است.  
- این دو دانش‌آموز ممتاز کلاس (دانش‌آموز: هسته و بقیه کلمات، وابسته هستند).  
اگر یک گروه اسمی داشته باشیم که هیچ یک از کلمات آن نقش نمای اضافه نداشته باشند، آخرین کلمه بدون نقش نمای اضافه، هسته است.  
- این دو کیلو پرتقال («پرتقال» آخرین کلمه بدون نقش نمای اضافه = هسته است).

#### «وابسته‌ها» و انواع آن در گروه های اسمی:

الف) «وابسته‌های پیشین»: معمولاً صفت‌ها و یا القابی هستند که قبل از اسم می‌نشینند.

این وابسته‌ها عبارت اند از: ۶ وابسته پیشین وصفی + ۱ وابسته پیشین غیر وصفی

۱- صفت اشاره: این و آن، همین و همان - این دفتر، آن خودکار، همین میز، همان کتاب

۲- صفت پرسشی: کدام / کدامین، چند، چه - کدام کتاب؟ / کدامین گناه؟، چند مداد؟، چه درسی؟

۳- صفت مبهم: هر، هیچ، همه / همه، فلان / بهمان، چند.

- هر گل، هیچ کس، همه جا / همه مکان‌ها، فلان درس، چند کتاب.

**نکته مهم:** اگر (برخی، پاره‌ای، مقداری، اندکی، خیلی، بسیاری) پیش از اسم بیایند و مقدار و میزان اسم را نشان دهند، صفت مبهم‌اند و اگر به تنهایی بیایند، ضمیر یا اسم مبهم‌اند.

نکته مهم: اگر دو واژه «هر / هیچ» به شکل (هرکدام / هریک / هیچ کدام / هیچ یک) در جمله‌ای به کار روند، به عنوان اسم مبهم‌اند نه صفت مبهم.

- هریک در جای خود قرار گرفت / گرفتند.

نکته مهم: «دیگر» و «چندم» جزء صفت‌های مبهم هستند اما امروزه بعد از هسته می‌آیند (= وابسته پسین) و در گذشته قبل از هسته می‌آمدند (= وابسته پیشین).

- چند روز / روزی چند - دگر روز / روز دیگر

۴- صفت عالی: باپسوند «ترین»: بهترین، ممتازترین

- بهترین لباس، ممتازترین نظر

نکته مهم: صفت‌های عالی در صورتی که با نقش نمای اضافه بیایند، به عنوان هسته‌اند نه وابسته پیشین.

- بهترین ایام (بهترین: هسته - ایام: وابسته پسین)

۵- صفت تعجبی: عجب و چه + اسم نکره (اسم + مصوت / ی = ای / )

- عجب کتابی! چه رودخانه‌ای! عجب کاری! چه گلی!

۶- صفت شمارشی: که خود دو نوع هستند: شمارشی اصلی و شمارشی ترتیبی.

صفت‌های شمارشی ترتیبی نیز دو دسته هستند، صفت‌هایی که پسوند «مین دارند و قبل از هسته قرار می‌گیرند و صفت‌هایی که پسوند «م دارند که پس از هسته می‌آیند.

صفت‌های شمارشی اصلی همان اعداد هستند. مثل یک، دو، سه و ...

نکته مهم: از آنجایی که صفت در زبان فارسی همواره مفرد است؛ اما صفت‌های شمارشی اگر جمع بسته شوند، باز هم صفت هستند.

- هزاران سال

[«صفت‌های شمارشی ترتیبی که با افزودن پسوند «م یا «مین به صفت‌های شمارشی اصلی به دست می‌آیند: یکمین، دومین / واپسین / نخستین، اولین، آخرین» به عنوان وابسته پیشین]

- نخستین جلسه، دومین روز، سومین دلیل

[«صفت‌های شمارشی ترتیبی که با افزودن پسوند «م به صفت‌های شمارشی اصلی به دست می‌آیند. دوم، سوم، چهارم، اول، نخست، آخر» به عنوان وابسته پسین]

- روز نخست، کتاب سوم

نکته مهم: اگر هریک از این ۶ صفت ذکر شده، قبل از اسم قرار نگیرند، یا به تنهایی بیان گردند، ضمیر محسوب می‌شوند و می‌توانند در جایگاه هسته قرار بگیرند.

- این دو، در کلاس حاضر نبودند. (در این جمله، «این دو» یک گروه اسمی است که نقش نهادی دارد. این، وابسته پیشین و صفت اشاره است و «دو» ضمیر شمارشی و جانشین اسم که در اینجا هسته است).

نکته مهم: هرگاه یکی از این ۶ صفت با اسمی همراه شوند، یک ترکیب وصفی می‌سازند.

(به عبارت دیگر در هر گروه اسمی یا عبارت، به تعداد صفت‌های موجود، ترکیب وصفی داریم).

- هرجا، دو درخت، سومین مزرعه، چه باغی!، کدام کلاس؟

نکته حائز اهمیت: صفت‌ها در زبان فارسی به شکل مفرد می‌آیند.

اگر صفتی به صورت جمع ظاهر شد، آن صفت جانشین اسم است و در حکم «اسم» است و نقش دستوری می‌پذیرد و صفت‌های شمارشی اصلی گاهی قبل از هسته می‌آیند و جمع بسته می‌شوند، اما از صفت بودن خارج نمی‌شوند. هزار کودک - هزاران کودک

۷- شاخص (نزدیک ترین وابسته پیشین به اسم): عناوین و القابی که به هسته نسبت داده می‌شود.

درمورد القاب و عناوینی که با نقش نمای اضافه، پیش از اسم قرار می‌گیرند، شرایط متفاوتی وجود دارد:

۱- برخی از آنها در صورتی که با نقش نمای اضافه پیش از اسم بیایند، شاخص نیستند؛ مانند:

برادر (برادر: هسته) / مهندس (مهندس: هسته) / امیر (ارتش: امیر: هسته)

۲- برخی از آن‌ها با وجود داشتن نقش نمای اضافه، همچنان شاخص هستند زیرا وجود نقش نما نتوانسته است در ماهیت اسم پس از آنها تغییری ایجاد کند و کماکان محوریت با اسمی است که پس از نقش نمای اضافه آمده است؛  
مانند: خانم پروین صدائقی، آقای رضا صادقی، مرحوم خسرو نادری، جناب ایرج سالاری  
- شاخص‌ها با نقش نمای اضافه = هسته اند: خاله امیر  
ب) وابسته‌های پسین:

گاهی وابسته‌ها پس از هسته گروه اسمی قرار می‌گیرند و توضیح بیشتری در مورد آن می‌دهند که در این صورت وابسته‌های پسین هستند.  
- فرهنگ غنی مردم ایران. (هسته: فرهنگ - صفت: غنی - مضاف الیه: مردم - مضاف الیه: ایران)

- انواع وابسته‌های پسین :

۱- وابسته پسین غیر وصفی که ترکیب اضافی می‌سازند= مضاف الیه

- روز میلاد/ روی ماه/ دوستم

۲- وابسته های پسین وصفی که ترکیب وصفی می سازند:

صفت ترتیبی با پسوند -م (دوم، ششم، اول، نخست، آخر)

- کلاس چهارم/ روز آخر

نکته مهم: اگر پسوند -م از صفت ترتیبی حذف شود اما همچنان معنای ترتیبی بدهد و در این صورت نیز وابسته پسین خواهد بود.

- درس دو را بخوانید. یعنی درس دوم را بخوانید.

صفت بیانی (خوب، دیدنی، بلورین، خفته، پاکدل)

- روز خوب

نکته مهم: صفت‌های بیانی معمولاً با نقش نمای اضافه به اسم قبل از خود می‌پیوندند.

اما گاهی ممکن است میان صفت و موصوف «ی» نکره بیاید.

- گلی زیبا را از باغچه کندم. در این جمله گروه اسمی «گلی زیبا» یک ترکیب وصفی است و می‌توانیم به جای آن بگوییم: «گل زیبایی را از باغچه کندم».

- نکته مهم: گاهی نیز صفت‌های بیانی با متمم‌های خود یک گروه صفتی می‌سازند و به عنوان یک صفت بعد از هسته می‌نشینند.

- دشت در تاریکی فرو رفته.

در این ترکیب، گروه «در تاریکی فرو رفته» (فرو رفته در تاریکی) صفت است برای دشت.

فرورفته هسته گروه صفتی و تاریکی متمم آن است. اما روی هم رفته یک ترکیب وصفی می‌سازند.

ترکیب را می‌توان به شکل «دشتی در تاریکی فرو رفته» نیز به عنوان یک ترکیب وصفی به کار برد.

- در هریک از گروه‌های اسمی زیر، نوع «وابسته وابسته» را مشخص کنید.

الف) دوازده سیر زعفران      ب) شرایط تقریباً پایدار

پاسخ: الف - ممیز      ب - قیدصفت

- نوع «وابسته وابسته» را در گروه‌های اسمی زیر تعیین کنید.

الف) اسیر این جهان      ب) هفده فرسخ راه

پاسخ: الف - صفت مضاف الیه      ب - ممیز

- در هریک از گروه‌های اسمی زیر، نوع وابسته وابسته را تعیین نمایید.

الف) هفت فرسخ راه      ب) دامنه کوه‌های شمالی

پاسخ: الف - ممیز      ب - صفت مضاف الیه

- با توجه به گروه‌های اسمی زیر، جدول را کامل کنید.

| صفت مضاف الیه | مضاف الیه مضاف الیه |
|---------------|---------------------|
|               |                     |

الف) برجسته‌ترین شاگرد حوزه ادبیات.

ب) قلب آن کویر

پاسخ: صفت مضاف الیه: آن      مضاف الیه مضاف الیه: ادبیات

- در نوشته زیر، نوع وابسته وابسته مشخص شده را تعیین کنید.

بر بالای آن، با خط بسیار روشن، دو سطر مطلب زیبا نوشته شده بود.

پاسخ: به ترتیب: قیدصفت - ممیز

- در نمونه‌های زیر، نوع وابسته وابسته مشخص شده را بنویسید.

الف) برنامه کدام سفر؟      ب) دوست بسیار مهربان

پاسخ: الف - صفت مضاف الیه      ب - قیدصفت

– نوع وابسته و وابسته مشخص شده را تعیین کنید.

متوجه شدم قدرت قلم این نویسنده تا چه حد بوده است.

پاسخ: صفت مضاف الیه

– در نوشته زیر، نوع وابسته‌های وابسته مشخص شده را تعیین کنید.

هنگام مراجعه به بانک اعتبارات ایران، سیصد تومان پول تهیه کرده بودم.

پاسخ: به ترتیب: مضاف الیه مضاف الیه – ممیز

– در هریک از گروه‌های اسمی زیر، نوع وابسته و وابسته مشخص شده را تعیین نمایید.

الف) سه دست لباس ایرانی (ب) رنگ سبز چمنی

پاسخ: الف – ممیز ب – صفت صفت

– نوع هریک از وابسته‌های وابسته را در گروه‌های اسمی زیر، بنویسید.

الف) هوای نسبتاً پاک (ب) هفت فرسخ راه (ج) سموم سرد این عقل (د) بانک اعتبارات ایران

پاسخ: الف – قید صفت ب – ممیز ج – صفت مضاف الیه د – مضاف الیه مضاف الیه

– در بیت «محرم این هوش جز بی‌هوش نیست / مر زبان را مشتری جز گوش نیست»:

الف) وابسته و وابسته را مشخص کنید.

ب) نوع وابسته و وابسته را بنویسید.

پاسخ: الف – این ب – صفت مضاف الیه

#### وابسته‌های وابسته

هر یک از وابسته‌های هسته نیز می‌توانند همراه خود وابسته‌هایی بگیرند. در این صورت به آن‌ها وابسته‌های وابسته می‌گوییم.

– گوشه روشن وجدان تاریخ: (گوشه: هسته – روشن: صفت گوشه – وجدان: مضاف الیه – تاریخ: مضاف الیه وجدان)

– انواع وابسته‌های وابسته: مُمیز – مضاف الیه مضاف الیه – صفت مضاف الیه – صفت صفت – قید صفت

۱- ممیز: معمولاً برای شمارش تعداد یا اندازه و وزن موصوف (هسته)، میان صفت شمارشی (= عدد) و موصوف (= معدود) آن، اسمی می‌آید که وابسته عدد است و «ممیز» نام دارد.

(ممیزها بدون نقش نمای اضافه اند.)

– سه دستگاه اتومبیل (سه: صفت شمارشی = وابسته پیشین / دستگاه: ممیز = وابسته وابسته / اتومبیل = هسته)

– چهار واحد آپارتمان – سه شاخه گل – سه ماه دلتنگی – دو قاشق عسل – یک گالن شیر

نکته مهم: ممیز با عدد همراه خود، یک جا وابسته هسته می‌شود.

– ممیزها عبارت اند از:

برای وزن: تُن / کیلو / کیلو گرم / گرم / مَن = ۳ کیلو / سیر (= ۷۵ گرم) / مثقال / ..

برای طول: فرسخ (فرسنگ = ۶ کیلومتر) / کیلومتر / متر / سانی متر / میلی متر / ...

برای تعداد معینی لباس / میز و صندلی / ظرف / دست

برای پارچه: توپ / طاقه (قواره برای مقدار پارچه مخصوص یک دست لباس)

برای پتو / زیلو / فرش: تخته

برای وسایل و لوازم الکتریکی: دستگاه

برای بسیاری از اشیا: تا (واحد شمارش «تا» و «عدد» عمومیت دارند و به جای دیگر واحدهای شمارش به کار می‌روند.)

برای شعر: مصرع، مصراع / بیت / بند / قطعه / صفحه / دفتر / خروار

برای شمارش لباس / جوراب / حوله / کفش / دستکش: جفت یا جین

برای حیوانات به غیر از شتر: رأس

برای پلنگ و سگ: قلاده

برای گل / سیم / لوستر / نبات: شاخه

برای جوجه، ماهی، زمین، باغ: قطعه

برای خانه / دکان / باغ: باب

برای دکان: دهنه

برای گونی / بسته تجارتي محتوی پارچه: عدل

برای توپ جنگی: عزاده

برای کشتی / هواپیما: فروند  
 برای تفنگ / سلاح کمری / خنجر / شمشیر: قبضه  
 برای قنات / مروارید / چاه / گردن بند / دستبند: رشته  
 برای چاه / فیلم / نوار / گوشواره / انگشتری: حلقه  
 برای کاغذ / مقوا / ورق های فلزی: بند / ورق  
 برای مایعات: لیتر / گالن / کیل / پیمانه  
 برای شتر و اسب بزرگ: کاروان  
 برای تیر: چوبه

نکته مهم: تمیز، تنها وابسته وابسته است که قبل از هسته می آید، دیگر وابسته های وابسته، بعد از هسته می آیند.  
 نکته بسیار مهم: برخی دیگر از صفت های پیشین مثل «چند» و «هر» و صفت های اشاره نیز می توانند تمیز بگیرند.  
 - هر عدد پرتقال، چند اصله درخت، این واحد آپارتمان، چندین ساعت راه پیمایی  
 - چند نمونه از تمیز ابتکاری: تاریخ (یک تاریخ سرما) - عمر (یک عمر رنج و بدبختی) - سینه (یک سینه برنج - نوع / گونه / جور (سه نوع تمرین / این گونه تمرین / هر جور غذا) - رکعت ( دو رکعت عشق - بغل (یک بغل گل) - رنگ (دو رنگ پلو) - کلمه (دو کلمه حرف حساب)  
 نکته بسیار مهم: گاهی تمیزها نقش نمای اضافه می گیرند که در این صورت تمیز نیستند، بلکه خود هسته اند.  
 - یک شاخه گل، یک تار مو  
 ۲- مضاف الیه مضاف الیه:

اسم + نقش نمای اضافه + اسم / ضمیر / صفت جانشین اسم  
 «مضاف الیه می تواند مانند هسته با نقش نمای اضافه، به اسم دیگری بپیوندد و مضاف الیه بگیرد.»  
 - خانه همسایه ما

در این گروه اسمی، «ما» مضاف الیه همسایه است. بنابراین وابسته وابسته است نه وابسته هسته.  
 - قدرت قلم نویسنده (نویسنده: صفت جانشین اسم = م الیه م الیه)  
 ۳- صفت مضاف الیه:

اسم + نقش نمای اضافه + اسم + نقش نمای اضافه + صفت بیانی :  
 - شاگرد پایه دوازدهم  
 اسم + نقش نمای اضافه + صفت غیر بیانی (صفت پیشین) + اسم:  
 - اسیر همان فرد

مضاف الیه گاهی وابسته ای چون خود (م الیه) و گاهی وابسته ای چون (صفت) را نیز می پذیرد.  
 این صفت ها می توانند وابسته های پیشین مضاف الیه و یا وابسته های پسین مضاف الیه باشند.  
 - رنگ این اتاق. (رنگ هسته است و اتاق مضاف الیه. «این» صفت اشاره و وابسته پیشین اتاق است. پس وابسته وابسته محسوب می گردد.)  
 - کتاب استاد دلسوز: (کتاب: هسته، استاد: م الیه و دلسوز: صفت استاد و وابسته مضاف الیه است.)  
 - در جمله زیر وابسته های وابسته (صفت مضاف الیه) را نشان دهید.  
 «برای کسانی که در کنار گوارترین چشمه ها چادر می افراشتند.»  
 پاسخ: کنار گوارترین چشمه: صفت مضاف الیه  
 ۴- صفت مضاف:

اسم + نقش نمای اضافه + صفت بیانی (معمولاً رنگ) + نقش نمای اضافه + صفت بیانی (معمولاً رنگ)  
 اگر در یک گروه اسمی، صفتی داشته باشیم و آن رنگ باشد، آن صفت، می تواند صفت دیگری نیز بگیرد تا آن (رنگ) را بیشتر معرفی کند و در مورد آن توضیح دهد  
 - لباس آبی آسمانی

«آبی» صفت لباس و «آسمانی» صفتی است که میزان و کیفیت صفت قبل از خود را توضیح می دهد.  
 در واقع، آسمانی صفتی است که آبی را توضیح می دهد و نه لباس را. پس وابسته وابسته است.  
 نکته بسیار مهم: به ندرت صفاتی چون «واقعی/حقیقی/ظاهری» در وصف صفات دیگر به کار می روند.

- انسان موفق واقعی  
 - انسان موفق ظاهری (واقعی - ظاهری: صفت صفت)  
 نکته بسیار مهم: اگر دو صفت پی در پی بعد از هسته بیایند و رنگ را بیان نمایند در آن صورت آن هسته، وابسته ی پسین دارد.

دیوار بلند زیبا

تمرین:

- در متن زیر «صفت صفت» را بیابید.  
 «خورشید ابروهای قمچیلی را بالا کشید و نور زرد کم رنگش را از روی پرده رنگ و رو رفته آسمون جمع کرد و برای ماه که داشت با طنازی، پیراهن نقره ای خوش رنگش را به رخ می کشید، دستی تکان داد و خودش را پشت کوه هایی که رنگ قهوه ای سیرشان به سیاهی می زد، پنهان کرد.»  
 پاسخ: نور زرد کم رنگش      پیراهن نقره ای خوش رنگش      رنگ قهوه ای سیرشان.

۵- قید صفت: قیدی که در میان یک ترکیب وصفی (= صفت آن ، بیانی باشد). بیاید.  
اگر در یک گروه اسمی قیدی بیاید که اندازه و درجه صفت پس از خود را مشخص کند، به آن «قید صفت» می‌گوییم. از آنجایی که این قیده‌ها درباره کیفیت و چگونگی صفت‌ها توضیح می‌دهند، بنابراین وابسته صفت هستند نه هسته.

- مثال: جاده بسیار پریچ



- هوای نه چندان پاک، جاده بسیار خطرناک، چاقوی خیلی تیز  
نکته بسیار مهم: (تمام واژه‌های تنوین دار) و معمولاً (به شدت/خیلی/همواره/همیشه/سخت/زود/دیر/بسیار) می‌توانند به عنوان قید صفت به کار روند.  
- آسمان همیشه آبی - کشتی روز به گل نشسته

### زمان دقیق افعال

- در عبارت زیر، زمان فعل‌های مشخص شده را دقیقاً تعیین کنید.  
«صدای بلدرچین یک دم قطع نمی‌شود. جوجه کبک‌ها، خط و خال انداخته‌اند.»  
پاسخ: به ترتیب: مضارع اخباری - ماضی نقلی  
- باتوجه به سروده زیر، زمان فعل می‌خواهم مضارع اخباری است یا آینده ؟  
«و در بهاران، عشق من! / خندهات را می‌خواهم / چون گلی که در انتظارش بودم»

پاسخ: مضارع اخباری

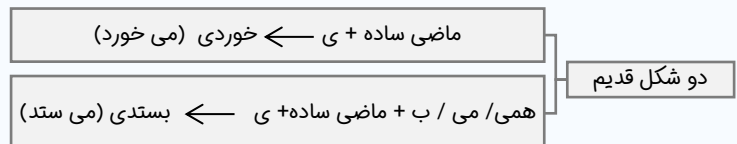
### درس نامه زمان افعال



- انواع ماضی: ساده (مطلق) - استمراری - نقلی - بعید - مستمر (ملموس) - التزامی

۱- ماضی ساده = بن ماضی + شناسه

۲- ماضی استمراری = می + ماضی ساده



۳- ماضی نقلی = بن ماضی + ه (= صفت مفعولی) + فعل کمکی یا معین (ام / ای / است / ایم / اید / اند)  
توجه: شناسه را نباید با فعل کمکی موجود در ماضی نقلی یکی دانست.

فعل کمکی: ام / ای / است / ایم / اید / اند شناسه: م / ی / ۰ / یم / ید / ند

۴- ماضی بعید = بن ماضی + ه + فعل کمکی (بود) + شناسه

۵- ماضی التزامی = بن ماضی + ه + فعل کمکی (باش) + شناسه

۶- ماضی مستمر (ملموس) = بن ماضی از مصدر فعل کمکی داشتن = داشت + شناسه + ماضی استمراری از فعل اصلی

مثال: داشتم می آمدم - داشتی می آمدی

- انواع مضارع: اخباری - التزامی - مستمر

۱- مضارع اخباری = می + بن مضارع + شناسه

- چند نکته ی مهم:

الف) افعال (است/ هست/ نیست) یک ساخت بیشتر ندارند، مضارع به شمار می روند و بن مضارعشان (باش) می باشد.

ب) فعل (دارد) مضارع اخباری است.

پ) گاهی سوم شخص مفرد ماضی استمراری با دوم شخص جمع مضارع اخباری مشکل ایجاد می کنند.

( مثال: فهمیدن - پرسیدن - بخشیدن - طلبیدن - پریدن - دویدن) علت این اشتباه وجود بن مضارع در این افعال است.

ت) در شعر و نثر دو فعل مضارع اخباری و مضارع التزامی باید معنی شوند، در صورتی که (ب) نیاز داشته باشند التزامی، و اگر (می) نیاز داشته باشند اخباری اند.

۳- مضارع مستمر یا ملموس = بن مضارع فعل کمکی از مصدر داشتن = دار + شناسه + مضارع اخباری از فعل اصلی

مثال: دارم می گویم - داری می گویی

دو نکته ی مهم:

الف) نحوه ی منفی ساختن این فعل هم چون فعل ماضی مستمر است.

دارم می گویم ← منفی نمی گویم

ب) در دو فعل ماضی مستمر و مضارع مستمر از پیش وند (می) + (فعل کمکی) استفاده می شود و سایر اجزای جمله میان فعل کمکی و فعل اصلی قرار می گیرند.

مثال: داشتم با دوستانم غذا می خوردم. / دارد از ته دل می خندد.

- آینده = بن مضارع فعل کمکی از مصدر خواستن ← خواه + شناسه + بن ماضی از مصدر اصلی (= مصدر مرخم)

مثال: خواهم خورد - خواهی خورد

- فعل امر = دو ساخت دارد (دوم شخص مفرد "برو" / دوم شخص جمع "بروید") ← ب + بن مضارع

امر ساده = بن مضارع به تنهایی

امر تأکیدی = ب + بن مضارع

امر مستمر = می / همی + امر ساده

- نکته ی بسیار مهم درباره ی دوم شخص جمع امر و مضارع التزامی:

در صورتی که فعلی در جمله به همراه واژه های (التزام یا احتمال / تمنا) بیاید دوم شخص جمع مضارع التزامی است و در غیر این صورت دوم شخص جمع فعل امر است.

### کاربرد معنایی افعال

- در بیت زیر، فعل های مشخص شده را از نظر کاربرد معنایی بررسی کنید.

«گفت: نزدیک است والی را سرای آن جا شویم گفت: والی از کجا در خانه خمار نیست؟»

پاسخ: برویم - وجود ندارد

- کاربرد معنایی فعل «نیست»، در کدام مصراع، اسنادی و در کدام مصراع، غیراسنادی است؟

«زاهد ظاهرپرست از حال ما آگاه نیست در حق ما هر چه گوید جای هیچ اکراه نیست»

پاسخ: مصراع اول: اسنادی و مصراع دوم: غیراسنادی

- کاربرد معنایی فعل «نیست» در کدام مصراع، اسنادی و در کدام مصراع، غیراسنادی است؟

الف) گفت مسجد خوابگاه مردم بدکار نیست ب) گفت والی از کجا در خانه خمار نیست؟!

پاسخ: مصراع اول: اسنادی و مصراع دوم: غیراسنادی

### مرجع ضمیر

مرجع: اسمی که ضمیر به جای آن می نشیند.

- حقیقت همان اندازه رایج خواهد شد که ما آن را رواج می دهیم. (حقیقت: مرجع ضمیر)

- گاليله قدم به قدم سرنوشت خویش را می سازد. (گاليله: مرجع ضمیر)

- نکته مهم: گاهی مرجع ضمیر به قرینه حذف می شود (به ویژه در اول شخص و دوم شخص)

- همیشه درد [م] را برای خود[م] نگه داشته ام

- اگر چشم های [تان] را روی هم بگذارید، برای [تان] قصه می گویم.

– باتوجه به سروده زیر به پرسش پس از آن پاسخ دهید.

«و در بهاران، عشق من! خندهات را می خواهم / چون گلی که در انتظارش بودم»

مرجع ضمیر شخصی پیوسته «ش» در واژه «انتظارش» چیست؟

پاسخ: خنده

– باتوجه به عبارت «از رد صدای شما می بایست پیدایتان می کردم.»

الف) نقش دستوری ضمیر پیوسته «تان»، متمم است یا مفعول؟

ب) مرجع ضمیر «تان»، «شما» است یا «صدا»؟

پاسخ: الف – مفعول      ب – شما

### نمونه سؤالات تلفیقی

۱- در جدول زیر، درست یا نادرست بودن هریک از توضیحات را تعیین کنید.

|     |                                                                                                                                  |      |        |
|-----|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|------|--------|
| الف | فعل «نیست»، در هردو مصراع بیت زیر، اسنادی است.<br>«سر من از ناله من دور نیست لیک چشم و گوش را آن نور نیست»                       | درست | نادرست |
| ب   | در بیت زیر واژه «برگ و بار» مفعول است.<br>«دیروز اگر سوخت ای دوست، غم برگ و بار من و تو / امروز می آید از باغ، بوی بهار من و تو» | درست | نادرست |
| ج   | در گروه اسمی «دوست بسیار مهربان»، واژه «بسیار» صفت صفت است.                                                                      | درست | نادرست |

پاسخ: الف – نادرست      ب – نادرست (م الیه)      ج – نادرست (قیدصفت)

۲- باتوجه به جمله «بوی شبدرد دوجین، هوا را عطر آگین ساخته است»، به سؤالات پاسخ دهید.

الف) نقش دستوری واژه «عطر آگین» را بنویسید.      ب) کدام واژه، «صفت مضاف الیه» است؟

پاسخ: الف – مسند      ب – دوجین

۳- باتوجه به متن زیر، به پرسشها پاسخ دهید.

«بخند؛ زیرا خنده تو / برای دستان من، / شمشیری است آخته. / خنده تو، در پاییز / در کناره دریا / موج کف آلوده اش را / باید بفرزاد.»

الف) ترکیب «موج کف آلوده»، «وصفی» است یا «اضافی»؟

ب) نقش دستوری واژه «شمشیر» چیست؟

ج) یک «گروه اسمی متمم» بنویسید.

د) کدام واژه داخل کمانک در مورد «زمان دقیق فعل» «برفرزد» درست است؟ (مضارع التزامی – مضارع اخباری)

پاسخ: الف – وصفی      ب – مسند      ج – دستان تو / پاییز / کناره دریا      د – مضارع التزامی

۴- در شعر: «چه حرف تازه ای برای گفتن مانده است یا چه چیز تازه ای برای نوشتن / که بتواند عشق مرا یا سجایای ارزشمند تو را بازگو کند؟»

الف) چند گروه اسمی «مفعولی» وجود دارد؟      ب) نوع حرف ربط «یا» را بنویسید.

پاسخ: الف – عشق مرا / سجایای ارزشمند تو      ب – همپایگی

۵- باتوجه به عبارت زیر به پرسشها پاسخ دهید.

«نامه را معلم کلاس سوم، برایم نوشته بود؛ به یاد گذشته ها و خاطرات پاریز.»

الف) در گروه اسمی «معلم کلاس سوم»، «هسته» کدام کلمه است؟

ب) نوع «وابسته وابسته» این گروه اسمی را بنویسید.

ج) کدام واژه نقش «تبعی» دارد؟

پاسخ: الف – معلم      ب – صفت مضاف الیه      ج – خاطرات

۶- باتوجه به سروده زیر به پرسش‌ها پاسخ دهید.

«آیا چیزی در مخیله آدمی می‌گنجد که قلم بتواند آن را بنگارد/ اما جان صادق من آن را برای تو ترسیم نکرده باشد؟!»

الف) یک پیوند «هم‌پایه‌ساز» بیابید و بنویسید. (ب) زمان کدام فعل، «مضارع اخباری» است؟

پاسخ: الف - اما      ب - می‌گنجد

۷- باتوجه به بیت زیر، به پرسش‌ها پاسخ دهید.

«صد تیغ جفا بر سر و تن دید یکی چوب      تا شد تهی از خویش و نیش نام نهادند»

الف) بیت را از شیوه «بلاغی» به شیوه «عادی» برگردانید.

ب) «واو» ربط (پیوند) در کدام مصراع این بیت به کار رفته است؟

پاسخ: الف - چوب، صد تیغ جفا بر سر و تن دید تا از خویش تهی شد      ب - مصراع دوم

۸- باتوجه به شعر «نان را، هوا را، روشنی را، بهار را، از من بگیر/ اما خنده‌ات را هرگز،

الف) کدام واژه حذف شده است؟ (ب) حرف ربط «هم‌پایه‌ساز» را مشخص کنید.

پاسخ: الف - [از من] بگیر      ب - اما

۹- باتوجه به ابیات زیر، به پرسش‌ها پاسخ دهید.

«سیاوش چنین گفت کای شهریار      که دوزخ مرا زین سخن گشت خوار

پر اندیشه شد جان کاووس کی      ز فرزند و سودابه نیک پی»

الف) کدام واژه در نقش منادا به کار رفته است؟

ب) کارکرد «را» در بیت اول چیست؟

ج) یک ترکیب اضافی در بیت دوم بیابید و بنویسید.

پاسخ: الف - شهریار      ب - حرف اضافه (برای من)      ج - جان کاووس کی

۱۰- باتوجه به نوشته زیر، به پرسش‌ها پاسخ دهید.

«برف کوه هنوز آب نشده است. گل و گیاه، پشم گوسفندان را رنگین کرده است. نامه برادر با من همان کرد که شعر و چنگ رودکی با امیر

سامانی.»

الف) ساختار دستوری کدام جمله مطابق با الگوی «نهاد + مفعول + مسند + فعل» است؟

ب) نوع «واو»، بین واژه‌های «شعر و چنگ» ربط است یا عطف؟

ج) زمان فعل «نشده است». ماضی نقلی است یا التزامی؟

د) در این عبارت، حذف فعل به قرینه لفظی است یا معنوی؟

پاسخ: الف - گل و گیاه، پشم گوسفندان را رنگین کرده است.      ب - واو عطف      ج - ماضی نقلی      د- قرینه لفظی

۱۱- باتوجه به بیت زیر، به پرسش‌ها پاسخ دهید.

گفت: «نزدیک است والی را سرای، آن‌جا شویم» گفت: «والی از کجا در خانه خمار نیست؟»

الف) کارکرد «را» چیست؟ (ب) باتوجه به معنا، کدام فعل اسنادی است؟

پاسخ: الف - فک اضافه یا کسره اضافه      ب - است

#### کارکرد «را»

- گاهی در متون تاریخی به جمله‌هایی برخورد می‌نماییم که در آنها «را» به کار رفته است در حالی که کلمه‌ای که «را» بعد از آن قرار گرفته، مفعول نیست.

مثال: یو نصر را گفتم... / او را نام آتشک است.

الف - «را»ی نشانه مفعول

- جهاندار سودابه را پیش خواند      همی با سیاوش به گفتن نشاند

ب - «را» در معنای حرف اضافه «به» «برای» (= واژه قبل از ( را ) متمم است.)

- حرف «را» در معنای «به»: گفت: بونصر را (= به بونصر) بگوی که امروز درستم.  
 - «را» در معنای «برای»: و در هر سفری ما را (= برای ما) از این بیارند تا صدقه‌ای که خواهیم کرد...  
 پ - «را»ی فک اضافه یا بدل از کسره (اضافه گسسته)  
 گاهی «را» میان مضاف و مضاف‌الیه جدایی می‌اندازد و به جای کسره (نقش نمای اضافه) بعد از مالهیه قرار می‌گیرد. در این حالت معمولاً ابتدا مضاف‌الیه همراه را ذکر می‌شود و بعد از آن مضاف می‌آید.  
 این نوع را درمتون و اشعار کهن به فراوانی دیده می‌شود و امروز هم از آن در شعر و نثر استفاده می‌کنند.  
 - مرا اوج عزت در افلاک توست      به چشمان من کیمیا خاک توست  
 یعنی اوج عزت من در افلاک تو است. «را» در این مصرع بعد از مضاف‌الیه (من) قرار گرفته و آن را از اوج عزت (مضاف) جدا کرده است.  
 مرا اوج عزت = اوج عزت من  
 - دلم را داغ عشقی بر جبین نه      زبانم را بیانی آتشین ده  
 (داغ عشقی بر جبین دلم نه.) / دل(م‌الیه) و جبین (مضاف).  
 - پادشاهی او راست زبیده (زبیده او)  
 - گرگ را برگزند سر آن سرفراز (سر گرگ)  
 ت - نشانه را همراه با «مر» (= «مر» به جهت تأکید)  
 - ز عمر بهره همین است مر مرا که به شعر      به رشته می‌کنم این زر و دژ و مرجان را  
 در این بیت «را» همراه با «مر» فک اضافه است. (بهره من)

۱۲- در سروده «و نخستین احساس عشق را در جایی می‌جوید که خود در آن جا به دنیا آمده است».

الف) نوع زمان فعل «آمده است» را بنویسید. ب) ترکیب «احساس عشق» وصفی است یا اضافی؟

پاسخ: الف - ماضی نقلی      ب - ترکیب اضافی

۱۳- با توجه به نوشته زیر، درستی یا نادرستی موارد داده شده را تعیین کنید.

«عشق کردم از این که فهمیده‌اید، انهدام آن تیربار، کار من بوده است».

الف) زمان هر دو فعل «فهمیده‌اید» و «بوده است»، ماضی نقلی است.

ب) در گروه اسمی «انهدام آن تیربار»، واژه «تیربار» هسته گروه اسمی است.

پاسخ: الف - درست      ب - نادرست (انهدام: هسته)

۱۴- با توجه به بیت زیر، درستی یا نادرستی موارد داده شده را تعیین کنید.

«آن جا در آن برزخ سرد، در کوچه‌های غم و درد غیر از شب آیا چه می‌دید چشمان تار من و تو»

الف) نوع «واو» در هر دو مصراع، حرف ربط است.

ب) در مصراع دوم، یک واژه با نقش «مفعول» وجود دارد.

پاسخ: الف - نادرست (واو عطف)      ب - چه

۱۵- با توجه به متن زیر به پرسش‌ها پاسخ دهید.

«برخی در همان نخستین منزل، وادی طلب، به زاری زار، جان سپردند اما آنان که همت یارشان بود، پیش تر می‌رفتند».

الف) کدام گروه اسمی، نقش تبعی «بدل» دارد؟

ب) یک حرف ربط یا پیوند «همپایه‌ساز» بیابید و بنویسید.

پاسخ: الف - وادی طلب      ب - اما

۱۶- با توجه به بیت زیر، به پرسش‌ها پاسخ دهید.

«چنان آمد اسپ و قبای سوار      که گفنی سمن داشت اندر کنار»

الف) یک حرف ربط وابسته‌ساز بیابید. ب) ترکیب «قبای سوار» وصفی است یا اضافی؟

ج) کدام نقش تبعی در این بیت به کار رفته است؟

پاسخ: الف - که      ب - ترکیب اضافی      ج - معطوف (سوار)

۱۷- با توجه به بیت‌های زیر، درستی یا نادرستی موارد داده شده را تعیین کنید.

گفت: نزدیک است والی را سرای، آن‌جا شویم      گفت: والی از آن‌جا در خانه خمار نیست؟

گفت: تا داروغه را گوئیم در مسجد بخواب      گفت: مسجد خوابگاه مردم بدکار نیست»

الف) در بیت اول، فعل «شویم»، اسنادی و فعل «نیست»، غیراسنادی است.

ب) در بیت دوم، «خوابگاه مردم»، یک ترکیب اضافی و «مردم بدکار» یک ترکیب وصفی است.

پاسخ: الف - نادرست (هر دو غیر اسنادی)      ب - درست

۱۸- با توجه به بیت زیر، به پرسش‌ها پاسخ دهید.

«آن‌جا در آن برزخ سرد، در کوچه‌های غم و درد      غیر از شب آیا چه می‌دید چشمان تار من و تو؟»

الف) نوع «واو» در مصراع اول، حرف ربط است یا عطف؟      ب) در مصراع دوم، کدام واژه نقش «نهاد» دارد؟

پاسخ: الف - عطف      ب - چشمان

۱۹- در نوشته «فکر کردم اگر پیش‌تر بروم، به حتم گم می‌شوم. بر تلّ خاکی نشستم. حتّی اگر من صدایتان نمی‌کردم، متوجه حضور من نمی‌شدید.»

الف) زمان کدام فعل «مضارع التزامی» است؟

ب) در واژه «صدایتان»، نقش دستوری ضمیر پیوسته «تان» چیست؟

پاسخ: الف - بروم      ب - مفعول

۲۰- «هفت خوان را زادسرو مرو، / ... / آن هریوه خوب و پاک آیین روایت کرد؛ / خوان هشتم را / من روایت می‌کنم اکنون من که نامم ماث /»

الف) گروه اسمی «آن هریوه خوب»، چه نوع نقش تبعی دارد؟

ب) نقش دستوری واژه «اکنون» را بنویسید.

ج) واژه «هشتم» کدام یک از انواع وابسته‌های پسین است؟

د) در گروه اسمی «زادسرو مرو»، هسته را مشخص کنید.

پاسخ: الف - بدل      ب - قید      ج - صفت شمارشی ترتیبی با پسوند مُ      د - زاد سرو

۲۱- با توجه به سروده زیر، درستی یا نادرستی موارد داده شده را تعیین کنید.

«بر لب آن چاه / سایه‌ای را دید / او شغاد، آن نابردار بود / که درون چه نگه می‌کرد و می‌خندید / و صدای شوم و نامردانه‌اش در چاهسار گوش

می‌پیچید»

الف) واژه «شغاد» نقش تبعی «بدل» دارد.

ب) در این سروده، «چاهسار گوش»، یک ترکیب اضافی و «آن چاه» یک ترکیب وصفی است.

پاسخ: الف - نادرست (نقش مسند - نابردار: بدل)      ب - درست

۲۲- با توجه به مصراع «امروز می‌آید از باغ، بوی بهار من و تو»، به پرسش‌ها پاسخ دهید.

الف) نوع «واو»، حرف ربط است یا عطف؟      ب) نقش دستوری گروه اسمی «بوی بهار من و تو» چیست؟

پاسخ: الف - عطف      ب - نهاد

۲۳- با توجه به نوشته زیر، به پرسش‌ها پاسخ دهید.

«همراهی با شما را دوست‌تر داشتم. بی‌آن‌که بدانید تعقیبتان کردم و نفهمیدم چقدر از سنگرها فاصله گرفته‌ایم.»

الف) زمان کدام فعل «ماضی نقلی» است؟      ب) در واژه «تعقیبتان»، مرجع ضمیر پیوسته «تان» چیست؟

پاسخ: الف - گرفته‌ایم      ب - شما

۲۴- در عبارت «من بسیار کوشیده‌ام تا روی دست شاهان جا گرفته‌ام و برای آنان شکار کرده‌ام. آن به که مرا نیز معذور دارید.»

(الف) یک پیوند وابسته‌ساز و یک پیوند هم‌پایه‌ساز بیابید و بنویسید.

(ب) چه فعلی، حذف شده است؟ نوع حذف، لفظی است یا معنایی؟

پاسخ: الف - وابسته ساز: تا / که - هم پایه ساز: و  
ب - آن به [است]: معنایی

۲۵- باتوجه به جمله زیر، به پرسش‌ها پاسخ دهید.

«سیاوش، فرزند کاووس، شاه کیانی است که رستم به او رسم پهلوانی می‌آموزد.»

(الف) کدام گروه اسمی، نقش دستوری «مفعول» دارد؟

(ب) یک ترکیب اضافی و یک ترکیب وصفی بیابید و بنویسید.

(ج) گروه اسمی «شاه کیانی» مسند است یا بدل؟

پاسخ: الف - رسم پهلوانی

ب - ترکیب اضافی: فرزند کاووس / رسم پهلوانی - ترکیب وصفی: شاه کیانی  
ج - مسند

۲۶- باتوجه به بیت زیر، به پرسش‌ها پاسخ دهید.

«خاکی است که رنگین شده از خون ضعیفان  
این ملک که بغداد و ری‌اش نام نهادند»

(الف) نقش دستوری واژه «بغداد» چیست؟

(ب) یک ترکیب اضافی در بیت بیابید و بنویسید.

(ج) یک پیوند وابسته‌ساز در بیت بیابید و بنویسید.

پاسخ: الف - مسند  
ب - خون ضعیفان  
ج - که

۲۷- باتوجه به سروده زیر به پرسش‌ها پاسخ دهید.

چه حرف تازه‌ای برای گفتن مانده است یا چه چیز تازه‌ای برای نوشتن / که بتواند عشق مرا یا سجایای ارزشمند تو را بازگو کند؟»

(الف) نوع حذف به کار رفته در این سروده لفظی است یا معنایی؟

(ب) زمان فعل «مانده است»، ماضی نقلی است یا ماضی بعید؟

(ج) کدام واژه، وابسته پیشین اسم است؟

پاسخ: الف - برای نوشتن [مانده است]: لفظی  
ب - ماضی نقلی  
ج - چه (چه چیز)

۲۸- باتوجه به بیت‌های زیر به پرسش‌ها پاسخ دهید.

(۱) از سیم به سر یکی کله خود ز آهن به میان یکی کمر بند

(۲) ای مشت زمین بر آسمان شو بر وی بنواز ضربتی چند

(۳) ای مادر سر سپید، بشنو این پند سیاه‌بخت فرزند

(الف) در بیت اول، نوع حذف، قرینه لفظی است یا معنایی؟

(ب) کاربرد معنایی فعل «شو» اسنادی است یا غیراسنادی؟

(ج) یک ترکیب وصفی در بیت دوم بیابید.

(د) هسته گروه اسمی «این پند سیاه‌بخت فرزند» را تعیین کنید.

پاسخ: الف - معنایی  
ب - غیر اسنادی (برو)  
ج - ضربتی چند  
د - پند

۲۹- باتوجه به سروده زیر، به پرسش‌ها پاسخ دهید.

«داشتم می‌گفتم، آن شب نیز / سورت سرمای دی بیدادها مرکرد / و چه سرمای، چه سرمای! لیک، خوشبختانه آخر، سرپناهی یافتم جایی / ... قهوه‌خانه گرم و روشن بود، هم‌چون شرم... / همگنان را خون گرمی بود.»

الف) واژه «دی» کدام‌یک از انواع وابسته وابسته است؟

ب) زمان کدام فعل «ماضی مستمر» است؟

ج) نقش دستوری واژه «خوشبختانه» را بنویسید.

د) نوع واو مشخص شده را تعیین کنید.

پاسخ: الف - مضاف‌الیه مضاف‌الیه      ب - داشتم می‌گفتم      ج - قید      د - ربط

سؤالات نیمسال دوم امتحان نهایی دی ماه ۱۳۹۷ تا شهریور ۱۴۰۱

۱- مفهوم نشانه «ان» را در واژه‌های زیر بنویسید.

۱- بابکان - خندان (خرداد ۱۳۹۸)

۲- دیلمان - (شهریور ۱۳۹۸ و دی ماه ۱۳۹۹ و خرداد ماه ۱۴۰۰) - کوهان (شهریور ۱۳۹۸ و خرداد ماه ۱۴۰۰)

۳- کوهان شتر - درفش کاویان (شهریور ۱۳۹۹)

۴- خواهان (دی ماه ۱۳۹۹ و خرداد ۱۴۰۰)

پاسخ: ۱- به ترتیب: نسبت (منسوب به بابک) - صفت فاعلی      ۲- به ترتیب: مکان - شباهت (مانندکوه)

۳- به ترتیب: شباهت (مانندکوه) - نسبت (منسوب به کاه)      ۴- صفت فاعلی

۲- کاربرد نشانه «ان» در کدام گزینه با سایر گزینه‌ها متفاوت است؟

الف) بامدادان      ب) سحرگاهان      ج) خاوران      د) بهاران

پاسخ: ج) خاوران (مکان)      دیگر گزینه‌ها: زمان

۴- باتوجه به سروده‌های زیر، مفهوم «ان» را در واژه‌های «بهاران» - پروازکنان - خندان بنویسید.

۱- «و در بهاران، عشق من! / خنده ان را می‌خواهم / چون گلی که در انتظارش بودم» (دی ماه ۱۳۹۹)

۲- «اما خنده‌ات که رها می‌شود / و پروازکنان در آسمان مرا می‌جوید...» (شهریور ماه ۱۴۰۰)

۳- «اگر خونین دلی از جور ایام      لب خندان بیاور چون لب جام» (شهریور ماه ۱۴۰۱)

پاسخ: ۱- زمان      ۲- صفت فاعلی      ۳- صفت فاعلی

۵- کاربرد نشانه «ان» در واژه «خواهان» با کاربرد این نشانه در کدام گزینه یکسان است؟

الف) خاوران      ب) سپاهان      ج) گریزان      د) پایان

پاسخ: ج - صفت فاعلی

۶- درست یا نادرست بودن مورد زیر را تعیین کنید.

«ان» در دو واژه «خاوران و شامگاهان» نشانه مکان است.

پاسخ: نادرست (خاوران: مکان - شامگاهان: زمان)

#### کاربرد «ان»

- نشانه جمع، مکان، زمان، صفت یا قیدساز، شباهت و ...

(ان) صفت ساز یا (ان) پسوند صفت فاعلی حالیه (بن مضارع +ان): نالان - خندان - نگران - گریان - لرزان - خواهان

- زلیخا بهر یوسف سخت گریان بود / نگران با من استاده سحر

(ان) نشانه جمع: شبان - روزان

- مهربانان مهربانی می‌کنند

با یتیمان همزبانی می‌کنند

- سعدی به روزگاران مهری نشسته بر دل      بیرون نمی‌توان کرد الا به روزگاران

- گولان و خواران بار بردار      به ز آدمیان مردم آزار

(ان) نشانه زمان، هنگام: پاییزان - بهاران - بامدادان - شامگاهان - سحرگاهان - سپیده دمان  
 - بگذار تا بگریم چون ابر در بهاران (نشانه زمان) کز سنگ ناله خیزد روز وداع یاران (نشانه جمع)  
 - سحرگاهان، خروس صبح اگر می خواند گروهی تیره جان بی سعادت را صلا می زد  
 (ان) نشانه ی مکان: گیلان - دیلمان - خاوران - باختران - چناران - توران  
 - کندوان (هرچند برخی آن را واژه ساده می دانند)  
 (ان) مربوط به ذات واژه: دامان - جوان - طوفان - ایمان - حیوان - انسان - سیمان - دندان  
 (ان) پسوند نسبت: «نسبی»: جانان - ماهان - اشکان (منسوب به اشک، اشکانیان) - بابکان - کاویان (منسوب به کاوه آهنگر) - سیاوشان  
 پسوند اسم مصدر (مصدر ساز/اسم ساز): یخبندان - حنابندان - برگریزان - آینه بندان - شیرینی خوران - عقد کتان - راه بندان  
 (ان) مانده یا ماندگی یا شباهت: کوهان - ماهان (مانند ماه/ماه مانند)  
 - گر چو تیغ آفتاب آن تیغ بر کوهی زنی کوه تا کوهان گاو آن زخم را نبود حجاب  
 - ناچه را چون ماه بر کوهان بود نام چرخ مشتری فالش کنم  
 توجه: «ان» در کوهان = کوه ها = نشانه جمع است نه شباهت  
 - اگر در دلم واجم «بگویم» به کوهان گر در کوهساران گل نرویی (چ کوه - نشانه جمع)  
 - کوه کوهان، مرد مردستان/ رستم دستان (چ کوه - نشانه جمع) - ابری از آن ره کوهان برخاست (چ کوه - نشانه جمع)

۱- در کدام بیت پسوند «ان» متفاوت است؟

- ۱) خنک هوشیاران فر خنده بخت که پیش از دهل زن بسازند رخت
- ۲) ز داندگان بشنو امروز قول که فردا نکیرت بیرسد به هول
- ۳) یکی در بهاران بیفشاند جو چه گندم ستاند به وقت درو
- ۴) به فتراک پاکان در آویز چنگ که عارف ندارد ز در یوزه ننگ

پاسخ: ۳ (ان) نشانه قیدساز «به هنگام بهار» (ان) در گزینه های ۱ و ۲ = نشانه جمع .

۲- «ان» در کدام مصراع ها، به ترتیب: «نشانه جمع، صفت فاعلی، نشانه نسبت» است؟

الف) کجا افتاد آن مجنون در این دوران نمی دانم

ب) چه می خواهد از این مسکین سرگردان نمی دانم

ج) به جز تو در همه گیتی دگر جانان نمی دانم

د) در این حدیقه هنوز از سیاهکارانم

- ۱) الف، ب، د      ۲) الف، د، ج      ۳) د، الف، ب      ۴) د، ب، ج

پاسخ: ۴ د (سیاهکاران: ان جمع) + ب (سرگردان: ان صفت فاعلی ساز) + ج (جانان: ان نسبت)

۳- مفهوم «ان» در کدام واژه ها، به ترتیب: «نشانه جمع، صفت فاعلی، نسبت، پسوند زمان» است؟

۱) روندگان، سخن سرایان، گیلان، خزان

۲) مردان، کیان، سپندان، سپیده دمان

۳) سخنگویان، گرگان، کوهان، بامدادان

۴) نیاکان، خرامان، بابکان، نوبهاران

پاسخ: ۴

قلمرو ادبی (آرایه)

سؤالات امتحان نهایی دی ماه ۱۳۹۲ تا شهریور ۱۴۰۱

تشبیه (مشبه / مشبه به / ادات / وجه شبه) - اضافه تشبیهی

استعاره - تشخیص

۱- در تشبیه مشخص شده عبارت زیر، «مشبه» کدام است؟

«آسمان کویر، این نخلستان خاموش و پرمهتابی که هرگاه مشت خونین و بی تاب قلبم را در زیر باران های غیبی سکوتش می گیرم، ناله های آن روح دردمند را می شنوم.»

پاسخ: قلب / قلبم

۲- با توجه به ابیات «تا واره‌ی از دم ستوران

با شیر سپهر بسته پیمان

وین مردم نحس دیوماند

با اختر سعد کرده پیوند»

الف) شیر سپهر استعاره از چیست؟ ب) مفهوم کلی دو بیت، خلق کدام آرایه را به یاد می آورد؟

پاسخ: الف - خورشید ب - حسن تعلیل

۳- در تشبیه به کار رفته در سروده زیر، مشبه و مشبه به را مشخص کنید.

«آن خداوند و سوار رخس بی مانند / آن که هرگز - چون کلید گنج مروارید - گم نمی شد از لبش لبخند»

پاسخ: مشبه: لبخند مشبه به: کلید گنج مروارید

۴- مشبه و مشبه به را در سروده زیر معلوم کنید.

«همگنان خاموش / گرد بر گردش، به کردار صدف بر گرد مروارید»

پاسخ: مشبه: همگنان مشبه به: صدف بر گرد مروارید

۵- قسمت مشخص شده متن زیر، بیانگر کدام آرایه ادبی است؟

«فرآش باد صبا را گفته تا فرش زمرّدین بگسترد و دایه ابر بهاری را فرموده تا بنات نبات در مهد زمین پیرورد.»

پاسخ: استعاره از سبزه و چمنزار

۶- با توجه به نوشته زیر، کدام یک از ترکیب های مشخص شده، آرایه استعاره وجود دارد؟

«آن شب نیز ماه با تلاؤ پر شکوهش از راه رسید و گل های الماس شکفتند.»

پاسخ: گل های الماس: ستارگان

۷- در سروده زیر، دو نمونه آرایه «تشخیص» بیابید و بنویسید.

«این گونه است که عشق جاودانی همواره معشوق را جوان می بیند / ... / و نخستین احساس عشق را در جایی می جوید که خود در آن جا به دنیا

آمده است / همان جا که شاید اینک دست زمان و صورت ظاهرش، مرده نشانش دهد.»

پاسخ: عشق - زمان

۸- آرایه استعاره را در بیت زیر مشخص کنید و مفهوم آن را بنویسید.

«برکن ز بن این بنا که باید از ریشه بنای ظلم برکند»

پاسخ: بنا (مصراع اول): ظلم

۹- با توجه به عبارت زیر به سؤالات پاسخ دهید.

«فرآش باد صبا را گفته تا فرش زمرّدین بگسترد و دایه ابر بهاری را فرموده تا بنات نبات در مهد زمین پیرورد.»

الف) یک مورد اضافه تشبیهی در متن بیابید. ب) کدام واژه، استعاره است؟ مفهوم آن چیست؟

پاسخ: الف - فراش باد صبا / دایه ابر بهاری / بنات نبات / مهد زمین

ب - فرش زمرّدین: استعاره از سبزه و چمنزار

### تشبیه

تشبیه چهار پایه یا رکن دارد:

**مشبه:** پدیده‌ای است که آن را به پدیده‌ای دیگر مانند می‌کنیم.

**مشبه‌به:** پدیده‌ای است که مشبه را به آن مانند می‌کنیم.

**وجه شبه:** ویژگی یا صفت مشترک میان مشبه و مشبه‌به است که در مشبه‌به پررنگ‌تر و آشکارتر است. مانند «کریم» در مصراع: گرت ز دست برآید چو نخل باش کریم.

**ادات تشبیه:** واژه‌ای است که آن را برای بیان شباهت میان دو پدیده (مشبه و مشبه‌به) به کار می‌بریم. واژه‌های: چو، مثل، مانند، گویی، هم‌چون، به‌سان، به‌کردار، به‌شیوه، به‌شکل و ...

«چون» و «وش»: این زبان چون سنگ و هم آهن وش است و آنچه بجهد از زبان، چون آتش است نمونه‌هایی از تشبیه:

از درون تو بود تیره جهان چون دوزخ  
دل اگر تیره نباشد همه دنیاست بهشت (انسانی خارج از کشور ۹۱)  
چهار رکن تشبیه: «جهان» مشبه «دوزخ» مشبه‌به، وجه شبه «تیرگی و تیره بودن» و «چون» ادات تشبیه.  
هوا همچون نگاه وحشتناک غارها حرکتی نداشت. (زبان ۸۳)  
هوا: مشبه؛ نگاه وحشتناک غارها: مشبه‌به؛ همچون: ادات؛ حرکتی نداشت: وجه شبه.

### انواع تشبیه از نظر پایه‌ها (ارکان):

**الف) تشبیه گسترده:** تشبیه‌ای که چهار رکن یا سه رکن را در خود داشته باشد.

از میان رکن‌های تشبیه ذکر مشبه و مشبه‌به ضروری است، اما وجه شبه و ادات تشبیه را می‌توان حذف کرد. تشبیه گسترده با چهار رکن: «قرآن مانند است به بهشت جاودان».

تشبیه گسترده با سه رکن: «شب سیه، بدان زلفان تو ماند / سپید روز، به خوبی رخان تو ماند» (ادات(ماند)

**ب) تشبیه فشرده:** تشبیه‌ای که فقط دو رکن اصلی یعنی مشبه و مشبه‌به دارد. حذف وجه شبه و ادات تشبیه، تشبیه را خلاصه کرده است. به این نوع تشبیه، تشبیه بلیغ نیز می‌گویند.

تشبیه فشرده گاه به صورت اضافی(مضاف ومضاف‌الیه)= اضافه تشبیه‌ی و گاه به صورت غیراضافی به صورت جمله اسنادی.

ادات تشبیه (چون/ مثل / مانند) در قلمرو زبانی حرف اضافه هستند و کلمه بعد از آن متمم خواهد بود.

برخی از ادات تشبیه دارای معانی دیگری نیز هستند و حتماً باید به آن توجه داشت چرا که ممکن است از همین امر برای پیچاندن سؤال استفاده شود. مانند: «چون» وقتی که به معنی «مثل و مانند» باشد، ادات تشبیه است و هرگاه به معنی «وقتی‌که و زمانی‌که» باشد دیگر ادات تشبیه نیست و حرف ربط است. بیت زیر هردو نمونه را داراست:

تبخال‌ها به ناله درآیند چون جرس/ از درد چون شود به فغان آشنا لبم

لب شاعر تبخال زده است و صدای ترکیدن آن را در هنگام ناله‌های شاعر به بانگ زنگ تشبیه کرده است.

تبخال‌ها مشبه؛ جرس: مشبه‌به؛ چون: ادات تشبیه؛ و به ناله درآمدن: وجه شبه.

«چون» در مصراع اول به معنی مثل و مانند و ادات تشبیه است اما در مصراع دوم چون به معنی وقتی‌که و زمانی‌که است و حرف ربط وابسته‌ساز می‌باشد.

گاهی ادات تشبیه در فعل می‌آید و باید به این امر توجه شود:

عالم بی‌عمل به چه ماند؟ به زنبور بی‌عسل. (ماند ادات تشبیه که حذف شده است.)

گاه شاعر از تشبیه برای خلق کنایه بهره می‌گیرد:

آمد سوی کعبه، سینه پر جوش/ چون کعبه نهاد حلقه در گوش

شاعر مجنون را به کعبه مانند کرده که «حلقه بر گوش» دارد و «حلقه در گوشی»، کنایه از اطاعت و فرمان‌بری مطلق است. وجه شبه در این ساختار کنایه، نقشی عمده دارد.

اضافه‌های تشبیه‌ای(تشبیه فشرده) رایج در ادبیات فارسی:

کیمیای عشق - اکسیرعشق - زنجیر گیسو - زنجیر مو - قدسرو - تیر مژگان - ماه رخسار - بیابان گمراهی - لب لعل - روی ماه - شاهد (یار زیبارو) آرزو - کمند نظر - کمند احسان - کمند گیسو - ماه چهره - شب گیسو - مهر (خورشید) آخ - طاق ابرو - محراب ابرو - سرو قامت - الف قد - جیم زلف - میم دهان - لام قامت - دُر دندان - سلسله زلف - تیرآه - دود آه - خرمن وجود - مس وجود - طرّه هندو - زلف هندو - موی میان - شراب فرقت - زندان عالم - دام زندگی - چاه مادیات - مضیق حیات - آیین دل - رنگار گناه - بار گناه - گوهر جان - گوهر عمر - نقد عمر - نقد جان - نقد جوانی - قدح لاله - گلبن عیش - تخم مهر - دهقان روزگار - چراغ دانش - حلیت دانش - چراغ هدایت - چراغ دوچشم - غواص خرد - مهد زمین - بحر مکاشفت - بنات نبات - مرغ دل - اقیانوس بیکران وجود(اقیانوس وجود) - پرده سیاه شب(پرده شب) - خار بلا - سیل اشک - دام هوس کاسه سر - بحر جان - ارا به زمان - مشت خونین(مشت قلبم) - طایر(پرنده) اندیشه

### استعاره

نقش کردم رخ زیبای تو در خانه دل

خانه ویران شد و آن نقش به دیوار بماند

شاعر در مصراع اول دل را به خانه تشبیه کرده است؛ سپس در مصراع دوم به سبب شباهت آن دو به هم، مشبه را حذف کرده و فقط مشبه‌به (خانه) را ذکر کرده است تا شباهت را تا مرحله یکی‌شدن نشان دهد؛ به این تصویر خیال‌انگیز استعاره می‌گویند.

در استعاره یک طرف تشبیه (مشبه یا مشبه‌به) ذکر نمی‌شود.

مثال برای حذف مشبه‌به: «خورشید شکفت»

خورشید به گل تشبیه شده است. شکفتن از ویژگی‌های گل است که به خورشید نسبت داده شده است.

انواع استعاره(انواع استعاره ویژه غیر تجربی و ریاضی):

۱- **استعاره مصرحه (آشکار):** استعاره‌ای که فقط مشبه‌به، به جای کل ارکان تشبیه قرار می‌گیرد و به راحتی از طریق مشبه‌به می‌توان به وجه شبه و مشبه دست یافت. نقش کردم رخ زیبای تو در خانه دل خانه ویران شد و آن نقش به دیوار بماند

در مصراع اول، شاعر، «دل» را به «خانه» تشبیه کرده است؛ سپس در مصراع دوم، به سبب شباهت آن دو به هم مشبه (دل) را حذف کرده و فقط مشبه به (خانه) را ذکر کرده است تا شباهت را تا مرحله یکی شدن نشان دهد.

نمونه‌هایی دیگر برای استعاره:

– مرا در خانه سروی هست کاندر سایه قدش فراغ از سرو بستانی و شمشاد چمن دارم (حافظ)  
«سرو» استعاره از یار خوش قد و بالاست.

– دما دم تلخ می‌گوید دعا گویان دولت را مکرر قند می‌ریزد لب لعل شکر بارش (حافظ)  
قند: استعاره از سخنان شیرین است.

– دیده آتشین من برکش و آتشم را بگش به آبی خوش

در مصراع اول «آتش» استعاره از بینایی است. اما این عبارت در دو مفهوم به کار رفته است.  
«آتش استعاره از بینایی، یا استعاره از عطش».

– در چراغ دو چشم او زد تیغ نامدش کشتن چراغ دریغ (نظامی)

«بگش درمفهوم خاموش کردن و برطرف کردن آمده است.» و چراغ در مصراع دوم بیت دوم، استعاره از چشم است.

– بر کن ز بن این بنا که باید از ریشه بنای ظلم بر کند

در مصراع اول، مقصود شاعر از «بنا = ظلم» است؛ یعنی شاعر، ظلم را به بنا تشبیه کرده است؛ سپس به سبب شباهت آن دو به هم، مشبه (ظلم) را حذف کرده و فقط مشبه به (بنا) را ذکر کرده است تا شباهت را تا مرحله یکی شدن نشان دهد.

**۲- استعاره مکنیه (بالکنایه):** در این نوع استعاره مشبه، به همراه یکی از اجزا یا ویژگی‌های مشبه می‌آید. این جزء یا ویژگی می‌تواند به شکل جمله بیاید یا به مشبه اضافه گردد.

استعاره مکنیه‌ای که «مشبه به» آن انسان باشد یعنی «مشبه» با ویژگی یا اجزای انسانی بیاید، تشخیص نامیده می‌شود.

– تو را ز کنگره عرش می‌زنند صفیر ندانمت که در این دامگه چه افتاده است

«کنگره عرش» استعاره مکنیه است. عرش چون کاخی است که حذف شده و جزئی از آن، با مشبه آمده است.

در ضمن در این بیت، «دامگه» استعاره از دنیاست. (استعاره مصرحه)

– دیده عقل مست تو، چرخه چرخ پست تو گوش طرب به دست تو، بی تو به سر نمی‌شود

«دیده عقل» و «گوش طرب» استعاره مکنیه از نوع تشخیص است چرا که شاعر بارزترین اجزای انسان را به عقل و طرب اضافه کرده است و یک استعاره مکنیه ساخته است.

– کس چو حافظ نگشود از رخ اندیشه نقاب تا سر زلف سخن را به قلم شانه زدند

(با قلم سر زلف سخن را شانه زدند) سه استعاره مکنیه از نوع تشخیص دارد که دوتای آن، به شکل اضافه استعاری و آخرین آن، به صورت جمله آمده است.  
شکفتن خورشید: خورشید به (گل: مشبه به محذوف) تشبیه شده است و (شکفتن) از ویژگی‌های گل است که به خورشید نسبت داده شده است.

نوع دیگر استعاره مکنیه از نوع تشخیص، مورد خطاب قرار دادن غیر انسان است.

ای بخارا شاد باش و دیر زی میر زی تو شادمان آید همی

ای ماه چو ابروان یاری گویی یا نی چو کمان شهریاری گویی (امیر موعزی)

ای زبان تو بس زیانی مرمرای چون توی گویا چه گویم من ترا

ای زبان هم گنج بی پایان توی ای زبان هم رنج بی درمان توی

ای صبا نکستی از کوی فلانی به من آر زار و بیمار غم راحت جانی به من آر

اضافه های استعاری (استعاره مکنیه) رایج در ادبیات فارسی

شکفتن دل - دیده عقل - گوش طرب - دوش فلک - کمر فلک - خنده جام - ناله نی - روییدن خاطرات - پرواز اندیشه - رُخ اندیشه - بال خیال - سر زلف - سرکوه - مشت درشت روزگار (مشت روزگار) - قلب فسرده زمین (قلب زمین) - دهن لاله - دل زمانه - اساس تزویر - بیخ غم - سنگینی گناه - ریشه دوستی - صولت خشم - فر یاد هستی - دامن خاک - روح کلام - پای گل - سینه کویر - پایه افکار (افکار هم چون خانه‌ای که پایه دارد) - عمق فکر (فکر هم چون دریایی که عمق دارد) - آغوش خوشبختی - سقف شب - دست طبیعت - عطر الهام - دست مرگ - روح یاران

## مجاز

– شاعر، در بیت زیر، با بیان کدام واژه، مفهومی غیرحقیقی (مجاز) اراده کرده است؟

«در پیشگاه اهل خرد نیست محترم هرکس که فکر جامعه را محترم نداشت»

پاسخ: جامعه (مردم جامعه)

– کدام یک از ترکیب‌های مشخص شده، مجاز است؟ مفهوم آن را بنویسید.

«ناله مرغ اسیر این همه بهر وطن است مسلک مرغ گرفتار قفس همچو من است»

پاسخ: مرغ اسیر (خود شاعر)

هر استعاره مصرحه ای (ذکر مشبه به و حذف مشبه)، نوعی مجاز است، اما هر مجازی استعاره نیست.

هر واژه یک معنای اصلی و یک یا چند معنای غیر اصلی دارد.

به معنای حقیقی واژه (حقیقت) اولین و رایج‌ترین معنایی که از یک واژه به ذهن می‌رسد) و به معنای غیرحقیقی آن، مجاز می‌گویند.

کلمه‌ای که در معنای غیر حقیقی به کار رفته باشد، مجاز نامیده می‌شود؛ به شرط آن که میان معنای حقیقی و معنای غیرحقیقی واژه، ارتباط و پیوندی برقرار شود.

– پشت دیوار آنچه گویی هوش دار تا نباشد در پس دیوار گوش

گوش اندام شنوایی است و در این معنا حقیقت است و نمی‌تواند در پس دیوار بیاید؛ شاعر در این بیت به مفهوم مجازی «گوش» یعنی «انسان سخن‌چین» تأکید دارد.

– بر سر آثم که گر ز دست برآید دست به کاری زنم که غصه سر آید

در مصراع اول، واژه‌های «سر» و «دست» به ترتیب درمفهوم مجازی «قصد و اندیشه» و «قدرت و اختیار» به کار رفته است.

- به خون گر کشی خاک من دشمن من بجوشد گل اندر گل از گلشن من  
واژه «خاک» در معنای مجازی سرزمین و وطن آمده است.  
- چو کاوه برون شد ز درگاه شاه بر او انجمن گشت بازارگاه  
بازارگاه مجاز از اهل بازار  
- از آن چرم کاهنگران پشت پای بیوشند هنگام زخم درای  
چرم مجاز از پیش بند چرمی  
- دلم را پس بده تا پیش دشمن سپر سازم اگر آید به چنگم  
دل: عشق و محبت - چنگ: توان و اختیار  
- مجازهای رایج در ادبیات فارسی

سر: فکرو اندیشه / قصد و آرزو / کل وجود - سینه: وجود و احساس - دل: احساس، میل/ جرئت - دست: اعمال و رفتار یا امکان و قدرت - جگر/ زهره: جرئت - زبان: سخن - کف: دست - حلق: دهان - شمشیر: جنگ - زر: سکه طلا - محمل: کاروان - مغاک: گور - قلم: خط و نوشته - جهان: مردم جهان - چشم: نگاه - حرف: سخن - در: موضوع - مجلس: حاضران در مجلس - گر: تیر گر - خورشید: نور آفتاب - روز: آفتاب - ابر: آسمان - ماه: نور ماه - شهر / کشور: مردم شهر، مردم کشور - نفس: سخن - نان: غذا و روزی - ترازو: قضاوت - نگین: انگشتر - خوان: سفره / غذا

### سجع

به واژه‌هایی که در پایان دو جمله بیایند و از نظر صامت‌ها و مصوت‌های پایانی، وزن یا هر دوی آن‌ها هماهنگ باشند «کلمات مسجع» و به آهنگ برخاسته از آن‌ها «سجع» می‌گویند.

انواع سجع (ویژه غیرتجربی و ریاضی)

۱- سجع مطرف: یکسانی در واج یا واج‌های پایانی. (فقط صامت و مصوت‌های پایانی آن یکی باشد).

- هرچه در دل فرو آید در دیده نکو نماید.

- پس اول پایه معرفت است و دوم پایه محبت.

۲- سجع متوازن: وزن واژه‌های پایانی دو جمله یکی است. (منظور از هم وزنی یکی بودن دو کلمه از نظر تعداد و نوع هجای آن است).

- مال از بهر آسایش عمر است نه عمر از بهر گردکردن مال

- ملک بی‌دین باطل است و دین بی‌ملک ضایع.

- الهی یک دل پر درد دارم و یک جان پر زجر.

- طالب علم عزیز است و طالب مال ذلیل.

۳- سجع متوازی: یکسانی در وزن و واج یا واج‌های پایانی

- توانگری به هنر است نه به مال و بزرگی به عقل است نه به سال.

- باران رحمت بی‌حسابش همه را رسیده و خوان نعمت بی‌دریغش همه‌جا کشیده.

- بدان که از جمله نام‌های حسن یکی جمال است و یکی کمال.

- در عبارت «عصاره تاکی به قدرت او شهید فایق شده و تخم خرمایی به تربیتش نخل باسق گشته.» واژگان «سجع» را بنویسید.

پاسخ: فایق - باسق / شده - گشته

- در عبارت «بدان که از جمله نام‌های حسن یکی جمال است و یکی کمال» کدام واژه‌ها «سجع» دارند؟

پاسخ: جمال - کمال

### جناس و انواع آن

آوردن کلماتی است در شعر و نثر که یا «از نظر معنی کاملاً متفاوت‌اند، اما از نظر شکل ظاهری و تلفظ یکسان» و یا «دو واژه که اختلافشان فقط در يك حرف است» یا «اختلاف در یک حرکت دارند».

- «دید پر روغن دکان و جامه چرب بر سرش زد گشت طوطی کل ز ضرب»

در این بیت کلمات «چرب» و «ضرب» در یک حرف اختلاف دارند و آرایه جناس ناهمسان (ناقص) را دربردارند.

- «گلاب است گویی به جویش روان همی شاد گردد به بویش روان»

کلمات «روان» (روح) و «روان» (جاری) که جز معنی، هیچ‌گونه تفاوتی از دید آوایی و نوشتاری با هم ندارند و جناس همسان (تام) را پدید آورده‌اند. نکته: جناس هم در شعر و هم در نثر به کار می‌رود.

انواع جناس:

الف) جناس همسان (تام): آن است که دو کلمه جناس از نظر شکل ظاهری و تلفظ کاملاً یکسان، اما از جهت معنی باهم فرق دارند.

- کار پاکان را قیاس از خود مگیر گرچه باشد در نوشتن شیر شیر

شیر اول حیوان و شیر دوم خوردنی

- نی حریف هرکه از یاری برید پرده‌هایش پرده‌های ما درید

پرده اول نغمه و آهنگ و پرده دوم حجاب و اسرار

- آتش است این بانگ نای و نیست باد هر که این آتش ندارد نیست باد

نیست مصراع اول فعل است و نیست مصراع دوم به معنی نابود، همچنین باد مصراع اول به معنی هوا و باد مصراع دوم فعل داعی است.

- عشق شوری در نهاد ما نهاد جان ما در بوتۀ سودا نهاد

نهاد جسم و نهاد دوم فعل، یعنی قرار دادن.

- کتابی که در او داد سخن آرای توان داد.

به ترتیب: داد: حق - داد: فعل.

ب) جناس ناهمسان (ناقص): ۱- جناس ناقص اختلافی ۲- جناس ناقص حرکتی ۳- جناس ناقص افزایشی

۱- جناس ناقص اختلافی: آن است که دو کلمه جناس در حرف اول، وسط یا آخر با هم اختلاف داشته باشند.

- هرکسی کاو دور ماند از اصل خویش باز جوید روزگار وصل خویش
- بگرای چو ازدهای گـرز بهخروش چو شرزه شیر ارغند
- بشنو این نی چون شکایت می‌کند از جدایی‌ها حکایت می‌کند
- در مقابله جفا، وفا کرد

۲- جناس ناقص افزایشی: آن است که دو کلمه جناس علاوه بر معنی، در تعداد حروف نیز متفاوت اند به‌طوری که یکی از کلمات جناس، حرفی در اول، وسط یا آخر نسبت به کلمه‌های دیگر اضافه دارد.

- تا چند ز من رمیده باشی با غیر من آرمیده باشی
- سگ را گشوده‌اند و سنگ را بسته.
- این که تو داری قیامت است نه قامت وین نه تبسم که معجز است و کرامت
- ۳- جناس ناقص حرکتی: آن است که دو کلمه جناس، علاوه بر معنی، در حرکت (مصوت کوتاه) نیز با هم اختلاف دارند.
- صبحدم ناله قمری شنو از طرف چمن تا فراموش کنی فتنه دور قمری
- بیت زیر را از نظر کاربرد جناس تام (همسان) بررسی کنید.
- «نی حریف هرکه از یاری بُرید پرده‌هایش پرده‌های ما درید»
- پاسخ: پرده به دومعنی به کاررفته است: اول، نغمه و آواز - دوم، حجاب و پوشش
- در مصراع «پرده‌هایش پرده‌های ما درید»، تفاوت معنایی «پرده»، آرایه ..... را پدید آورده است.
- پاسخ: جناس همسان یا تام

### مراعات نظیر (تناسب)

تناسب معنایی دو یا چند واژه.

جنس (انگشت و عقیق) - نوع (اندام‌ها و اعضای بدن / ماه‌های سال) - مکان (گهر و دریا) - زمان (شمع و شب) - همراهی (اعضای بدن) - ماجرا (لیلی و مجنون)

این آرایه بیش از هر آرایه دیگری در شعر و نثر فارسی به کاررفته است.

با بیان «بهار»، مفاهیمی همانند «درخت، گل، شکوفه، جوانه، شکفتن و ...» در ذهن تداعی می‌شوند و به صورت یک مجموعه یا شبکه با هم می‌آیند؛ به این‌گونه شبکه‌ها یا مجموعه‌ها شبکه معنایی می‌گویند. کاربرد مناسب شبکه معنایی در شعر و نثر، ضمن آن‌که به تداعی معانی کمک می‌کند، سبب زیبایی و دلنشینی سخن می‌شود و آرایه مراعات نظیر را پدید می‌آورد:

- ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری
- من مسلمانم / قیله‌ام یک گل سرخ / جانمازم چشمه، مُهرم نور / دشت سجاده من ...
- در بیت: «ای مشبّ زمین بر آسمان شو / بر وی بنواز ضربتی چند» واژگان مشخص شده چه آرایه‌ای را پدید می‌آورند؟
- پاسخ: مراعات نظیر

### تلمیح

اشارت و گوشه چشمی به موضوعی تاریخی، اساطیری، داستانی، آیه و سوره، حدیث، ضرب المثل.

در لغت به معنی اشاره کردن با گوشه چشم. در اصطلاح ادبی، آن است که سخنور در کلام خویش، به داستان، آیه، حدیث و مثل اشاره کند و تلمیح، گنجاندن یک مفهوم بلند در سخنی کوتاه است که معانی بسیار را در کمترین واژه‌ها جای می‌دهد و این ایجاز از جهت هنری بسیار مهم و قابل توجه است.

لازمه بهره مندی از تلمیح، آگاهی از دانسته ای است که شاعر یا نویسنده بدان اشاره می‌کند.

تلمیحات گاه مراعات نظیر نیز هستند.

ساده ترین راه یافتن این آرایه، وجود یک اسم غَلَم یا خاص در کلام است.

- گفت آن یار کزو گشت سَر دار بلند جرمش این بود که اسرار هویدا می‌کرد
- شاعر با یادآوری داستان بردار کردن حسین بن منصور حلاج (عارف بزرگ قرن چهارم) بر موسیقی معنایی کلام افزوده است.
- تلمیح به کار رفته در بیت زیر را در یک سطر توضیح دهید.
- «با آن که جیب و جام من از مال و می تهی است ما را فراغتی است که جمشید چم نداشت»
- پاسخ: اشاره به زندگی پادشاه اساطیری، جمشید. که جام جهان‌بینی داشت و در آن احوال، جهان را می‌دید.

### حس آمیزی

آمیختن دو یا چند حس و یا یک حس یا پدیده‌ای ذهنی (انتزاعی) در کلام را «حس آمیزی» گویند؛ مانند: «از صدای سخن عشق ندیدم خوشتر» به جای شنیدن «سخن»، «دیدن سخن» آمده است.

- «حرف‌هایم مثل یک تکه چمن روشن بود.»

روشن بودن حرف، یعنی روشن بودن امری دیدنی و حرف شنیدنی را با هم آمیخته است. (بینایی+شنوایی)

- سپهبد پرستنده را گفت گرم سخن‌های شیرین به آوای نرم

شاعر در این بیت در سه حس آمیزی زیبا به ترتیب: حس شنوایی و لامسه را در ترکیب «گفت گرم»، شنوایی و چشایی را در ترکیب «سخن‌های شیرین» و شنوایی و لامسه را در ترکیب «آوای نرم» با هم آورده است که این تعامل حواس با یکدیگر، موجب زیبایی آفرینی شده است.

- مصادیق حواس پنج گانه :

- بساوایی / لامسه: خشک، سخت، زیر، لطیف، گرم، داغ
- بینایی: رنگ‌ها، نور، تاریکی، تیرگی، تصاویر
- شنوایی: آهنگ، سخن، سکوت، صدا، جواب
- بویایی: عطر، رایحه، بو، بوییدن

چشایی: شیرین، تلخ، شور، طعم، چشیدن

- حس آمیزی گاه آمیختگی حواس با امور ذهنی و انتزاعی است.

- «آسمان فریبی آبی رنگ شد.» حس بینایی رنگ با امر ذهنی یعنی فریب آمیخته شده است و در پیوند با یک تشبیه (آسمان به فریب) بر زیبایی آن افزوده است.

- «نجوای نمناک علف‌ها را می‌شنوم.» نجوا شنیدنی است و شنیدن نیز با آن به کار می‌رود و در ابتدای امر حس آمیزی به نظر نمی‌رسد اما صفت نمناکی که جزء حس لامسه است، به نجوا که جزء حس شنوایی است، با هم ترکیب شده است و این حس آمیزی زیبا را ایجاد کرده است.

- صدای کودکانه اما خشک کلاش را در خود هضم می‌کرد. «صدای خشک».

حس آمیزی فقط پیوند حواس ظاهری نیست.

- مصادیق حواس معنوی: دعا، مناجات، عشق، شهادت، مرگ، عقل، گناه، شعر، دوستی، زندگی

- آمیزش دو حس باهم. ربط بی‌مورد واژه‌ای به یکی از حواس جسمانی (بینایی، شنوایی، بساوایی یا لامسه، بویایی، چشایی)

مانند: آواز مخملین - عقل سرخ - عطر الهام - آبی فریبی - بوی عشق - بوی مهربانی - شعر ترشیرین - شعر عنبرین - آه شعله - صدای روشن - حرف روشن - اخلاق نرم - رنگ امید - سلام خشک - سلام گرم - خبر تلخ - عشق شیرین - بهانه‌های رنگین - قصه رنگی - چشاندن لباس - چشیدن روشنی - نجوای نمناک - چشم پاسخ - خجالتی شیرین

### نکته‌های مهم:

۱- حس آمیزی فقط به شکل ترکیب اضافی دو حس با هم نمی‌آید، گاهی خود را به شکل جمله نشان می‌دهد:

- «بوی بهبود ز اوضاع جهان می‌شنوم.» بو مربوط به بویایی است ولی با حس شنوایی در فعل همراه شده و حس آمیزی ایجاد کرده است.

- از این حس تر شیرین، ز شاهنشاه عجب دارم که سر تا پای حافظ را چرا در زر نمی‌گیرد

- ما گرچه مرد تلخ شنیدن نه‌ایم؛ لیک تلخی که از زبان تو آید، شنیدنی است

«حس تر شیرین» دو حس لامسه و چشایی در یک ترکیب اضافی حس آمیزی ایجاد کرده‌اند.

۲- گاه به شکل قید یا مسند به اسم نسبت داده می‌شود:

- خط شکسته را هم محکم‌تر و بامزه‌تر از دیگران می‌نوشت.

- حس آمیزی به کار رفته در عبارت زیر را توضیح دهید.

«مثل کلاس گرم و پرشور حرف می‌زدید و مثل کلاس طنز و شوخی از کلامتان نمی‌افتاد.»

پاسخ: حرف گرم

حرف: شنوایی + گرم (لامسه)

- آرایه بارز عبارت زیر را بیابید و نام آن را بنویسید.

«معلم را دیدم که بر گرسی خود نشست و سپس با همان صدای گرم اما سخت که هنگام ورود با من سخن گفته بود، گفت: فرزندان، این بار آخر است که من به شما درس می‌دهم.»

پاسخ: حس آمیزی (صدای گرم)

### حسن تعلیل

حسن تعلیل در لغت به معنای دلیل و برهان نیکو آوردن است. اگرچه این دلیل و برهان واقعی، علمی یا عقلی نیست اما مخاطب آن را از علت اصلی دلپذیرتر می‌یابد. (شاعر یا نویسنده دلیلی غیر واقعی اما ادبی برای موضوعی بیان کند؛ به گونه‌ای که بتواند خواننده را قانع سازد) و این علت مبتنی بر تشبیه است.

- به صدق کوش که خورشید زاید از نفست که از دروغ سیه روی گشت، صبح نخست

شاعر سیه‌رویی صبح نخست را به سبب دروغ‌گویی آن می‌داند. (طلوع صبح کاذب و غروب زود هنگام امری طبیعی است)

- تا چشم بشر نبیند روی بنهفته به ابر چهر بند

شاعر پنهان شدن دماوند پشت ابر را نه به دلیل بلندی دماوند، بلکه به دلیل مخفی شدن از مردم می‌داند.

- تا واره‌ی از دم ستوران این مردم نحس دیو ماند

با شیر سپهر بسته پیمان با اختر سعد کرده پیوند

در اینجا هم شاعر بلندی کوه را، به دلیل پیمان بستن با خورشید و پیوند با سیاره مشتری می‌داند.

- بید مجنون در تمام عمر سر بالا نکرد حاصل بی‌حاصلی نژود به جز شرمندگی

در این بیت، شاعر برای شکل ظاهری و آویزان بودن شاخه‌ها و برگ‌های درخت بید، علتی شاعرانه اما غیر واقعی آورده است و آن، سرافکندگی بید به سبب بی‌ثمر و بی‌حاصل بودن است. این دلیل غیر واقعی اما ادبی برای موضوعی، جهت اقناع ذهن مخاطب را آرایه حسن تعلیل گویند.

سرافکندگی بید به سبب بی‌حاصلی علتی شاعرانه و غیر واقعی است.

- چو سرو از راستی برزد غم را ندید اندر جهان تاراج غم را «نظامی»

سرسیزی دایم سرو بدان جهت است که راست قامت است. در حالی که سرسیزی به راست قامت بودن سرو ربطی ندارد.

- هنگام سپیده دم خروس سحری دانی ز چه رو همی کند نوحه گری؟

یعنی که نمودند در آیین صبح از عمر شبی گذشت و تو بی‌خبری «خیام»

شاعر در این رباعی می‌گوید: خروس بدان سبب ناله سر می‌دهد که در آیین صبح، حقیقتی را می‌بیند و آن این است که از عمر ما روزی دیگر گذشته است و ما همچنان در بی‌خبری مانده ایم. (ناله سر دادن خروس در غم)

- درختان را دوست می‌دارم/ که به احترام تو قیام کرده‌اند/ و آب را / که مهر مادر توست. «موسوی گرمارودی»

خطاب شاعر به امام حسین علیه‌السلام، که علت دوست داشتن درختان به خاطر این است که ایستادنشان برای احترام به اوست و آب چون مهر مادر ایشان است، قابل احترام است.

- ای کعبه به داغ ماتمت نیلی‌پوش وز تشنگیات فرات در جوش و خروش «محمدعلی مجاهدی»

در این شعر علت پوشش کبود کعبه و امواج خروشان فرات را به علت داغداری در عزای حضرت عباس و تشنگی وی در هنگام شهادت می‌داند.

- کنون که در چمن آمد گل از عدم به وجود بنفشه در قدم او نهاد سر به سجود

شاعر علت سر به زیر بودن گل بنفشه را به وجود آمدن گل می داند.  
 - باران همه بر جای عرق می چکد از ابر  
 شاعر علت باریدن باران را عرقی می داند که ابر در برابر لطافت روی یار می ریزد.  
 - ذره را تا نبود همت عالی حافظ  
 طالب چشمه خورشید درخشان نشود  
 شاعر علت طبیعی بالا رفتن ذرات معلق در فضا را از بلند همتی ذره می داند.  
 - من موی خویش را نه از آن می کنم سیاه  
 تا باز نوجوان شوم و نو کنم گناه  
 چون جامه ها به وقت مصیبت سیاه کنند  
 من موی از مصیبت پیری کنم سیاه  
 شاعر علت رنگ کردن موی خود را در هنگام پیری چنین ذکر می کند: چون در هنگام مصیبت، مردم لباس سیاه می پوشند، من هم از مصیبت پیری موی خود را سیاه می کنم.  
 - گر شاهدان نه دینی و دین می برند و عقل  
 پس زاهدان برای چه خلوت گزیده اند؟  
 شاعر علت گوشه نشینی زاهدان را در امان بودنشان از دست شاهدان می داند که دنیا و دین و عقل را غارت می کنند.  
 - بید درخت عزیزی است اما همواره بر خود می لرزد. در شهرها و آبادی ها نیز بیمناک است، که هول کویر در مغز استخوانش خانه کرده است.  
 نویسنده علت لرزش درخت بید را ترس از بودن در کویر ذکر کرده است.  
 - خاک بغداد به مرگ خلفا می گرید  
 و نه این شط روان چیست که در بغداد است؟  
 شاعر علت جاری بودن رود دجله در بغداد را گریستن خاک آن شهر به مرگ خلفا می داند و حال آنکه می دانیم جاری بودن رود در بغداد امری طبیعی است.  
 - رسم بدعهدی ایام چو دید ابر بهار  
 گریه اش بر سمن و سنبل و نسرين آمد  
 حافظ علت باران بهاری را گریه ابر بهاری به علت بدعهدی ایام می داند.  
 - ذره را تا نبود همت عالی حافظ  
 طالب چشمه خورشید درخشان نشود  
 حافظ علت رسیدن ذرات معلق در هوا به خورشید را بلند همتی آنان می داند.  
 - به سرو گفت کای میوه ای نمی آری  
 جواب داد که آزادگان تهی دستند  
 سرو علت میوه نداشتن خود را که نشان از تهی دستی درخت هم هست آزادی می داند.  
 - اشک غماز من از سرخ برآمد چه عجب  
 خجل از کرده خود پرده دری نیست که نیست  
 در این بیت حافظ دلیل سرخی اشک خود را خجالت اشک از فاش کردن راز شاعر می داند.

#### اسلوب معادل

بیان مطلبی در دو عبارت مستقل، به نحوی که یکی از طرفین معادلی است برای تأیید عبارت دیگر؛ چنان که زیبایی آفرینی آن بر پایه شباهت باشد.  
 به عبارتی دیگر، معمولاً مفهومی ذهنی در یک مصراع یا بیت و مفهومی محسوس در مصراع دیگر برای تأیید آن می آید. مفهومی یکسان با دو شیوه بیان و هر گاه در بیتی شاعر بخواهد مصراعی را در حکم مصداقی برای مصراع دیگر بیاورد، به طوری که می توان جای دو مصراع را عوض کرد یا میان آن دو علامت = گذاشت. این ارتباط بر پایه تشبیه است. معمولاً ابتدا مصراع دوم و سپس مصراع اول معنی می شود و میان دو مصراع در هنگام معنی کردن واژه همان طوری که ذکر می شود.  
 - مستمع صاحب سخن را بر سر کار آورد  
 غنچه خاموش، بلبل را به گفتار آورد «صائب»  
 در این بیت، مصراع دوم در حکم مصداقی برای مصراع اول است؛ به گونه ای که می توان جای دو مصراع را عوض کرد؛ در واقع شاعر بر پایه شباهت بین دو مصراع، ارتباط معنایی برقرار کرده است.  
 در اسلوب معادله، هریک از مصراع ها استقلال معنایی و نحوی دارند؛ به گونه ای که یکی از طرفین، معادل و مصداقی برای تأیید مفهوم طرف دیگر است.  
 شروط اصلی اسلوب معادله:

- ۱) یک مصراع حکم کلی و مصراع دیگر مثال.
  - ۲) بین دو مصراع رابطه شباهت (همان طور که / هم چنان که) با معنی دار باشد.
  - ۳) بین دو مصراع ربط دستوری یا حرف وابسته ساز (که / تا / ..... /) نباشد و یا مصراع دوم ادامه معنای مصراع اول نباشد. (حداقل یک مثال برای یک منظور در دو مصراع یافت شود).
- دو مصراع در ظاهر هیچ گونه ارتباطی با یکدیگر ندارند اما با اندکی دقت در می یابیم که مصراع دوم در حکم مصداقی (دلیل راستی سخن) برای مصراع اول است و می توان جای دو مصراع را عوض کرد یا میان آن دو، علامت مساوی (=) گذاشت.  
 این ارتباط معنایی بر پایه تشبیه است.  
 اسلوب معادله در اشعار سعدی و صائب تبریزی بیشتر دیده می شود.

- مثال هایی از اسلوب معادله

|                                                                                                          |                                       |               |
|----------------------------------------------------------------------------------------------------------|---------------------------------------|---------------|
| عشق چون آید برد هوش دل فرزانه را                                                                         | = دزد دانا می کشد اول چراغ خانه را    | «زيب النساء»  |
| - شانه می آید به کار زلف در آشفگی                                                                        | = آشنایان را در ایام پریشانی بپرس     | «سليم طهرانی» |
| - عشق بر یک فرش بنشانند گدا و شاه را                                                                     | = سیل، یکسان می کند پست و بلند راه را | «غنی کشمیری»  |
| - محرم این هوش جز بی هوش نیست                                                                            | = مر زبان را مشتری جز گوش نیست        | = «مولوی»     |
| - از تنگی دل است که کم گریه می کنم                                                                       | = مینای غنچه زود نریزد گلاب را        |               |
| (کم گریه کردنم به خاطر تنگ بودن دلم است = همان طور که کسی گلاب را در مینای غنچه نمی ریزد. «مینا = آیین») |                                       |               |
| تنگی دل ← مینای غنچه                                                                                     | گریه ← گلاب                           |               |

- به نرمی، تندخویان را دلیل خود توان کردن  
 کند خاکستر آخر زیر دست خویش، اخگر را  
 نرمی به خاکستر - تندخویان به اخگر  
 به استقبال جانان عاشق دیوانه می آید  
 به شمع - عاشق به پروانه  
 تو را رمزی است در خوبی که هر کس آن نمی داند  
 خطی گل بر ورق دارد که جز بلبل نمی داند  
 رمز به خط

نرگس شود افسرده، چو در آب نباشد  
جای چشم ابرو نگیرد گرچه او بالاتر است

از نکته خود نیستت به هر حال، جدا گل  
خواب در وقت سحرگاه گران می گردد  
پسته بی مغز چون لب واکند رسوا شود  
غرقه در نیل چه اندیشه کند باران را  
متوی اندر شیر خالص زود پیدا می شود  
زاهد ناپخته را از خود بریدن مشکل است  
تو بزرگی و در آئینه کوچک ننمایی  
از کاسه شکسته نخیزد صدا درست  
خواب راحت نکند هر که صفایی دارد  
من نشنیدم که باز، صید کیوتر شود  
زری که سگ ندارد روان نمی باشد  
تیر کج باعث رسوایی تیرانداز است  
ماهی زیر زمین را کس نمئی آرد به دام  
صحبت طوطی سخنور می کند آئینه را  
ریاضت کش به بادامی بسازد

- چشمان تو در آئینه اشک چه زیباست!  
چشمان به نرگس - آئینه اشک به آب  
- دود اگر بالا نشیند کسر شأن شعله نیست  
دود به ابرو - شعله به چشم  
- رنگین سخنان در سخن خویش نهان اند  
آدمی پیر چو شد حرص جوان می گردد  
- بی کمالی های انسان از سخن پیدا شود  
- سعدی از سرزنش غیر نترسد هیاهات  
- عیب پاکان، زود بر مردم هویدا می شود  
- بر ندارد میوه تا خام است دست از شاخسار  
- پرده بردار که بیگانه خود این روی نبیند  
- حسن بیان مجوی ز ما دلشکستگان  
- مژه برهم نرزد آینه ز اندیشه چشم  
- هوش خردمند را عشق به تاراج برد  
- دلی که نیست خراشی در او زمین گیر است  
- دخل بی جا ندهد غیر خجالت اثری  
- خاکساران از بلای آسمانی ایمنند  
- ساده لوحان زود می گیرند رنگ هم نشین  
- مرا کیفیت چشم تو کتافی است

#### حسن تعلیل و اسلوب معادله

آرایه مشترک ابیات زیر اسلوب معادله است یا حسن تعلیل؟ یک دلیل بنویسید.  
عشق چون آید برد هوش دل فرزانه را دزد دانا می کشد اول چراغ خانه را  
محرم این هوش جز بی هوش نیست مر زبان را مشتری جز گوش نیست  
پاسخ: اسلوب معادله - زیرا مصراع دوم در هر بیت، مصداقی برای مصراع اول آن است.  
- در کدام یک از بیت های زیر آرایه «حسن تعلیل» وجود دارد؟ دلیل خود را بنویسید.  
الف) تا چشم بشر نبیندت روی بنهفته به ابر، چهر دلبد  
ب) برگن ز بن این بنا که باید از ریشه بنای ظلم برکند  
پاسخ: الف) شاعر ارتفاع قله دماوند را برای می داند که می خواهد مردم صورتش را نبینند.  
- آرایه مشترک ابیات زیر را بنویسید.  
شانه می آید به کار زلف در آشفگی آشنایان را در ایام پریشانی بپرس  
محرم این هوش جز بی هوش نیست مر زبان را مشتری جز گوش نیست  
پاسخ: اسلوب معادله

#### مثل

عبارت زیر، یادآور کدام مثل است؟  
- از بیم عقرب جزاره دموکراسی قرن بیستم، ناچار شده به مار غاشیه حکومت سرهنگ ها پناه ببرد.  
پاسخ: از چاله به چاه افتادن، از بد به بدتر پناه بردن.

#### نمونه سوالات تلفیقی

۱- کدام یک از ابیات و عبارات «گروه الف» با آرایه های «گروه ب» ارتباط دارد؟ (در گروه «ب» یک مورد اضافی است).

| ب            | الف                                                                    | ردیف |
|--------------|------------------------------------------------------------------------|------|
| حس آمیزی     | هر چه موجودند، از روحانی و جسمانی، طالب کمال اند.                      | ۱    |
| اسلوب معادله | به دستور فرمود تا ساروان هیون آرد از دشت، صد کاروان                    | ۲    |
| تضاد         | عشق بر یک فرش بنشانند گدا و شاه را سیل، یکسان می کند پست و بلند راه را | ۳    |
| حسن تعلیل    | از شامه قوی شما تشخیص بوی حمله غریب نیست.                              | ۴    |
| جناس         |                                                                        |      |

پاسخ: ۱- تضاد ۲- جناس ۳- اسلوب معادله ۴- حس آمیزی

۲- هریک از ابیات گروه «الف» با کدام آرایه گروه «ب» ارتباط دارد؟ (در گروه «ب» یک مورد اضافه است.)

| الف                                           | ب                  |
|-----------------------------------------------|--------------------|
| (۱) تا چشم بشر نبیندت روی                     | تلمیح              |
| (۲) مُستمع صاحب سخن را بر سر کار آورد         | اسلوب معادله       |
| (۳) با آن که جیب و جام من از مال و می تهی است | حسن تعلیل<br>تضمین |

پاسخ: ۱- حسن تعلیل ۲- اسلوب معادله ۳- تلمیح

۳- آرایه ذکر شده در مقابل همه ابیات، به جز گزینه ..... درست است.

- (۱) چه غم دیوار اَمّت را که دارد چون تو پشتیبان  
(۲) گفت: «باید حد زند هشیار مردم، مست را»  
(۳) در دفتر زمانه فتد نامش از قلم  
(۴) با آن که جیب و جام من از مال و می تهی است
- چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح کشتیان (اسلوب معادله)  
گفت: «هشیاری بیار، این جا کسی هشیار نیست» (تضاد)  
هر ملّتی که مردم صاحب قلم نداشت (کنایه)  
ما را فراغتی است که جمشید جم نداشت (ایهام)

پاسخ: گزینه ۴

۴- در بیت زیر، آرایه درست را از کمانک مقابل آن، انتخاب کنید.

آتش عشق است کاندَر نی فتاد جوشش عشق است کاندَر می فتاد (تشبیه / جناس همسان)

پاسخ: تشبیه (آتش عشق)

۵- هریک از آرایه‌های «تلمیح، مجاز و اسلوب معادله» در کدام بیت، دیده می‌شود؟

- (۱) از دست و زبان که برآید  
(۲) عشق بر یک فرش بنشانند گدا و شاه را  
(۳) آتش ابراهیم را نبود زیان
- کز عهده شکرش به درآید؟  
سیل، یکسان می‌کند پست و بلند راه را  
هر که نمرودی است، گو می‌ترس از آن

پاسخ: ۱- مجاز «دست و زبان» ۲- اسلوب معادله ۳- تلمیح

۶- باتوجه به عبارت زیر، به پرسش‌ها پاسخ دهید.

«زمزمه لطیف و ملایم شما گمان مرا تأیید کرد. کجا می‌توانست مخفیگاه من باشد. در زمانی که ماه داشت سربلند از پشت ابرهای تیره بیرون می‌آمد؟»

الف) کدام واژه دارای آرایه تشخیص است؟

ب) حس آمیزی به کار رفته در عبارت را بیابید و بنویسید.

پاسخ: الف - ماه ب - زمزمه لطیف

۷- آرایه ذکر شده در مقابل همه ابیات، به جز گزینه ..... درست است.

- (۱) گفت مستی زان سبب افتان و خیزان می‌روی  
(۲) شانه می‌آید به کار زلف در آشفته‌گی  
(۳) چو خواهی که پیدا کنی گفت و گوی  
(۴) عاشق آن باشد که چون آتش بود
- گفت جرم راه رفتن نیست ره هموار نیست (حسن تعلیل)  
آشنایان را در ایام پریشانی بپرس (اسلوب معادله)  
بباید زدن سنگ را بر سبوی (کنایه)  
گرم رو سوزنده و سرکش بود (تشبیه)

پاسخ: گزینه ۱

۸- باتوجه به بیت زیر به پرسش‌ها پاسخ دهید.

«آیین طریق از نفس پیر مغان یافت آن خضر که فرخنده پی‌اش نام نهادند»

الف) در کدام واژه آرایه «مجاز» دیده می‌شود؟ مفهوم آن چیست؟

ب) درباره تلمیح بیت، یک سطر بنویسید.

پاسخ: الف - نفس = سخن

ب - خضر، نماد پیر و مرشد است. پیامبری که به چشمه آب بقا دست یافت و زنده جاوید شد؛ خضر در سفری راهنمای حضرت موسی (ع) بود و از او خواست در ماجراهایی که رخ می دهد، فقط پیروی کند و پرسشی از علت آن نکند.

۹- در هریک از موارد زیر، آرایه درست را از کمانک مقابل آن، انتخاب کنید.

- الف) مستمع صاحب سخن را بر سر کار آورد / غنچه خاموش بلبل را به گفتار آورد (اسلوب معادله/ حسن تعلیل)  
 ب) یکی تازی ای برنشسته سیاه / همی خاک نعلش برآمده به ماه (تناقض/ اغراق)  
 ج) صد تیغ جفا بر سر و تن دید یکی چوب / تا شد تهی از خویش و نیاش نام نهادند. (تشخیص/ تضمین)  
 د) همگنان خاموش/ گرد بر گردش به کردار صدف بر گرد مرارید/ پای تا سر گوش (جناس همسان/ تشبیه)
- پاسخ: الف - اسلوب معادله      ب - اغراق      ج - تشخیص «چوب»      د - تشبیه

۱۰- در هریک از بیت های ردیف اول کدام یک از آرایه های ردیف دوم به کار رفته است؟

| ردیف اول | ردیف دوم                                                                           |
|----------|------------------------------------------------------------------------------------|
| ۱        | بیامد دو صد مرد آتش فروز / دمیدند گفتی شب آمد به روز / حسن تعلیل                   |
| ۲        | آن کسی را که در این ملک، سلیمان کردیم / ملت امروز یقین کرد که او اهرمن است / تلمیح |
| ۳        | تا چشم بشر نبیندت روی / بنهفته به ابر چهر دل بند / اغراق                           |

پاسخ: ۱- اغراق      ۲- تلمیح      ۳- حسن تعلیل

۱۱- هریک از آرایه های «اسلوب معادله، حس آمیزی، حسن تعلیل و تضاد» در کدام مورد، دیده می شود؟

- ۱) در عالم پیر هر کجا برنایی است / عاشق بادا که عشق خوش سودایی است  
 ۲) محرم این هوش جز بی هوش نیست / مر زبان را مشتری جز گوش نیست  
 ۳) تا چشم بشر نبیندت روی / بنهفته به ابر چهر دل بند  
 ۴) زمزمه لطیف و ملایم شما گمان مرا تأیید کرد. می بایست هر چه زودتر مخفیگاهی پیدا کنم.
- پاسخ: ۱- تضاد «پیر# برنا»      ۲- اسلوب معادله      ۳- حسن تعلیل      ۴- حس آمیزی

۱۲- باتوجه به بیت های زیر به پرسش ها پاسخ دهید.

- ۱) گر در سرت هوای وصال است، حافظا / باید که خاک در گه اهل هنر شوی  
 ۲) بگفتا دل ز مهرش کی کنی پاک؟ / بگفت آن گه که باشم خفته در خاک

الف) در کدام واژه بیت نخست آرایه «مجاز» وجود دارد؟

ب) در بیت دوم، کدام واژه ها آرایه «جناس» را پدید آورده اند؟

پاسخ: الف - ۱ سر: «فکر و اندیشه»      ب - پاک - خاک

۱۳- باتوجه به هریک از موارد داده شده، پاسخ درست را انتخاب کنید.

الف) در بیت «لبریز زندگی است نفس های آخرت / آورده مرگ، گرم به آغوش تو پناه»، مصراع اول، آرایه «حسن تعلیل» دارد یا «تناقض»؟

ب) آرایه بارز در بیت «محرم این هوش جز بی هوش نیست / مر زبان را مشتری جز گوش نیست»، «اسلوب معادله» است یا «اغراق»؟

ج) در سروده «همان جا که شاید اینک دست زمان و صورت ظاهرش، مرده نشانش بدهند»، ترکیب «دست زمان»، اضافه استعاره است یا تشبیهی؟

د) در نوشته «زمزمه لطیف و سبک و ملایم شما گمان مرا تأیید کرد»، آرایه «سجع» دیده می شود یا «حس آمیزی»؟

پاسخ: الف - تناقض      ب - اسلوب معادله      ج - اضافه استعاره «دست زمان»      د - حس آمیزی «زمزمه لطیف»

۱۴- شعر زیر، بر پایه «گفت و گو» یا «سؤال و جواب» سروده شده است؛ این نوع گفت و گو در اصطلاح ادبی، چه نام دارد؟

- «نخستین بار گفتش کز کجایی؟ / بگفت: از دار ملک آشنایی  
 بگفت: آن جا به صنعت در چه کوشند؟ / بگفت: انده خرنده و جان فروشند»

پاسخ: مناظره

۱۵- آرایه ادبی مناسب با هر بیت را برگزیده، در برابر آن بنویسید. (یک آرایه، اضافه است)

|                                      |                                 |                 |
|--------------------------------------|---------------------------------|-----------------|
| الف) رخ شاه کاووس پُر شرم دید        | سخن گفتنش با پسر نرم دید        | ۱- حس آمیزی     |
| ب) شانه می آید به کار زلف در آشفستگی | آشنایان را در ایام پریشانی پیرس | ۲- متناقض نما   |
| پ) یک دم غریق بحر خدا شو گمان مبر    | کز آب هفت بحر به یک موی تر شوی  | ۳- حُسن تعلیل   |
|                                      |                                 | ۴- اسلوب معادله |

پاسخ: الف - حس آمیزی «سخن نرم» ب - اسلوب معادله پ - متناقض نما

#### پارادوکس (متناقض نما/ تناقض)

متناقض نما در لغت به معنی ناسازی و نقیض هم بودن است. در اصطلاح ادبی آوردن و جمع دو واژه یا دو معنی متناقض در سخن است؛ چنان که جمع آنها در زبان مُحال باشد و آفریننده زیبایی شود.

- هرگز وجود حاضر و غایب شنیده‌ای؟  
من در میان جمع و دلم جای دیگر است  
واژه «حاضر و غایب» هم‌زمان به پدیده‌ای واحد نسبت داده شده‌اند و به بیان دیگر، غایب صفت حاضر واقع شده است. انسانی که حاضر است نمی‌تواند غایب باشد؛ چون این دو صفت متناقض‌اند یعنی هریک وجود دیگری را نقض می‌کند؛ با این وجود شاعر چنان آن‌ها را هنرمندانه در کلام خود به کار برده است که زیبا، اقناع‌کننده و پذیرفتنی است.

- فلک در خاک می‌غلتید از شرم سرافرازی  
اگر می‌دید معراج ز پا افتادن ما را  
معراج به اوج رفتن و بالا رفتن است و اینک معراج از پا افتادن، تصویری زیباست که نهایت خاکساری شاعر را بیان داشته است. اما در مصراع اول نوعی پارادوکس مفهومی را در خود دارد که به زیبایی باغراق و استعاره و کنایه در هم تنیده شده است.

#### ایهام (بازی شاعرانه = نوعی بازی با ذهن خواننده)

- در لغت از ریشه «وهم» و به معنای «به تردید و گمان افکندن» است.

در اصطلاح کاربرد واژه ای با دو یا چند معنا. یکی نزدیک به ذهن و دیگری دور از ذهن.

- جان ریخته شد بر تو، آمیخته شد با تو چون بوی تو دارد جان، جان را هله بنوازم

- بی مهر رُخت، روز مرا نور نمانده است

- گفتم که بوی زلفت گمراه عالمم کرد

ایهام تناسب: پذیرش یکی از معانی واژه ایهام دار در اثر وجود واژه‌ای متناسب با آن.

آوردن واژه‌ای است با حداقل دو معنی که یک معنی آن مورد نظر و پذیرفتنی است و معنی دیگر نیز با بعضی از اجزای کلام تناسب دارد.

ایهام تناسب در شعر سعدی و حافظ فراوان است.

تفاوت ایهام با ایهام تناسب: در ایهام هر دو معنی پذیرفتنی است اما در ایهام تناسب، تنها یک معنی به کار می‌آید و معنی دوم با واژه‌ها یا واژه‌های دیگر یک مراعات نظیر می‌سازد.

قلمرو فکری (معنی و مفهوم و درک مطلب)

سؤالات نیمسال اول امتحان نهایی دی ماه ۱۳۹۷ تا شهریور ۱۴۰۱

چند نکته حایز اهمیت:

- ۱) لازم است در هنگام معنی به بارم هر مورد توجه شود (۲۵/۰ بیانگر یک واژه - ۵/۰ نمره دو واژه - ۷۵/۰ سه واژه) باید معنی گردد و در کل جمله به نثر روان نوشته شود.
- ۲) معنی با مفهوم متفاوت است، مفهوم در واقع درک و دریافت خود از کل بیت یا مصراع و یا عبارت است؛ در حالی که معنی، به نثر روان و امروزی کلام با به کارگیری معنی چند واژه و مرتب کردن آن است.
- ۳) درک مطلب که معمولا از کارگاه متن پژوهی پایان هر درس ذکر می‌شود، گاهی باید از مصراع دوم بیت صورت سؤال یا جمله پایانی عبارت استنباط نمود و لب کلام را نوشت.
- ۴) بیان این که از مباحث «گنج حکمت/ روان خوانی/ شعر خوانی» در قلمرو فکری به عنوان معنی یا مفهوم و یا درک مطلب سؤالی طرح نمی‌گردد؛ نادرست است، چرا که چندین بار در طول امتحانات نهایی این مورد کاملا مشهود بوده است.

۱- در هریک از عبارات زیر مفهوم قسمت‌های مشخص شده را بنویسید.

الف) عشق، آتش است، هر جا که باشد، جز او رخت، دیگری ننهد.

ب) بوی گلم چنان مست کرد که دامنم از دست برفت.

پاسخ:

الف) هر جایی که عشق باشد هیچ چیز دیگری غیر از عشق وجود نخواهد داشت یا فقط عشق مقیم می‌شود (وجود پیدا می‌کند). (۵/۰) - (درس ۷ صفحه ۵۳)

ب) اختیارم را از دست دادم. (۲۵/۰) - (درس ۱ صفحه ۱۴)

۲- مفهوم جمله: «در کویر، خدا حضور دارد.» چیست؟

پاسخ: در کویر، معنویت وجود دارد. (۲۵/۰) - (درس ۹ صفحه ۷۱)

۳- معنی و مفهوم قسمت‌های مشخص شده را در اشعار زیر بنویسید.

الف) گفت: مستی، زان سبب افتان و خیزان می‌روی

ب) بفکن ز پی این اساس تزویر

پاسخ:

الف) اوضاع جامعه نابه‌سامان (نامساعد) است. (۵/۰) - (درس ۲ صفحه ۱۹)

ب) پایه و بنیان این همه مکر و فریب را نابود کن. (۵/۰) - (درس ۵ صفحه ۳۵)

۴- مفهوم مشترک ابیات زیر را بنویسید.

الف) یک دم غریق بحر خدا شو گمان مبر

ب) بنیاد هستی تو چو زیر و زبر شود

پاسخ: اگر به خدا باور و توجه قلبی داری، دل کندن تو از علایق مادی (دنوی) موجب رسیدن تو به حیات معنوی و رحانی می‌گردد. (یا مفاهیم مشابه) (۵/۰)

(صفحه ۲۳)

۵- مصراع «چه غم دیوار آمت را که دارد چون تو پشتیبان؟» چه مفهومی دارد؟

پاسخ: آمت مسلمان با یاری (شفاعت) پیامبر اکرم (ص) دلگرم (امیدوار) و شکست‌ناپذیر می‌گردند. (۵/۰) - (درس ۱ صفحه ۱۳)

۶- باتوجه به عبارت زیر دو پایه رسیدن به «عشق» را بنویسید.

«پس اول پایه معرفت است و دوم پایه محبت و سیم پایه، عشق. و به عالم عشق نتوان رسیدن تا از معرفت و محبت دو پایه نردبان نسازد».

پاسخ: معرفت - محبت (۵/۰) - (درس ۷ صفحه ۵۲)

۷- در بیت «نی حدیث راه پر خون می‌کند / قصه‌های عشق مجنون می‌کند» مقصود از «راه پر خون» چیست؟

پاسخ: ره دشوار و پرخطر عشق. (۵/۰) - (درس ۶ صفحه ۴۷)

معنی و مفهوم هریک از موارد زیر را به نثر روان بنویسید.

۸- پرده ناموس بندگان به گناه فاحش ندرد.

پاسخ: خداوند آبروی بندگان (۰/۲۵) را به سبب گناه آشکار نمی‌برد. (صفحه ۱۲)

۹- در عشق قدم نهادن کسی را مسلم شود که با خود نباشد.

پاسخ: پیمودن راه عشق (قدم در راه عاشقی گذاشتن) برای کسی امکان دارد (۰/۲۵) که به فکر خودش نباشد. (۰/۲۵) - (درس ۷)

۱۰- یک روز دنیایی به روم چشم داشت و از آن چشم می‌زد.

پاسخ: روزگاری همه مردم یا کشورها به روم توجه داشتند (۰/۲۵) و از آن حساب می‌بردند. (از قدرتش می‌ترسیدند). (۰/۲۵) - (درس ۸)

۱۱- بگرای چو ازدهای گرزه

پاسخ: مانند ازدهای سمی یا خطرناک (۰/۲۵) حمله کن؛ (۰/۲۵) - (صفحه ۳۵)

۱۲- مفهوم کلی مصراع دوم بیت زیر با کدام گزینه مناسبت دارد؟

«هیچ نقاش نمی‌بیند که نقشی بر کند و آن که دید از حیرتش کلک از بنان افکنده‌ای»

الف) ما عبدناک حقّ عبادتک. ب) ما عرفناک حقّ معرفتک.

پاسخ: ب (صفحه ۱۳)

۱۳- عبارت «کلمات را کنار زنید و در زیر آن، روحی را که در این تلقی و تعبیر پنهان است، تماشا کنید.» بر چه مفهومی تأکید دارد؟

پاسخ: توجه به باطن و حقیقت هر چیز و پرهیز از ظاهر بینی. (صفحه ۷۳)

۱۴- مفهوم کلی بیت زیر را بنویسید.

«خانه‌ای کاو شود از دست اجانب آباد ز اشک ویران گنش آن خانه که بیت‌الجزن است»

پاسخ: بیگانه ستیزی، عدم وابستگی به بیگانگان، یا هر توضیح درست مشابه. (صفحه ۲۶)

۱۵- در بیت «گفت: اگه نیستی کز سر در افتادت کلاه / گفت: در سر عقل باید بی کلاهی عار نیست!»، بر چه موضوعی تأکید شده است؟

پاسخ: عقل و خرد مهم‌تر از حفظ ظاهر و رعایت آن است. (صفحه ۲۱)

۱۶- مفهوم کدام بیت بیانگر این موضوع است که: «ظاهر انسان بیانگر احوال درونی اوست»؟

الف) سرّ من از ناله من دور نیست لیک چشم و گوش را آن نور نیست

ب) هر کسی کاو دور ماند از اصل خویش بازجوید روزگار وصل خویش

پاسخ: الف (صفحه ۵۰)

۱۷- معنی و مفهوم هریک از موارد زیر را به نثر روان بنویسید.

الف) و صبح، هنگام «چریغ آفتاب» کنار «قنات حسنی» در شهر سیرجان اتراف کردیم.

ب) و خوان نعمت بی‌دریغش همه جا کشیده.

ج) گفت: «نزدیک است والی را سرای، آن‌جا شویم.»

د) در غم ما روزها بی‌گاه شد روزها با سوزها همراه شد

پاسخ:

الف) و صبح، هنگام طلوع خورشید کنار قنات حسنی در شهر سیرجان اقامت کردیم.

ب) و سفره نعمت‌های بی‌مضایقه و سخاوتمندانه خداوند برای همه پهن شده است.

ج) گفت: خانه حاکم نزدیک است؛ به آن‌جا برویم.

د) روزهای عمر عاشقان با سوز و گداز و هجران سپری شد.

۱۸- بیت زیر به کدام پدیده اجتماعی عصر شاعر اشاره دارد؟

گفت: دیناری بده پنهان و خود را وارهان گفت: کار شرع کار درهم و دینار نیست»

پاسخ: رشوه‌خواری حاکمان جامعه (۵/۰) - (صفحه ۱۹)

۱۹- در بیت زیر، منظور از «نیستان» چیست؟

«کز نیستان تا مرا ببریده‌اند در نفیرم مرد و زن نالیده‌اند»

پاسخ: عالم معنا - حقیقی، درگاه حق (۵/۰) - (صفحه ۴۶)

۲۰- در بیت «پنهان مکن آتش درون را / زین سوخته جان شنو یکی پند»، «سوخته جان» چه کسی است؟

پاسخ: ملک‌الشعرای بهار (خود شاعر) (۵/۰) - (صفحه ۳۵)

۲۱- عین القضا، در عبارت «حیات از عشق می‌شناس و ممات بی‌عشق می‌یاب»، چه چیز را سبب ادامه زندگی می‌داند؟

پاسخ: عشق، (۵/۰) - (صفحه ۵۳)

معنی و مفهوم هریک از موارد زیر را به نثر روان بنویسید.

۲۲- در دفتر زمانه فتد نامش از قلم هر ملّتی که مردم صاحب‌قلم نداشت

پاسخ: در گذر روزگار، (۲۵/۰) ملّتی که نویسنده و شاعر نداشته باشد (۲۵/۰)، فراموش می‌شود. (۲۵/۰) - (صفحه ۲۷)

۲۳- پرده ناموس بندگان به گناه فاحش ندرد و وظیفه روزی به خطای منکر نبرد.

پاسخ: خداوند آبروی بندگان را به خاطر گناه آشکار نمی‌برد (۵/۰) و روزی مقدر کسی (۲۵/۰) را به خاطر خطای زشت (۲۵/۰) قطع نمی‌کند (۲۵/۰)

۲۴- در بیت «جامه‌ای کاو نشود غرقه به خون بهر وطن / بدر آن جامه که ننگ تن و کم از کفن است»، شاعر به چه مضمونی تأکید دارد؟

پاسخ: میهن‌دوستی یا جانفشانی در راه وطن، وطن‌پرستی (۵/۰) - (صفحه ۲۶)

۲۵- باتوجه به بیت «ای مادر سرسپید بشنو / این پند سیاه‌بخت فرزند»، منظور شاعر از «مادر سرسپید» و «فرزند سیاه‌بخت» چیست؟

پاسخ: مادر سرسپید: دماوند، (۲۵/۰)، فرزند سیاه‌بخت: شاعر (۲۵/۰)

۲۶- باتوجه به عبارت زیر، به پرسش‌ها پاسخ دهید.

«محبت چون به غایت رسد، آن را عشق خوانند. عشق خاص‌تر از محبت است و محبت خاص‌تر از معرفت است. به عالم عشق نتوان رسیدن تا از معرفت و محبت دویایه نردبان نسازد.»

الف) سهروردی شرط دست‌یابی به عالم عشق را چه می‌داند؟

ب) نهایت محبت چه نام دارد؟

پاسخ: الف) ساختن دو نردبان از معرفت و محبت، (۲۵/۰) ب) عشق، (۲۵/۰)

معنی هریک از موارد زیر را به نثر روان بنویسید.

۲۷- عشق به همه جایی مأوا نکند و به هر دیده، روی ننماید.

پاسخ: عشق در هر جایی پناه نمی‌گیرد. (عشق در دل هرکسی جای نمی‌گیرد) (۲۵/۰) و به چشم هرکسی نمایان نمی‌شود. (۲۵/۰)

۲۸- یکی از صاحب‌دلان سر به جیب مراقبت فرو برده بود.

پاسخ: یکی از عارفان در حال تفکر عارفانه و توجه به حق بود.

۲۹- مزینان را بر انگاره عشق آبادش ساخته‌اند و هنوز بر همان مهر و نشان است که بود.

پاسخ: مزینان را به طرح و نقشه عشق آباد ساخته‌اند (۲۵/۰) و از قدیم هیچ تغییری نکرده است. (هنوز به همان شکل و طرح قدیم است) (۲۵/۰)

۳۰- سر من از ناله من دور نیست / لیک چشم و گوش را آن نور نیست

راز من را از ناله‌های عارفانه من می‌توان دریافت؛ (۲۵/۰) اما چشم و گوش ظاهری توان درک آن را ندارد. (۲۵/۰)

۳۱- نوشته «از بیم عقرب جرّاره دموکراسی قرن بیستم، ناچار شده به مار غاشیه حکومت سرهنگ‌ها پناه ببرد»، کدام‌یک از ضرب‌المثل‌های

زیر را به یاد می‌آورد؟

الف) دست بالای دست بسیار است. ب) از چاله به چاه افتاد.

پاسخ: ب) از چاله به چاه افتاد.

۳۲- متن‌های زیر، بر چه مفهوم مشترکی تأکید دارند؟

«در کف‌ها کاسهٔ زیبایی، / بر لب‌ها تلخی دانایی / شهر تو جای دگر / ره می‌بر با پای دگر»  
«آن باغ پر از گل‌های رنگین و معطر شعر و خیال و الهام و احساس در سُموم سرد این عقل بی‌درد و بی‌دل پژومرد.»  
پاسخ: عقل و نگاه عاقلانه، زیبایی پدیده‌های هستی را زایل می‌کند. (نفی خرد در نگاه به زیبایی‌های جهان)، (صفحه‌های ۷۶ و ۷۳)

۳۳- مفهوم کلی مصراع دوم بیت زیر را بنویسید.

«گفت: می بسیار خوردی، زان چنین بی‌خود شدی  
پاسخ: گناه، کم یا زیاد آن، هردو ناپسند است.

۳۴- مفهوم مشترک بیت‌های زیر را بنویسید.

الف) شو منفجر ای دل زمانه  
ب) دلا خموشی چرا؟ چو خم نجوشی چرا؟  
پاسخ: توصیه به اعتراض یا ترک سکوت یا آشکار ساختن حرف درون.

۳۵- با توجه به بیت «در پیشگاه اهل خرد نیست محترم / هر کس که فکر جامعه را محترم نداشت»، در نظر خردمندان چه کسی محترم است؟

پاسخ: کسی که به افکار مردم جامعه احترام بگذارد.

معنی هریک از موارد زیر را به نثر روان بنویسید.

۳۶- در عشق کسی قدم نهد کس جان نیست.

پاسخ: کسی می‌تواند به عالم عشق وارد شود (۰/۲۵) که به خودش توجه نداشته باشد (از جان خود بگذرد). (۰/۲۵)

۳۷- امپراتوری‌های بزرگ هم مانند آدم‌های ثروتمند، معمولاً از سوء هاضمه می‌میرند.

پاسخ: پادشاهی‌های بزرگ، مانند انسان‌های ثروتمند، (۰/۲۵) به خاطر زیاده‌خواهی و زیاد خوردن از بین می‌روند، (۰/۲۵)

۳۸- گفت: «از بهر غرامت جامه‌ات بیرون گنم» گفت: «پوسیده است، جز نقشی زیود و تار نیست»

پاسخ: مأمور گفت: برای جریمه، (۰/۲۵) لباست را از تو می‌گیرم (۰/۲۵)، مست گفت: لباس من پوسیده و کهنه است و به سبب فقر، فقط ظاهر لباس دارد. (۰/۲۵)

۳۹- در نوشتهٔ «پردۀ ناموسِ بندگان به گناه فاحش ندرد و وظیفۀ روزی به خطای مَنگر نبرد»، سعدی بر دو صفت الهی تأکید کرده است: آن دو را بنویسید.

پاسخ: پوشانندۀ گناه و خطا (ستار العیوب)، (۰/۲۵) و رزاق بودن و بخشندگی (۰/۲۵)

۴۰- مفهوم مشترک دو بیت زیر را بنویسید.

«سینه خواهم شرحه شرحه از فراق  
تا بگویم شرح درد اشتیاق»  
نی، حریف هر که از یاری بُرید  
پرده‌هایش پرده‌های ما درید»

پاسخ: مفهوم مشترک: حال عاشق و عارف را کسی درک می‌کند که درد عشق کشیده باشد. (صفحه‌های ۴۶ و ۴۷)  
معنی هریک از موارد زیر را به نثر روان بنویسید.

۴۱- هر نفسی که فرو می‌رود ممدّ حیات است و چون برمی‌آید، مفرّج ذات.

پاسخ: هر نفسی که پایین می‌رود (دم) (۰/۲۵) یاری کنندهٔ زندگی است، (۰/۲۵)، و هنگامی که بالا می‌آید (بازدم) (۰/۲۵) شادی‌بخش وجود است. (۰/۲۵)

۴۲- هر کسی از ظنّ خود شد یار من از درون من نجست اسرار من

پاسخ: هر کس بنا بر گمان و پندار خود یار من شد (۰/۲۵) و اسرار من را از درونم جست‌وجو نکرد. (۰/۲۵) - (صفحه ۴۶)

۴۳- آدمی به هر جا می‌رود گمان می‌کند به غایت القصوای مقصود خود رسیده است.

پاسخ: انسان به هر جایگاهی که می‌رسد گمان می‌کند به کمال مطلوب خود رسیده است. (۰/۵) - (صفحه ۶۱)

۴۴- در عالم پیر، هر کجا برنایی است عاشق بادا که عشق خوش سودایی است

پاسخ: در این دنیای سال خورده، هر کجا جوانی هست (۰/۲۵)، الهی عاشق باشد زیرا عشق دیوانگی خوشایندی است. (۰/۵)

۴۵- متن‌های زیر چه مفهوم مشترکی دارند؟

«من نمازم را وقتی می‌خوانم/ که اذانش را باد گفته باشد سر گلدسته سرو»

«صحرايي که حتی درختش، غارش، کوهش و سنگریزه‌اش آیات وحی را بر لب دارد.»

پاسخ: همه اجزای هستی در حال عبادت خدا هستند. (۰/۵)

۴۶- کدام یک از ابیات زیر، به سخن مشهور، «کَلَّ شَيْءٌ يَرْجِعُ إِلَى أَصْلِهِ» اشاره دارد؟

الف) کز نیستان تا مرا بیریده‌اند در نفیرم مرد و زن نالیده‌اند

ب) هر کسی کاو دور ماند از اصل خویش بازجوید روزگار وصل خویش

پاسخ: گزینه ب (۰/۲۵)

۴۷- هریک از بیت‌های ستون اول با کدام مفهوم در ستون دوم متناسب است؟ (یک مفهوم اضافی است.)

| ستون اول (بیت‌ها)                   | ستون دوم (مفاهیم)              |
|-------------------------------------|--------------------------------|
| ۱ از دست و زبان که برآید            | ناپایداری قدرت                 |
| ۲ من که هر آنچه داشتم اول ره گذاشتم | دشواری راه عشق                 |
| ۳ خانه‌ای کاو شود از دست اجانب آباد | بیگانه ستیزی                   |
| ۴ کاووس کیانی که کی‌اش نام نهادند   | از جان گذشتگی عاشق             |
|                                     | ناتوانی در سپاسگزاری از خداوند |

پاسخ:

۱) ناتوانی در سپاسگزاری از خداوند (۰/۲۵) ۲) از جان گذشتگی عاشق (۰/۲۵)

۳) بیگانه ستیزی (۰/۲۵) ۴) ناپایداری قدرت (۰/۲۵)

معنی هریک از موارد زیر را به نثر روان بنویسید.

۴۸- در دفتر زمانه فتد نامش از قلم هر ملّتی که مردم صاحب قلم نداشت

پاسخ: هر کشوری که نویسنده و شاعر (افراد صاحب نظر) نداشته باشد، (۰/۲۵)؛ در گذر زمان (۰/۲۵) فراموش می‌شود. (۰/۲۵)

۴۹- آدمی هرجا می‌رود، گمان می‌کند به غایت القصوای مقصود خود رسیده است.

پاسخ: انسان به هرجا می‌رود، گمان می‌کند به حدّ نهایت هدف خود رسیده است. (۰/۵)

۵۰- در عشق قدم نهادن کسی را مسلم شود که با خود نباشد.

پاسخ: در عشق وارد شدن برای کسی ممکن می‌شود (۰/۲۵)، که وجود مادی (خواسته‌های مادی) خود را ترک کند. (۰/۲۵)

۵۱- باتوجه به متن زیر، خداوند چه رسالتی را بر عهده هریک از موارد «باد صبا» و «ابر بهاری»، قرار داده است؟

«فرش باد صبا را گفته تا فرش زمردین بگسترده و دایه ابر بهاری را فرموده تا بنات نبات در مهد زمین بپرورد.»

پاسخ: باد صبا: سبزه‌ها را مانند فرشی در طبیعت پهن کند. (برویاند) ۰/۲۵؛ ابر بهاری: گیاهان را در زمین پرورش دهد. ۰/۲۵، ص ۱۳

معنی هریک از ابیات و عبارات زیر را به نثر روان بنویسید.

۵۲- تو مشت درشت روزگاری از گردش قرن‌ها پس افکند

پاسخ: ای دماوند تو مشت بزرگ روزگار هستی که هنوز پس از قرن‌ها به عنوان میراثی باقی مانده‌ای.

۵۳- از دست و زبان که برآید کز عهده شکرش به درآید

پاسخ: هیچ‌کس نمی‌تواند با رفتار و سخنانش از عهده شکرگزاری خداوند برآید.

۵۴- یک روز دنیایی به روم چشم داشت و از آن چشم می‌زد.

پاسخ: روزگاری همه مردم دنیا به ایتالیا توجه داشتند و از آن بیم داشتند.

۵۵- هریک از ابیات زیر، بر چه مفهومی تأکید دارد؟

الف) جامه‌ای کاو نشود غرقه به خون بهر وطن

ب) کاووس کیانی که کی‌اش نام نهادند

پاسخ: الف) وطن‌پرستی یا جان‌فشانی در راه وطن (۰/۲۵) ب) ناپایداری قدرت (۰/۲۵)

۵۶- سینه خواهم شرحه شرحه از فراق

پاسخ: دلی می‌خواهم که از درد جدایی پاره‌پاره شده باشد. (محرمی می‌خواهم که سختی جدایی کشیده باشد) (۰/۵)

۵۷- امپراتوری‌های بزرگ هم مانند آدم‌های ثروتمند، معمولاً از سوء هاضمه می‌میرند.

پاسخ: حکومت‌های بزرگ هم مانند انسان‌های ثروتمند و پرخور از زیاده‌خواهی نابود می‌شوند. (۰/۵)

۵۸- در نوشته زیر، منظور از «به طریق انبساط»، چیست؟

«یکی از یاران به طریق انبساط گفت: از این بوستان که بودی، ما را چه تحفه کرامت کردی؟»

پاسخ: به شیوه صمیمی و خودمانی (۰/۵)

۵۹- باتوجه به شعر «دماوندیه»، منظور از بخش‌های مشخص شده در بیت‌های زیر چیست؟

«پنهان مکن آتش درون را / زین سوخته‌جان شنو یکی پند

گر آتش دل نهفته داری / سوزد جانت به جانت سوگند»

پاسخ:

سوخته جان: شاعر (ملک‌الشعراى بهار)، آتش: خشم، اعتراض (۰/۲۵)

۶۰- از مقایسه سروده سهراب سپهری با نوشته زیر، چه مفهوم مشترکی دریافت می‌شود؟

«من نمازم را وقتی می‌خوانم/ که اذانم را باد گفته باشد سر گلدسته سرو/ من نمازم را پی تکبیرالاحرام علف می‌خوانم»

«در کویر خدا حضور دارد... و حتی درختش، غارش، کوهش، هر صخره سنگش و سنگریزه‌اش آیات وحی را بر لب دارد.»

پاسخ: همه موجودات در حال تسبیح خداوند هستند. (یسبح لله ما فی السموات و ما فی الارض) (۰/۵)

معنی مصراع زیر را به نثر روان بنویسید.

۹۱- تن ز جان و جان ز تن مستور نیست.

پاسخ: جسم از روح و روح از جسم پوشیده نیست. (۰/۵)

۹۲- مفهوم کلی هریک از ابیات زیر را بنویسید.

الف) هرکه جز ماهی ز آبش سیر شد

ب) خانه‌ای کاو شود از دست اجانب آباد

پاسخ:

الف) اشتیاق پایان‌ناپذیر عاشق (۰/۲۵) ب) بیگانه‌ستیزی (۰/۲۵)

۶۳- بیت‌های داده شده در هر ردیف جدول زیر، یک مفهوم مشترک دارند؛ آن مفهوم را از ستون مقابل انتخاب کنید.

| ردیف | بیت‌ها                                                                      | مفاهیم                                                             |
|------|-----------------------------------------------------------------------------|--------------------------------------------------------------------|
| ۱    | گفت نزدیک است والی را سرای آن‌جا شویم<br>دور شو از برم ای واعظ و بیهوده مگو | الف) پرهیز از ریاکاری و دورویی<br>ب) نصیحت‌ناپذیری حاکمان نالایق   |
| ۲    | من که هر آنچه داشتم اول ره گذاشتم<br>در عشق کسی قدم نهد کش جان نیست         | الف) فردپذیر بودن عشق و رد دوگانگی<br>ب) ترک دلبستگی‌ها در راه عشق |

پاسخ:

۱) الف، (۰/۲۵) ۲) ب، (۰/۲۵)

معنی هریک از ابیات و عبارات زیر را به نثر روان بنویسید.

۶۴- ناله مرغ اسیر این همه بهر وطن است / مسلک مرغ گرفتار قفس همچو من است

پاسخ: ناله‌ها و شعرهای غم‌انگیز من شاعر برای دوری از وطن است (۰/۲۵) و شیوه پرندۀ گرفتار نیز (۰/۲۵) مثل من است که در دوری از وطن می‌نالد. (۰/۲۵)

۶۵- کرم بین و لطف خداوندگار / گنه بنده کرده است و او شرمسار

پاسخ: بخشش و مهربانی خداوند را بین که چقدر زیاد است؛ (۰/۲۵) بنده گناه می‌کند و او از گناه بنده‌اش خجالت زده است. (۰/۲۵)

۶۶- کرانه‌های فرات، خط از کرانه رود تiber می‌خواندند.

پاسخ: کشورهای عراق و سوریه (دورترین کشورها) (۰/۲۵) از فرمان روم (ایتالیا) (۰/۲۵) اطاعت می‌کردند. (۰/۲۵)

۶۷- باتوجه به عبارت زیر، شرط راه‌یابی به عالم عشق چیست؟

«در عشق قدم نهادن کسی را مسلم شود که با خود نباشد و ترک خود بکند».

پاسخ: ترک خود کردن و رها کردن دلبستگی‌ها و تعلقات مادی (۰/۵)

۶۸- بیت «راستی خاتم فیروزه بواسحاقی

خوش درخشیدولی دولت مستعجل بود»، چه مفهوم مشترکی با نوشته زیر دارد؟  
«آخرین چراغ امپراتوری روم را موسولینی روشن کرد که چند صبحی تا حبشه و قلب آفریقا نیز پیش راند اما همه می‌دانیم که دولت مستعجل بود.»

پاسخ: زودگذر و ناپایدار بودن قدرت (۰/۵)

معنی هریک از موارد زیر را به نثر روان بنویسید.

۶۹- برکن ز بن این بنا که باید / از ریشه بنای ظلم برکند

پاسخ: این ظلم حاکم را همچون خانه‌ای ویران کن؛ زیرا باید ظلم را از پایه و اساس از بین برد. (۰/۷۵)

۷۰- هرکسی از ظن خود شد یار من / از درون من نجست اسرار من

پاسخ: هرکسی از دیدگاه خودش با عارف همراه می‌شود و حال درون او را درک نمی‌کند. (۰/۵)

۷۱- چه استبعادی دارد که روزی خاطراتی از سفر ماه هم بنویسم!

پاسخ: بعید نیست که به زودی خاطرات سفر ماه را هم بنویسم. (۰/۲۵)

۷۲- گفت: «دیناری بده پنهان و خود را وارهان / گفت: «کار شرع کار درهم و دینار نیست»

پاسخ: محتسب: پولی بده (۰/۲۵) و خود را نجات بده (۰/۲۵) مست: موضوعات دینی با پول (رشوه) حل نمی‌شود. (۰/۲۵)

۷۳- فکری ای هم‌وطنان، در ره آزادی خویش / بنمایید که هرکس نکند، مثل من است

پاسخ: ای هم‌میهنان برای آزادی خویش چاره‌ای بیندیشید (۰/۲۵) هرکس در پی چاره نباشد با من زندانی تفاوتی ندارد (۰/۲۵)

۷۴- باتوجه به سروده «در کف‌ها کاسه زیبایی / بر لب‌ها تلخی دانایی / شهر تو در جای دگر / ره می‌بر با پای دگر» چرا شاعر دانایی را نکوهش می‌کند؟

پاسخ: چون زیبایی‌ها را نمی‌توان با عقل دریافت (با نگاه عقل‌گرایانه به زیبایی، زیبایی را از بین می‌برد) (۰/۵)

۷۵- مفهوم کدام بیت با عبارت «وصول به حُسن ممکن نشود؛ اَلّا به واسطهٔ عشق و عشق هر کس را به خود راه ندهد». یکسان است؟

- (۱) بیم آن است کز غم عشقت
  - (۲) من که هر آنچه داشتم اول ره گذاشتم
  - (۳) بی‌عشق زیستن را جز نیستی، چه نام است؟
  - (۴) می‌تواند حلقه بر زد حریم حُسن را
- پاسخ: گزینهٔ ۴ (۰/۵)

معنی هریک از موارد زیر را به نثر روان بنویسید.

۷۶- از شنیدن اسم شهر، قند در دلم آب می‌شد.

پاسخ: از شنیدن اسم شهر، لذت می‌بردم. (خوشحال می‌شدم). (۰/۲۵)

۷۷- هر که بی‌روزی است روزش دیر شد.

پاسخ: هر کس از عشق بی‌بهره باشد، روزگارش تباه می‌شود. (۰/۵)

۷۸- تخم خرمایی به تربیتش نخل باسق گشته.

پاسخ: هستهٔ خرمایی با پرورش و توجهٔ اوف نخلی بلند گردیده است. (۰/۵)

۷۹- وصول به حُسن ممکن نشود اَلّا به واسطهٔ عشق.

پاسخ: رسیدن به زیبایی، تنها به وسیلهٔ عشق، امکان‌پذیر است. (۰/۵)

۸۰- برکش ز سر این سپید معجر بنشین به یکی کبود آورند

پاسخ: این روسری سفید (برف) را از سرت بردار. بر تخت پادشاهی بنشین. (۰/۵)

۸۱- مراد از «سَر پر زدن» در عبارت «به قول بیرجندی‌ها در این دو شهر، تنها، یک سر پری زدیم» چیست؟

پاسخ: توقف کوتاه. (۰/۲۵)

۸۲- سرودهٔ زیر را می‌توان نمایانگر کدام صفت برجستهٔ گویندهٔ آن دانست؟

«با آن که جیب و جام من از مال و می تهی‌ست

پاسخ: بلندنظری یا مناعت طبع یا قناعت. (۰/۲۵)

۸۳- مولانا در مصراع نخست بیت زیر، چه کسانی را سزاوار هم‌نشینی عارف (نی) دانسته است؟

«نی حریف هر که از یاری برید

پاسخ: هجران کشیده‌ها یا کسانی که از محبوب خود دور شده‌اند. (۰/۲۵)

۸۴- «دست انابت به امید اجابت به درگاه حق - جلّ و علا - برداشتن» و بیت زیر، بر کدام مفهوم مشترک تأکید دارند؟

«بنده همان به که ز تقصیر خویش

پاسخ: توبه به درگاه خدا. (۰/۲۵)

(سؤالات نیمسال دوم امتحان نهایی دی‌ماه ۱۳۹۷ تا شهریور ۱۴۰۱)

۱- معنی و مفهوم عبارات زیر را به نثر روان بنویسید.

الف) سجده بهترین حالتی بود که می‌توانست مرا با خاک هم‌سطح و یکسان کند.

ب) مرغان جملگی بهانه‌ها یک‌سو نهادند.

پاسخ: الف) من با سجده، خود را مانند خاک در برابر عظمت پروردگار، پست و کوچک می‌کنم. (۰/۵)

ب) همهٔ پرندگان (مرغان)، بهانه‌ها را کنار گذاشتند (رها کردند) (۰/۵)

۲- معنی و مفهوم اشعار زیر را به فارسی روان بنویسید.

الف) پهلوان هفت خوان، اکنون طعمهٔ دام و دهان خوان هشتم بود.

(ب) نباید زدن سنگ را بر سبوی

پاسخ: الف) رستم در چاه نیرنگ و حیلۀ (شغاد) افتاد و کشته شد. (۰/۵)

(ب) باید (برای تشخیص خطاکار بودن یا نبودن آن دو نفر) آن‌ها را آزمایش کنیم. (۰/۵)

۳- مقصود از «راه پیچ در پیچ» در بیت زیر چیست؟

«به راه این امید پیچ در پیچ مرا لطف تو می‌باید، دگر هیچ»

پاسخ: راه دشوار و پر از سختی عشق. (۰/۵)

۴- «این نخستین بار شاید بود/ کان کلید گنج مروارید او گم شد./ ناگهان انگار/ بر لب آن چاه/ سایه‌ای را دید/ او شغاد، آن نابردار بود»

الف) مقصود از «گنج مروارید» چیست؟ (ب) «شغاد» نماد چه کسانی است؟

پاسخ: الف) لبخند (۰/۲۵) (ب) نماد انسان‌های ناجوانمرد و حيله‌گر (۰/۲۵)

۵- بیت: «چشم بگشا به گلستان و بین جلوه آب صاف در گل و خار» یادآور کدام «وادی عرفان» است؟

پاسخ: توحید یا وادی پنجم (۰/۲۵) اگر به «وحدت وجود» اشاره شد، نمره تعلق بگیرد.

۶- مقصود از عبارت: «چون تیری که از شست رفته، باز نمی‌گردد» چیست؟

پاسخ: کاری که از دست و اختیار خارج شد و قابل جبران نیست. (۰/۵)

۷- در عبارت زیر، «نفس گرفت» چه مفهومی را بیان می‌کند؟

«به جلو نگاه کرد تا جایی که چشم کار می‌کرد، هیچ‌کس دیده نمی‌شد، نفس گرفت و دوباره با تمام سرعت دوید.»

پاسخ: نفس تازه کرد (۰/۲۵)

معنی و مفهوم هریک از موارد زیر را به نثر روان بنویسید.

۸- یکی که کباده شعر و ادب می‌کشید، جلو رفته جبهه شاعر را بوسید.

پاسخ: یکی که ادعای شعر و شاعری داشت، (۰/۲۵) جلو رفت و پیشانی شاعر را بوسید. (۰/۲۵)

۹- دیروز در غربت باغ من بودم و یک چمن داغ

پاسخ: در دوران گذشته، در کشورم (۰/۲۵) درد و غم زیادی وجود داشت. (ما با مصیبت‌های زیادی همراه بودیم) (۰/۲۵)

۱۰- در بُنِ این چاه ایش زهر شمشیر و سنان، گم بود.

پاسخ: رستم در ته چاهی که به جای آب، (۰/۲۵) شمشیر و سرنیزه زهرآلود داشت، گم شده بود. (۰/۲۵)

۱۱- چو خواهی که پیدا کنی گفت‌وگول نباید زدن سنگ را بر سبوی

پاسخ: اگر می‌خواهی حقیقت را آشکار کنی، (۰/۲۵) باید دست به آزمودن آن‌ها بزنی. (دست به آزمایش بزنی) (۰/۲۵)

۱۲- هریک از بیت‌های ردیف اول با کدام یک از وادی‌های عرفانی ذکر شده در ردیف دوم مطابقت دارد؟

| ردیف اول                         | ردیف دوم    |
|----------------------------------|-------------|
| بیت                              | وادی عرفانی |
| الف هر یکی بینا شود بر قدر خویش  | توحید       |
| ب روی‌ها چون زین بیابان درکنند   | استغنا      |
| ج هشت جنت نیز این‌جا مرده‌ای است | معرفت       |

پاسخ:

|      |             |
|------|-------------|
| ردیف | وادی عرفانی |
| الف  | معرفت       |
| ب    | توحید       |
| ج    | استغنا      |

۱۳- بیت زیر با کدام مثل مشهور از نظر مفهوم تناسب دارد؟

«سخن گفته دگر باز نیاید به دهن»  
اول اندیشه کند مرد که عاقل باشد»

الف) از ماست که بر ماست  
ب) تیری که از شست رفت، به کمان باز نمی‌گردد.  
پاسخ: ب

۱۴- باتوجه به رباعی زیر، منظور از «طریق پاکبازی» چیست؟

کس چون تو طریق پاکبازی نگرفت  
با زخم نشان سرفرازی نگرفت  
زین پیش دلاورا، کسی چون تو شگفت  
حیثیت مرگ را به بازی نگرفت!  
پاسخ: عشق حقیقی، شهادت در راه حق، از جان گذشتگی و هر معادل مناسب دیگر

۱۵- باتوجه به بیت «بیامد دو صد مرد آتش فروز»  
دمیدند گفتی شب آمد به روز»، کدام توضیح دست است؟

الف) از شعله بزرگ آتش، شب مثل روز روشن شد.  
ب) از بسیاری دود، روز مثل شب تاریک شد.  
پاسخ: ب

۱۶- عبارت زیر بر چه نکته‌ای تأکید دارد؟

«وقتی قومی به اسارت دشمن درآید و مغلوب و مقهور بیگانه گردد، تا وقتی که زبان خویش را حفظ کند، همچون کسی است که کلید زندان خویش را در دست داشته باشد.»

پاسخ: توجه به اهمیت زبان ملی و تلاش برای حفظ آن.

۱۷- عبارات زیر را به نثر روان بازگردانی کنید.

الف - معبر تمام شد و وارد محوطه پیش روی خاک ریزهای دشمن شدیم.  
ب - در این اثنا صدای زنگ تلفن از سرسرای عمارت بلند شد.  
پاسخ:

الف - گذرگاه تمام شد و وارد محوطه (میدان) پیش روی سنگرهای دشمن شدیم.

ب - در این میان، صدای زنگ تلفن از راهروی خانه بلند شد.

۱۸- اشعار زیر را به نثر روان بازگردانی کنید.

الف - این [شعر] عیار مهر و کین مرد و نامرد است.

ب - هریکی بینا شود بر قدر خویش  
باز یابد در حقیقت صدر خویش  
پاسخ:

الف - کاین شعر من ملاک سنجش محبت و دشمنی مردان و نامردان است.

ب - هرکسی به ارزش و جایگاه خود پی می‌برد و درحقیقت از مقام خودآگاه می‌شود.

۱۹- بیت «هشت جنت نیز این جا مُرده‌ای است / هفت دوزخ همچو یخ افسرده‌ای است»، بیانگر کدام وادی عرفانی است؟

الف) فنا  
ب) توحید  
ج) حیرت  
د) استغنا (۴)  
پاسخ:

د - استغنا (۵/۰)

۲۰- در بیت «پراگنده کافور بر خویشتن / چنان چون بود رسم و ساز کفن»، منظور شاعر را از «مصراع اول» بنویسید.

پاسخ:

آماده شدن (خود را معطر ساختن) برای رویارویی با مرگ، (۵/۰)

۲۱- مقصود شاعر از مصراع دوم بیت چیست؟

«چون رود امیدوارم بی‌تابم و بی‌قرارم  
من می‌روم سوی دریا، جای قرار من و تو»

پاسخ: اتحاد و همبستگی با مردم، (رسیدن به وحدت و یکپارچگی) (۰/۵)

معنی و مفهوم هریک از موارد زیر را به نثر روان بنویسید

۲۲- نان را از من بگیر اگر می‌خواهی / هوا را از من بگیر، اما / خنده‌ات را نه

پاسخ: اگر غذا و هوا (خوردن و نفس کشیدن) را از من بگیر می‌میرم؛ شادی و خنده‌ات را از من بگیر. (۰/۲۵)

۲۳- چنین است سوگند چرخ بلند که بر بی‌گناهان نیاید گزند

پاسخ: آسمان (سرنوشت) سوگند خورده است (۰/۲۵) که به بی‌گناهان آسیبی نمی‌رسد. (۰/۲۵)

۲۴- آن‌که او را شناسد، دوری او را تحمل نتواند کرد و آن‌که بدو رو آرد، بدو نتواند رسید.

پاسخ: کسی که سیمرغ (خداوند) را بشناسد، نمی‌تواند دوری از او را تحمل کند (۰/۲۵)، و کسی که به او رو بیاورد، نمی‌تواند به او دست یابد. (۰/۲۵)

۲۵- شش دانگ حواسم پیش مصطفی است که نکند بوی غاز چنان مستش کند که دامنش از دست برود.

پاسخ: همه حواسم به مصطفی است (۰/۲۵) که با بوی غاز از خود بی‌خود نشود و اختیارش را از دست ندهد. (۰/۲۵)

۲۶- باتوجه به سروده «بخند؛ زیرا خنده تو برای دستان من شمشیری است آخته»، منظور از «شمشیر آخته» چیست؟

پاسخ: شمشیر برکشیده و آماده برای دفاع یا حمله، (۰/۵)

۲۷- هریک از ابیات زیر، یادآور کدام‌یک از هفت وادی در سروده عطار است؟ (نام وادی را بنویسید.)

الف) وصلت آن‌کس یافت کز خود شد فنا هر که فانی شد ز خود، مردانه‌ای است

ب) روی‌ها چون زین بیابان درکنند جمله سر از یک گریبان برکنند

پاسخ: الف) فنا (وادی هفتم) (۰/۲۵) ب) توحید (وادی پنجم) (۰/۲۵)

۲۸- باتوجه به بیت زیر، به پرسش‌ها پاسخ دهید.

«یکی تازی‌ای برنشسته سیاه همی خاک نعلش برآمد به ماه»

الف) منظور از تازی سیه چیست؟ ب) مفهوم مصراع دوم را بنویسید.

پاسخ: الف) اسب سیاوش (۰/۲۵) ب) به سرعت تاختن و گرد و خاک زیاد (۰/۲۵)

۲۹- شکسپیر در بند زیر چه ویژگی‌هایی را برای عشق جاودانی برمی‌شمارد؟

«این‌گونه است که عشق جاودانی همواره معشوق را جوان می‌بیند / و نه توجهی به گرد و غبار و جراحات پیری دار»

پاسخ: معشوق را همواره جوان می‌بیند (۰/۲۵) پیری برای عشق جاودانی مهم نیست (۰/۲۵)

معنی هریک از موارد زیر را به نثر روان بنویسید.

۳۰- کز این دو یکی گر شود نابه‌کار از آن پس که خواند مرا شهریار؟!

پاسخ: که اگر یکی از این دو نفر (سودابه یا سیاوش) گناهکار شناخته شود، (۰/۲۵) پس از آن کسی من را پادشاه نمی‌شمارد. (۰/۲۵)

۳۱- شیرمرد عرصه ناوردهای هول / ... / طعمه دام و دهان خوان هشتم بود

پاسخ: رستم، پهلوان میدان نبردهای (۰/۲۵) هراسناک، (۰/۲۵) در چاه (دام مرگ) گرفتار شده بود. (۰/۲۵)

۳۲- صد هزاران سایه جاوید، تو گم شده بینی ز یک خورشیدی، تو

پاسخ: در مرحله فنا (هفتم) همه پدیده‌هایی که سایه‌هایی بر چهره خداوند بودند، (۰/۲۵) با آشکار شدن خورشید حق، (۰/۲۵) از بین می‌روند و حق آشکار می‌گردد. (۰/۲۵)

۳۳- مرغان جملگی شیدا شدند؛ بهانه‌ها یک سو نهادند.

پاسخ: همه پرندگان عاشق (دیدار سیمرغ) شدند (۰/۲۵) و بهانه‌جویی را کنار گذاشتند. (۰/۲۵)

۳۴- (عشق جاودانی) همواره عشق قدیم را موضوع صحیفه شعر خود می‌گرداند.

پاسخ: عاشق واقعی همیشه زیبایی‌های عشق اول و قدیم را، (۰/۲۵) موضوع کتاب یا دیوان شعر خود قرار می‌دهد. (۰/۲۵)

۳۵- در شعر زیر، شاعر دلیل بیدار شدن هر ساله نوبهار را چه می‌داند؟

هر سال چو نوبهار خرم      بیدار شود ز خواب نوشین  
تا باز کند به روی عالم      دیباجه خاطرات شیرین  
از لاله دهد به سبزه زبور      ای دوست مرا به خاطر آور

پاسخ: برای یادآوری خاطرات شیرین مردم جهان

۳۶- باتوجه به بیت زیر، رفتار سرنوشت با آزادگان چگونه است؟

«ضربت گردون دون آزادگان را خسته کرد      کو دل آزاده‌ای کز تیغ او مجروح نیست»

پاسخ: روزگار و فلک، همه انسان‌های آزاده را مورد آسیب و رنجش قرار می‌دهد.

۳۷- در هریک از موارد زیر، مفهوم بخش‌های مشخص شده را بنویسید.

الف) در اواخر عمر با بنده مألوف بودند و کاسه کوزه یکی شده بودیم.

ب) پشت دستم را داغ کردم که تا من باشم دیگر پیرامون ترفیع رتبه نگردم.

پاسخ:

الف) صمیمی شده بودیم (۰/۲۵)      ب) پشیمان شدن از کاری (۰/۲۵)

۳۸- در جدول زیر، هریک از متن‌ها، با کدام‌یک از مفاهیم مقابل خود، تناسب معنایی دارد؟

|     |                                                            |                                    |
|-----|------------------------------------------------------------|------------------------------------|
| الف | «ستاره ضعیفی در شبستان تیره و ترا درونم درخشدن گرفت.»      | (۱) امیدوار شدن                    |
| ب   | «اگر خونین دلی از جور آیام      لب خندان بیاور چون لب جام» | (۲) رها شدن از ضعف و ناتوانی       |
|     |                                                            | (۱) بردباری در برابر مشکلات روزگار |
|     |                                                            | (۲) توصیه به شادی در هنگام سختی    |

پاسخ:

الف) (۱)      ب) (۲)

۳۹- باتوجه به بیت «جهاندار، سودابه را پیش خواند

الف) منظور از «جهاندار» کیست؟

ب) معادل امروزی «با سیاوش به گفتن نشانده»، چیست؟

پاسخ:

الف) کیکاووس (پدر سیاوش) (۰/۲۵)      ب) روبه‌رو کرد (۰/۲۵)

معنی هریک از موارد زیر را به نثر روان بنویسید.

۴۰- متکلم وحده و مجلس آرای بلامعارض شده است.

پاسخ: به تنهایی سخن می‌گفت، (۰/۲۵) بدون رقیب، سبب رونق مجلس و سرگرمی حاضران شده بود. (۰/۲۵)

۴۱- نهالی چند که هنگام ورود خویش در باغ غرس کرده بود. اکنون درختانی تناور شده بودند.

پاسخ: چند نهال که در هنگام ورود خود کاشته بود، (۰/۲۵) اکنون درختان بزرگی شده بودند. (۰/۲۵)

۴۲- آن‌جا در آن برزخ سرد، در کوچه‌های غم و درد      غیر از شب آیا چه می‌دید چشمان تار من و تو؟

پاسخ: در دوران حکومت ستم شاهی، (۰/۲۵) که همه‌جا پر از درد و رنج بود، (۰/۲۵) ما جز ظلم و ستم چیزی نمی‌دیدیم. (۰/۲۵)

۴۳- چون فرود آیی به وادی طلب      پیش از آنکه هر زمانی صد تعب

پاسخ: وقتی به بیابان طلب، قدم بگذاری (۰/۲۵)، هر لحظه با رنج و سختی زیادی روبه‌رو خواهی شد. (۰/۲۵)

۴۴- باتوجه به سروده «شعر نیست؛ / این عیار مهر و کین مرد و نامرد است / بی عیار و شعر محض خوب و خالی نیست»

الف) مقصود از «شعر محض خوب و خالی» چیست؟

ب) منظور شاعر از قسمت مشخص شده، چیست؟

پاسخ:

الف) شعری که فقط زیبایی ظاهری دارد (یا شعری که به محتوا توجه ندارد) (۰/۲۵)

ب) معیاری برای سنجش مردانگی و نامردی، (۰/۲۵)

۴۵- هریک از بیت های ردیف «اول» با کدام یک از مفاهیم ردیف «دوم» متناسب است؟ (در ردیف دوم یک مفهوم اضافی است.)

| ردیف اول                                                       | ردیف دوم                  |
|----------------------------------------------------------------|---------------------------|
| الف سیاهش بدوگفت اندوه مدار / کزین سان بود گردش روزگار         | ۱ بیان دشواری های راه عشق |
| ب شیرمردی باید این ره را شگرف/زان که ره دور است و دریا ژرف ژرف | ۲ تقدیر گرایی             |
|                                                                | ۳ ابراز خشم بر دشمن       |

پاسخ:

الف - ۲

ب - ۱

۴۶- هریک از بیت های زیر، با کدام یک از وادی های عرفانی داخل کمانک، تناسب دارد؟

الف) هشت جنت نیز این جا مرده ای است هفت دوزخ همچو یخ افسرده ای است (استغنا/ طلب)

ب) صد هزاران سایه جاوید، تو گم شده بینی ز یک خورشید تو (توحید/ فنا)

پاسخ:

الف) استغنا، (۰/۲۵) ب) فنا، (۰/۲۵)

۴۷- در سروده «نان را از من بگیر، اگر می خواهی، هوا را از من بگیر، اما / خندهات را نه / گل سرخ را ز من بگیر»، منظور شاعر از «نان و هوا»

و «گل سرخ»، به ترتیب چیست؟

پاسخ: نان و هوا: نیازهای جسمانی و مادی (۰/۲۵) گل سرخ: خنده و شادی، (عشق) (۰/۲۵)

معنی هریک از موارد زیر را به نثر روان بنویسید.

۴۸- ورایدون که زین کار هستم گناه جهان آفرینم ندارد نگاه

پاسخ: اگر این چنین است که در این اتفاق من گناه کار هستم (۰/۵) خداوند جهان آفرین، من را (از آتش) حفظ نمی کند. (۰/۵)

۴۹- وانیامد در جهان زین راه کس نیست از فرسنگ آن آگاه کس

پاسخ: در جهان کسی از این راه باز نگشته است (۰/۲۵) و کسی از مسافت آن آگاهی ندارد. (۰/۲۵)

۵۰- این بدبخت ها سال آژگار، یک بار برایشان چنین پای می افتد.

پاسخ: این بیچاره ها در سال طولانی (۰/۲۵) فقط یک بار چنین فرصتی برایشان پیش می آید. (۰/۲۵)

۵۱- (عشق جاودانی) همواره عشق قدیم را موضوع صحیفه شعر خود قرار می دهد.

پاسخ: عشق جاودانی یا همیشگی همواره عشق یا معشوق قدیمی خود را (۰/۲۵) موضوع کتاب یا دیوان شعر خود قرار می دهد. (۰/۲۵)

۵۲- باتوجه به ابیات زیر، به پرسش ها پاسخ دهید.

«کس چون تو طریق پاکبازی نگرفت با زخم نشان سرفرازی نگرفت

زین پیش دلاورا، کسی چون تو شگفت حیثیت مرگ را به بازی نگرفت!

الف) مخاطب شاعر در این دو بیت کیست؟ ب) مقصود از به بازی گرفتن حیثیت مرگ چیست؟

پاسخ: الف) جانبازان یا شهدای جنگ (۰/۲۵) ب) بی اعتبار کردن مرگ (۰/۲۵)

۵۳- مفهوم کنایه‌های زیر را بنویسید.

الف) دیدم توطئه ما دارد می‌ماسد. (ب) از این بهانه تراشی‌هایش داشتم شاخ درمی‌اوردم.

پاسخ: الف) نقشه ما دارد عملی می‌شود. (۰/۲۵) (ب) خیلی متعجب شدم. (۰/۲۵)

۵۴- مفهوم مرتبط با هر گزینه را از کمانک مقابل آن انتخاب کنید.

الف) هر روز باید ذکری واحد را مکرر بخوانم و آن چه را قدیمی است، قدیمی ندانم (پرهیز از کهنه‌گرایی / نامکرر بودن قصه عشق)

ب) گلّه ما را گله از گرگ نیست / کاین همه بیداد شبان می‌کند (از ماست که بر ماست / عدالت‌خواهی)

پاسخ: الف) نامکرر بودن قصه عشق (۰/۲۵) (ب) از ماست که بر ماست. (۰/۲۵)

۵۵- این بدبخت‌ها سال آزار یک بار برایشان چنین پای می‌افتد و شکم‌ها را مدتی است صابون زده‌اند.

پاسخ: این بیچاره‌ها، هر سال طولانی، (۰/۲۵) یک بار برایشان فرصت پیش می‌آید، (۰/۲۵) و مدتی است که انتظار غذای خوب می‌کشند. (۰/۲۵)

۵۶- دستتان را بر چشم‌های دشتتان حمایل کرده بودید.

پاسخ: دستتان را روی چشم‌های درشتتان محافظ کرده بودید. (۰/۲۵)

۵۷- مفهوم کلی بیت زیر را بنویسید.

«گریز از کفش در دهان نهنگ که مردن به از زندگانی به ننگ»

پاسخ: مرگ بهتر از زندگی با ذلت است. (۰/۲۵)

۵۸- باتوجه به سروده زیر، به پرسش‌ها پاسخ دهید.

«گفت در دل: رخس! طفلک رخس! / آه! این نخستین بار شاید بود / کان کلید گنج مروارید او گم شد»

الف) منظور از «کلید گنج مروارید» چیست؟ (ب) پسوند «ک» در طفلک، چه مفهومی دارد؟

پاسخ: الف) لبخند (خندیدن) (۰/۲۵) (ب) ترخم و دوست داشتن (۰/۲۵)

۵۹- مفهوم مشترک ضرب‌المثل «از ماست که بر ماست» را با بیت زیر بنویسید.

«گلّه ما را گله از گرگ نیست کاین همه بیداد شبان می‌کند»

پاسخ: در بسیاری از مشکلاتی که برای ما پیش می‌آید، خودمان مقصریم. (۰/۵)

معنی هریک از ابیات و عبارات زیر را به نثر روان بنویسید.

۶۰- ما پرندگان را نیز پیشوا و شهریاری است. در خرد و بینش، او را همتایی نیست.

پاسخ: ما پرندگان هم رهبر و پادشاهی داریم که در خرد و بینش، همانندی ندارد.

۶۱- سیاوش چنین گفت کای شهریا که دوزخ مرا زین سخن گشت خوار

پاسخ: سیاوش گفت ای پادشاه! تحمل دوزخ در برابر این تهمت برای من آسان‌تر است.

۶۲- حالا دیگر مصطفی در خوش‌زبانی، نوک جمع را چیده است.

پاسخ: اکنون مصطفی در خوش‌صحبتی، بر جمع مسلط شده است.

۶۳- که هرچند فرزند هست ارجمند دل شاه از اندیشه یابد گزند

پاسخ: هرچند فرزند عزیز و گران‌قدر است، اما بدگمانی به فرزند (۰/۲۵)، دل شاه را آزرده خواهد کرد. (۰/۲۵)

۶۴- طفره می‌رفتید ولی اصرارهای من، عاقبت شما را مقاعد کرد.

پاسخ: خودداری می‌کردید (۰/۲۵) اما اصرارهای من شما را مجاب و راضی کرد. (۰/۲۵)

۶۵- چون بود کافلیما را شاه نیست بیش از این بی‌شاه بودن راه نیست

پاسخ: چرا سرزمین ما شاه ندارد، (۰/۵) بیش از این بدون شاه بودن شایسته نیست. (۰/۲۵)

۶۶- آیا چیزی در مخیله آدمی می‌گنجد که بتواند آن را بنگارد/ اما جان صادق من آن را برای تو ترسیم نکرده باشد؟

پاسخ: فکر و خیالی در ذهن انسان نمی‌گنجد که بتواند آن را بنویسد (۰/۲۵) اما روح راستگو و درست کردار من آن را برای تو، ای عشق جاودانی به تصویر نکشیده باشد. (۰/۲۵)

۶۷- باتوجه به بیت «چو بخشایش پاک یزدان بود / دم آتش و آب یکسان بود»، شاعر چه عاملی را سبب تأثیر یکسان آب و آتش می‌داند؟

پاسخ: لطف و بخشایش الهی

۶۸- باتوجه به سروده زیر، منظور شاعر از «شعر محض خوب و خالی» چیست؟

«قصه است این، قصه، آری قصه درد است/ بی‌عیار و شعر محض خوب و خالی نیست»

پاسخ: شعری که فقط به زیبایی ظاهری توجه می‌کند (۰/۲۵) و به محتوا بی‌توجه است (متعهد نیست) (۰/۲۵)

۶۹- در بیت زیر، منظور از «نسیم سحرخیز» و «باغ» چیست؟

«با این نسیم سحرخیز، برخیز اگر جان سپردیم در باغ می‌ماند ای دوست، گل یادگار من و تو»

پاسخ: نسیم سحرخیز: انقلاب و قیام مردم، (۰/۲۵) باغ: وطن، کشور (۰/۲۵)

۷۰- بیت زیر بر چه مفهومی تأکید دارد؟

«چو بخشایش پاک یزدان بود / دم آتش و آب یکسان بود»

پاسخ: لطف و عنایت حق، انسان را از آسیب‌ها در امان نگاه می‌دارد. (آتش سوزان مثل آب، سرد می‌شود) (۰/۵)

۷۱- در سروده زیر، منظور شاعر از «حدیث آشنای نقال» چیست؟

«مرد نقال - آن صدایش گرم، نایش گرم/ آن سکوتش ساکت و گیرا/ و دمش چونان حدیث آشنایش گرم/ راه می‌رفت و سخن می‌گفت»

پاسخ: داستان‌های شاهنامه (حماسه ملی ایران) (۰/۵)

۷۲- در نوشته زیر، منظور نویسنده از مثل «چند مرده حلاجی» چیست؟

«مصطفی جان، می‌خواهم امروز نشان بدهی چند مرده حلاجی و از زیر سنگ هم شده یک غاز برای ما پیدا کنی.»

پاسخ: میزان قدرت و توانایی تو چقدر است. (۰/۵)

۷۳- باتوجه به هفت وادی عرفانی منطق‌الطیر، هریک از بیت‌های ردیف نخست، با کدام بیت در ردیف دوم، یادآور وادی مشترکی است؟ (در

ردیف دوم، یک بیت اضافی است)

| ردیف | نخست                                                        | ردیف | دوم                                                     |
|------|-------------------------------------------------------------|------|---------------------------------------------------------|
| ۱    | روی‌ها چون زین بیابان درکنند<br>جمله سر از یک بیابان برکنند | الف  | هریک بینا شود بر قدر خویش<br>باز یابد در حقیقت صدر خویش |
|      |                                                             | ب    | چشم بگشا به گلستان و ببین<br>جلوه آب صاف در گل و خار    |
| ۲    | دل چه بندی در این سرای مجاز<br>همت پست کی رسد به فراز       | ج    | مال این‌جا بایدت انداختن<br>ملک این‌جا بایدت درباختن    |

پاسخ:

۱- ب (۰/۲۵) ۲- ج (۰/۲۵)

معنی هریک از موارد زیر را به نثر روان بنویسید.

۷۴- چو او را بدیدند برخاست غو / که آمد ز آتش برون شاه نو

پاسخ: وقتی مردم سیاوش را دیدند، فریاد شادی سر دادند که شاهزاده از آتش به سلامتی بیرون آمد. (۰/۵)

۷۵- اگر دیدی به ناگاه / خون من بر سنگ فرش خیابان جاری است / بخند؛ زیرا خنده تو / برای دستان من / شمشیری است آخته  
پاسخ: اگر دیدی که من زخمی و در حال جان دادن هستم، تو شاد باش؛ زیرا خنده تو برای دستان من مانند شمشیر برکشیده‌ای است و به من توان مبارزه می‌بخشد. (۰/۷۵)

۷۶- هر روز باید ذکری واحد را مکرر بخوانم / : «که تو از آن منی و من از آن تو»  
پاسخ: هر روز باید سخن یکسانی را تکرار کنم و آن این که: تو متعلق به منی و من متعلق به تو هستم. (۰/۵)

۷۷- باتوجه به بیت‌های زیر، دلیل نگرانی کاووس درباره زن و فرزندش چیست؟  
«پراندیشه شد جان کاووس کی  
کزین دو یکی گر شود نابه‌کار  
پاسخ: اگر یکی از این دو نفر (سیاوش یا سودابه) گناهکار باشد، دیگر کسی او را پادشاه نمی‌داند. (۰/۵)  
۷۸- در بیت زیر توصیف شاعر به انسان عاقل چیست؟  
«سخن گفته دگر باز نیاید به دهن  
پاسخ: سنجیده سخن گفتن (پرورده‌گویی) (۰/۵)

۷۹- شاعر در سروده زیر، شعر خود را معیار سنجش چه می‌داند؟  
«قصه است این، قصه: آری قصه درد است / شعر نیست؛ این عیار مهر و کین مرد و نامرد است»  
پاسخ: معیار سنجش دوستی و دشمنی مردان و ناجوانمردان. (۰/۵)

۸۰- در نوشته زیر، منظور نویسنده را از قسمت‌های مشخص شده بنویسید.  
گفت: «به من دخلی ندارد! ماشاءالله هفت قرآن به میان، پسرعموی خودت است.»  
پاسخ: دخلی ندارد: ربطی ندارد (۰/۲۵) هفت قرآن به میان: چشم نخورد، (بلا به دور باشد) (۰/۲۵)

۸۱- باتوجه به واژه‌های داخل کمانک، هریک از بیت‌های زیر، یادآور کدام وادی عرفانی منطق‌الطیر است؟  
الف) هشت جنت نیز این‌جا مرده‌ای است  
ب) وصلت آن‌کس یافت کز خود شد فنا  
پاسخ: الف) وادی چهارم یا استغنا (۰/۲۵) ب) وادی هفتم یا فقر و فنا (۰/۲۵)  
معنی هریک از ابیات و عبارات زیر را به نثر روان بنویسید.

۸۲- بدان گه که شد پیش کاووس باز  
پاسخ: وقتی سیاوش پیش کاووس رفت از اسب (۰/۲۵) پیاده شد و تعظیم کرد. (۰/۲۵)  
۸۳- خودتان را بزنید به ناخوشی و بگویید طبیب قدغن کرده؛ از تخت‌خواب پایین نیایید.  
پاسخ: وانمود کنید که بیمار هستید (۰/۲۵)، و بگویید پزشک ممنوع کرده و از رخت‌خواب برنخیزید. (۰/۲۵)

۸۴- مضمون مشترک ابیات زیر را بنویسید.  
نی حدیث راه پر خون می‌کند  
شیرمردی باید این ره را شگرف  
پاسخ: دشوار و پرخطر بودن راه عشق  
قصه‌های عشق مجنون می‌کند  
زان که ره دور است و دریا ژرف ژرف

۸۵- در جدول زیر، هریک از ابیات، یادآور کدام وادی از وادی‌های هفت‌گانه عطار است؟ (از ستون مقابل انتخاب کنید).

|     |                                                         |               |
|-----|---------------------------------------------------------|---------------|
| الف | «دل چه بندی در این سرای مجاز<br>هفت پست کی رسد به فراز» | (۱) توحید     |
|     |                                                         | (۲) طلب       |
| ب   | «صد هزاران سایه جاوید تو<br>گم شده بینی ز یک خورشید تو» | (۳) فقر و فنا |
|     |                                                         | (۴) حیرت      |

پاسخ:

الف) ۲ یا طلب (۰/۲۵)      ب) ۱ یا فقر و فنا (۰/۲۵)

۸۶- باتوجه به سروده زیر، شاعر هر روز خود را ملزم به تکرار چه سخنی می‌داند؟

«هر روز باید ذکری واحد را مکرر بخوانم / و آن‌چه را قدیمی است قدیمی ندانم: که تواز آن منی و من از آن تو، / درست مانند نخستین باری که نام زیبای تو را تلاوت کردم.»

پاسخ: تواز آن منی و من از آن تو.

۸۷- از بیت‌های زیر، برای هریک از مفاهیم خواسته شده، یک معادل کنایی بیابید و بنویسید.

الف) چو خواهی که پیدا کنی گفت‌وگوی      ب) روی‌ها چون زین بیابان درکنند  
باید زدن سنگ را بر سبوی      جمله سر از یک گریبان برکنند

(۱) به وحدت رسیدن:      (۲) آزمایش کردن:

پاسخ: (۱) سر از یک گریبان برکنند. (۰/۲۵)      (۲) سنگ را بر سبوی زدن (۰/۲۵)

معنی هریک از موارد زیر را به نثر رون بنویسید.

۸۸- با این نسیم سحرخیز، برخیز اگر جان سپردیم      در باغ می‌ماند ای دوست گل یادگار من و تو

پاسخ: با این انقلاب، تو هم به پا خیز که حتی اگر در این راه شهید هم شدیم، انقلاب و آزادی به عنوان یادگار ما در وطن باقی می‌ماند.

۸۹- در سروده «پهلوان هفت خوان اکنون / طعمه دام و دهان خوان هشتم بود»، منظور از موارد مشخص شده را بنویسید.

پاسخ: رستم، ۰/۲۵؛ مرگ یا چاهی که شغاد حفر کرده بود. (۰/۲۵)

۹۰- بیت زیر، برچه مفهومی تأکید دارد؟

«ز خورشید و از آب و از باد و خاک      نگردد تبه نام و گفتار پاک»

پاسخ: نام و سخن نیک ماندگار است.

۹۱- هریک از بیت‌های ردیف «اول» با کدام یک از مفاهیم ردیف «دوم» متناسب است؟ (در ردیف دوم یک مفهوم اضافی است).

| ردیف اول                                                     | ردیف دوم               |
|--------------------------------------------------------------|------------------------|
| الف   چو گل هرجا که لبخند آفرینی / به هرسو رو کنی لبخند بینی | ۱   از ماست که بر ماست |
| ب   گلّه ما را گلّه از گرگ نیست / این همه بیداد شبان می کند  | ۲   مبارزه با تزویر    |
|                                                              | ۳   شادی آفرینی        |

پاسخ:

الف - ۳      ب - ۲

۹۲- در سروده زیر، شکسپیر، در مقام عاشق، چه ادعایی می‌کند؟

«چیزی در مخیله آدمی می‌گنجد که قلم بتواند آن را بنگارد اما جان صادق من آن را برای تو ترسیم نکرده باشد؟»

پاسخ: روح راستگوی عاشق هرچه را که در ذهن آدم می‌گنجد، برای معشوق ترسیم کرده است. (۰/۵)

معنی هریک از موارد زیر را به نثر روان بنویسید.

۹۳- در همان بحبوحه بخور بخور منظره زوال غاز خدا بیمارز، مرا به یاد بی‌ثباتی فلک بوقلمون انداخت.

پاسخ: در همان میانه غذا خوردن، منظره نابودی غاز، (۰/۲۵) مرا به یاد ناپایداری روزگار ریاکار انداخت. (۰/۵)

۹۴- توپخانه شروع کرده بود و صدای مهیب آب، صدای کودکانه اما خشک کلاش را در خود هضم می‌کرد.

پاسخ: آتش توپخانه آغاز شده بود و صدای ترسناک آن (۰/۲۵)، صدای ضعیف اسلحه کلاش را محو می‌کرد. (۰/۲۵)

۹۵- چون رود امیدوارم بی‌تابم و بی‌قرارم من می‌روم سوی دریا، جای قرار من و تو

پاسخ: مانند رود امیدوار اما ناآرام هستم، (۰/۲۵) به سوی دریای اتحاد مردم می‌روم (۰/۲۵) تا به آرامش برسم. (۰/۲۵)

۹۶- سراسر همه دشت بریان شدند بر آن چهر خندانش گریان شدند

پاسخ: همه مردم ناراحت شدند و با دیدن چهره خندان سیاوش از شوق گریستند.

۹۷- درک و دریافت خود را از سروده زیر بنویسید.

«و اگر دیدی، به ناگاه / خون بر سنگ فرش خیابان جاری است، / بخند؛ زیرا خنده تو / برای دستان من، / شمشیری است آخته»

پاسخ: شادی معشوق (وطن) به شاعر امید زندگی و قدرت مبارزه می‌بخشد. (۰/۵)

۹۸- مفهوم مشترک سروده‌های زیر را بنویسید.

یک قصه بیش نیست غم عشق وین عجب کز هر زبان که می‌شنوم نامکرر است

هر روز باید ذکری واحد را مکرر بخوانم / و آن چه را قدیمی است، قدیمی ندانم: «که تو از آن منی و من از آن تو»

پاسخ: سخن عشق تکراری نیست و عاشق از ذکر نام معشوق خسته نمی‌شود. (۰/۵)

۹۹- باتوجه به متن زیر، منظور هدهد از «خورشید» و «ذره» چیست؟

هدهد در پاسخ طاووس گفت: «بهشت جایگاهی خرم و زیباست اما زیبایی بهشت نیز پرتوی از جمال سیمرغ است.»

هر که داند گفت با خورشید راز کی تواند ماند با یک ذره باز؟

پاسخ: خورشید: سیمرغ یا خداوند (۰/۲۵)، ذره: بهشت (دلبستگی‌های مادی) (۰/۲۵)

۱۰۰- بیت «مال این‌جا بایدت انداختن / ملک این‌جا بایدت درباختن»، یادآور وادی ..... از هفت وادی منطق الطیر عطار است.

پاسخ: وادی طلب یا وادی اوآل (۰/۲۵)

معنی هریک از موارد زیر را به نثر روان بنویسید.

۱۰۱- مهمان‌ها سخت در محذور گیر کرده، تکلیف خود را نمی‌دانند.

پاسخ: مهمان‌ها به شدت گرفتار شده بودند و نمی‌دانستند چه کار کنند. (۰/۲۵)

۱۰۲- سعی کردم که پا جای پای شما بگذارم؛ مثل برق و باد خودم را به سنگر برسانم.

پاسخ: سعی کردم دقیقاً از شما پیروی کنم؛ با سرعت خودم را به سنگر برسانم. (۰/۵)

۱۰۳- خورشید و از آب و از باد و خاک نگردد تبه نام و گفتار پاک

پاسخ: هیچ‌یک از پدیده‌های جهان، آوازه نیک و گفتار پاک را نابود نمی‌کنند. (۰/۵)

۱۰۴- به دستور فرمود تا ساروان هیون آرد از دشت، صد کاروان

پاسخ: به وزیر فرمان داد که شتران، صد کاروان شتر درشت اندام از دشت بیاورد. (۰/۲۵)

۱۰۵- «صرف کردن صیغه بلعت» در عبارت زیر، نمایانگر چه مفهومی است؟

«مهمان‌ها بدون تخلف، تمام و کمال دور میز حلقه زده، در صرف کردن صیغه بلعت اهتمام تامی داشتند.»

پاسخ: تأکید بر خوردن غذا. (۰/۲۵)

۱۰۶- بیت زیر نمایانگر کدام یک از وادی‌های هفت‌گانهٔ عرفان است؟

«صد هزاران سایهٔ جاوید تو / گم شده بینی ز یک خورشید تو»

پاسخ: فقر و فنا یا وادی هفتم (۰/۲۵)

۱۰۷- کدام بیت بیانگر دآوری مردم دربارهٔ «سیاوش» است؟

الف) سر پُر ز شرم و بهایی مراست / اگر بی‌گناهم رهایی مراست

ب) همی داد مژده یکی را دگر / که بخشود بر بی‌گنه دادگر

پاسخ: ب) یا «همی داد مژده یکی را دگر / که بخشود بر بی‌گنه دادگر». (۰/۲۵)

۱۰۸- با توجه به سرودهٔ زیر، مقصود نقال از «قصهٔ درد» چیست؟

«همچنان می‌رفت و می‌آمد / همچنان می‌گفت و می‌گفت قدم می‌زد / قصهٔ است این قصه: آری قصهٔ درد است»

پاسخ: مرگ رستم. (۰/۲۵)

۱۰۹- در سطرهای زیر بر چه نکاتی تأکید شده است؟

«چه حرف تازه‌ای برای گفتن مانده است، یا چه چیز تازه‌ای برای نوشتن.

که بتواند عشق مرا یا سجایای ارزشمند تو را بازگو کند؟»

پاسخ: شاعر عشق خود را با تازه‌ترین تعبیر بیان نموده است یا توصیف‌ناپذیری عشق. (۰/۲۵)

محبوب دارای بهترین خصلت‌هاست یا وصف‌ناپذیری معشوق. (۰/۲۵)